

کمیگان ورزشی

من با هو کردن موافقم از کاظم کیلان بود

ورزشکاران شنبه آینده
به مونتر آل پرواز میکنند

ایران ۲ - رومانی ۲

قلیچ خانی و نورائی کولاک کردند



کشتی گیران و مریان صمیمی، متحد، قوی و سخت مصمم اند

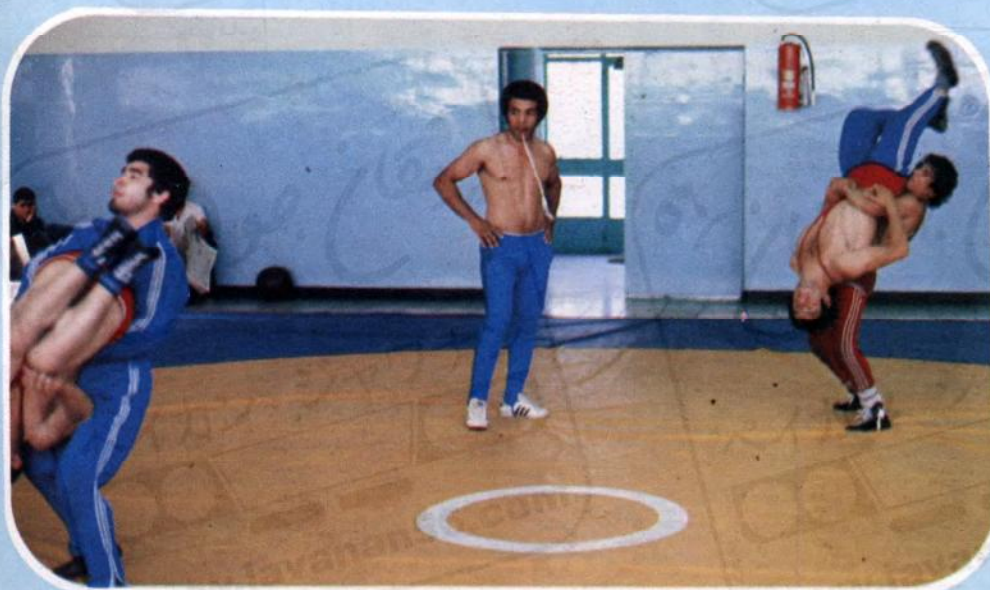


پیکان جوانان به
پیکان. ژاوانان
www.javanan56.com

همه امیدوارند

وقتی با کشتی گیران صحبت از بازیهای المپیک میشود، همگی به نتیجه کارشان امیدوارند و هیچیک حاضر نیستند بگویند که دست خالی باز خواهند گشت. این امید و نزدیسک وزن‌ها بیشتر دیده میشود. محمد نوائی (نفر اول سمت راست) میگوید: « بعد از اینهمه جنجال در سابقات انتخابی حالا حیف است که بدون مدال از سوئرال بازگردم. »

رمضان خدر معتقد است که اگر در سوئیخ توانست روی سکو برود در کانادا برای خودش جاذبیره کرده است! فرح‌وتسی فقط به کشتی‌گیران مغولی و بلغاری فکر می‌کند. در کنار این سه عزیزاده کشتی‌گیر فرنگی کار نیز برای خود سهمی در المپیک قائل است. رضا استکی آخرین نفر این ردیف، مربی تیم وزنه‌برداری ایران نیز امید بسیاری دارد. اما تمام امیدهای او و برومندها در سجد نصیری خلاصه میشود.



مدافعان افتخار گذشته

در المپیک سوئیخ رحیم علی‌آبادی پرامتیا زترین کشتی‌گیر ایران بود زیرا تنها مدال نقره گروه کشتی‌گیران اعزامی به المپیک سوئیخ را در کشتی فرنگی بدست آورد و اکنون این امید هست که کشتی‌گیران فرنگی، در سوئرال افتخار او را تجدید کنند.

آنان تمرین‌های بسیار فشرده و سختی را زیر نظر حسین ملاقاسمی انجام میدهند.

من با هو کردن موافقم

یکی از دوستان گرامی کیهان ورزشی کلمه میکرد که چرا تماشاگران تیم ملی فوتبال ایران را هو کرده اند!

من با هو کردن هم موافقم و هم مخالف. موافقم زیرا آن که هو میکند میخواهد عدم رضایتش را نشان دهد و برای بالا بردن سطح فوتبال هم لازم است که تماشاگر بتواند بگوید که در مسابقه زمان و در درک مسائل، از تیم ملی پیش افتاده است. یعنی این فوتبال را در شان تیم ملی مملکت خودش نمیداند و انتظاری بسیار فراتر از آن دارد. و من سپهریم که اگر او به «هو» یعنی ساده ترین وسيله اظهار نظر و خواست خود متوسل نشود چه کند؟ آیا مثل ایتالیاییها و آسیاییها و اسکاتلندیها و حسینی انگلیسی ها و خون داغ های امریکای جنوبی گوجه فرنگی و تخم مرغ گندیده و سنگ و چوب و بطری و چیزهای دیگر به ورزشگاه برده و با آن ابراز ناراضی کند؟

خواهش می کنم فوراً این برداشت را نکنید که ما میخواهیم این چیزها را به تماشاگر باد بدهیم. چون تماشاگر ما همه اینها را دیده و خوانده و میداند اما ابرانست، ذاتاً نجیب و شریف است و هرگز گردان گونه واکنش ها نگشته است. این درست است کما و فوتبال را دوست دارد و فوتبال خوب میخواهد، اما ورزشکاران هبوطش را هم بسیار دوست دارد. آن که بر تماشاگر خرده میگیرد و افعال آن تماشاگر چه انتظار دارد؟ فکر میکند که تماشاگر باید سرما و گرما را تحمل کند، بلیت گران قیمت بخرد، تمام درد سرهای رسیدن به ورزشگاه و برگشتن از ورزشگاه تا منزل را تحمل کند. و ضمناً در ورزشگاه «کور» بشیند و از آنجا «لال» برود؟

آقای خرده گیر، لطفاً خود شما راهی پیشنهاد کنید که او بتواند، بازیکنان، مربی تیم و فدراسیون فوتبال را بیدار کند. این راه را حتماً پیدا کنید، به ما هم بنویسید که آنرا چاپ کنیم زیرا واقعاً کمک بزرگی به فوتبال خواهد کرد. شاید این تقصیر از وسایل ارتباط جمعی و مخصوصاً تلویزیون باشد. البته اگر بشود اسمت را نصیر گذاشت— که ای همه فوتبال خوب را با نونسه و مکنس و ولیم به تماشاگر علاقمند معرفی کرده اند و در همان حال که سطح توقع او به این ترتیب بالا رفته، فوتبال مملکت اگر درجا زده، لااقل بهمان سرعت پیش نرفته است

باین دلایل من با هو کردن موافقم. البته این هو کردن نباید با مسائل دیگر و با گفتار و رفتار زشت آلوده شود و اگر من مخالفی با هو کردن دارم موقعی است که این کار از صورت پکت انتقاد به متنکل زنده هرزه رانی درآید.

آن که هو کردن را نپسندیده باشد که این تماشاگر در یک مسابقه دوستانه این کار را کرده است نادر مسابقه ای برای حفظ بایدهست آوردن عنوان قهرمانی و فراموش نکند که این تماشاگر با شرف هیچگاه موقعی که تیم ملی از عنوان قهرمانی و از رنگهای مملکت دفاع میکرده نه فقط او را هو نکرده بلکه چه بسیار دلعات که بعلی تیم ملی اش را تا روز پیش از مسابقه دوست نداشته، روز مسابقه با تمام ذرات وجودش چنان از تیم ملی حمایت کرده که پیروزی غیرمنتظره را برای او ساخته است. بلی این همان تماشاگر است و ما حق ندایم فراموشش نکنیم و احساسات پالک و شرفش را بر چه دار کنیم.

بازیکنان ما هم نباید هو کردن را بعنوان توهین بخود تلقی کنند بلکه باید آنرا نوعی هشدار بشمار آورند که سود آن صدمه صدمت نصیب خودشان میشود و این درست مثل انتقاد است که مطبوعات میکنند. وسیله انتقاد مطبوعات کاغذ و قلم است و وسیله انتقاد تماشاگر دهان و صدا و این دوهیچ فرقی با هم ندارد و هم ما برادران فوتبال با خود را دوست داریم و هم آن تماشاگری که هو میکند.

البته هو کردن دلایل ریشه ای دیگر هم دارد که از جمله آن بدون سازمان بودن تیم ملی، قطع ارتباط میان تماشاگر و تیم ملی و دخالت ندادن فکری و ذهنی تماشاگر در انتخاب افراد است که بحث درباره آنها از حوصله این مقال خارج است و بخواست خدا در شمار آورده آنرا مطرح می کنیم.

داود نصیری نماینده کنفدراسیون

آسیاد را «فیفا» میشنود

داود نصیری استاد پراسابقه و مطلع ورزشی، از طرف ایران ناسزد شده است که بمنسوان نمایندهی کنفدراسیون فوتبال آسیا، در فدراسیون بین المللی فوتبال (فیفا) عضویت پیدا کند. در حال حاضر کنفدراسیون آسیا دو نماینده در فیفا دارد که یکی داتومزه از مالزی است و دیگری بنام دکتر نوزوا زاین بازنشسته شده و نصیری جای او را بر می کند. فیفا در کنگره مونترآل راجع به این مورد تصمیم میگیرد. داود نصیری از نظر فدراسیون بین المللی

کوبا حریف فوتبال ایران شد

مونترآل (آوسشیتد پرس) — کمیته برگزاری المپیک چهارشنبه اعلام کرد که کوبا در مبارزات فوتبال المپیک جانشین اوروگوئه می شود. چند هفته پیش اوروگوئه به فدراسیون بین المللی فوتبال در زوریخ اعلام کرد که به خاطر درگیری کمیته المپیک با اتحادیه حرفه ای فوتبال این کشور، از فرستادن تیم به المپیک معذور است. و الترتیب دیر کل کمیته ورزش در یک جلسه مطبوعاتی اعلام کرد که کوبا آمادگی خود را در المپیک اعلام کرده است، بعد از اوروگوئه چهار کشور آرتانتین، کلمبیا، پرو و شیلی بدون هیچ دلیلی از جانشینی سرباز زدند.

در مرحله این هفته

- صفحه ۴: فوتبال ایران و رومانی.
- صفحه ۴: مصاحبه با استفان کواکس
- صفحه ۴: فوتبال دسته دوم باشگاه های ایران:
- صفحه ۱: شطرنج. هرندی...
- صفحه ۱۱: عکس رنگی تیم چکسلواکی.
- صفحه ۲: مصاحبه اختصاصی با مربی تیم لهستان.
- صفحه ۴: بیه های کرمانشاه روی تشک لودز.
- صفحه ۱: کنگره فدراسیون کشتی ایران.
- صفحه ۱۷: تصاویر رنگی از ورزشکاران ایرانی عازم المپیک.
- صفحه ۱۸: تصاویر رنگی از دیدار تیم ملی فوتبال ایران و اید شوروی.
- صفحه ۴: فوتبال، با تری بودیم اما نبردیم.
- صفحه ۴: ایران آسیائی است ولی فوتبال

کیهان ورزشی

صاحب امتیاز: محمود منصفی

سردبیر: کاظم گیلان پور

نشانی: خیابان فردوسی جنوبی

شرح عکسهای روی جلد

سقوط غالب و مغلوب

بعد از سه ثمر رسیدن گل دوم ایران با ضربه سر علیرضا خورشیدی، غلامحسین مظلومی با دستهای بالا برده بشارت شده و غلبه و مغلوب یعنی خورشیدی (۲) و پور کوفسکی (دروازبان)، به روی زمین افتاده اند.

اینها اعضای تیم ملی کشتی آزاد ایران هستند. ایستاده از راست: محمدعلی صنعتکاران مربی، منصور بزرگ، محمدحسین مجبی، علیرضا سلیمانی، رضا سوخته سرائی، ابراهیم جواد کیخک برمی. نشسته از راست: محمد رضا نوایی، محسن فرح و شی، رمضان خدر، محسن تفتاحی و سبحان روحی.

گروه گزارش فوتبال کیهان ورزشی: تبریز: رسول غبرانی - ساری: جوباری - زشت: غلامرضا صومی - تهران: فریدون شیبانی، داود الماسی و علی بدر.



تیم ملی بی شکست به المپیک میرود

پروین و قلیچ خانی به روزهای اوج رسیدند

ایران (۱) ۲

مهدی عسگرخانی ۱ - حسن نظری ۲ ، یژن ذوالفقارنسب ۴ ، نصرالله عبداللهی ۸ ، اندرانیکا اسکندریان ۳ ، علی پروین ۷ ، پرویز قلیچ خانی ۵ (کاپیتان) ، ابراهیم قاسمیور ۶ ، حسن روشن ۱۰ (از دقیقه ۷۰ بشکار ۱۴) ، غلامحسین مظلومی ۹ (از دقیقه ۶۰ نورایی) و علی رضا خورشیدی ۱۱ .

ذخیره‌ها: ناصر حجازی ، منصور رشیدی ، حسن نایب آقا ، سهام میرفخرایی ، علی رضا عزیزی ، غفور جھانی ، عبدالمجید بشکار و ناصر نورایی .

رومانی (۱) ۲

رادو نانو ۱ - اسکوکو ۲ ، سانتازینو ۵ ، سانودر ۴ ، کولر ۲ ، مولتسکو ۸ ، دینسو ۶ (کاپیتان) ، از دقیقه ۷۸ سیوناش ۱۵ ، بولونی ۱۰ ، لوجسکو ۷ (از دقیقه ۶۰ ساندویر کیا ۱۷) ، جرجی اسکو ۹ (از دقیقه ۵۰ ساندویرچا) ،

بنی ۱۱

ذخیره‌ها: استغان ، کوربان و دو پرویو ، داور: جعفر نامداریا کمک محمد اطهری و هروس باغوسیان

تلفظ: گریش از ۶ هزارتن
کله: دقیقه ۳ بولونی و دقیقه ۸ سانودر (برای رومانی) دقیقه ۴ پرویز قلیچ خانی و دقیقه ۵ ناصر نورایی (برای ایران) .

جمعه ۱۱ تیر ۲۵۳۴ - ورزشگاه آریامهر:

آخرین دیدار تدارکاتی تیم ملی فوتبال ایران در برابر تیم ملی رومانی بود که بهترین محک برای دیدار با تیم لهستان یعنی قوی ترین حریف گروه ایران در المپیک مونتreal می توانست باشد. این حریف از اروپای شرقی آمده بود با همان

محسنتان قدرت بدنی و حفظ توپ.

تیم ملی رومانی در نوکیو بهنگام المپیک ۱۹۶۴ با نتیجه یک بر صفر بر تیم ملی ایران پیروز شده بود و این دومین دیدار ملی دو تیم محسوب میشد. ولی بعضی از یاران این تیم که با باشکاهای خود قبلا به ایران آمده بودند، اغلب آشنا بودند و چند بازیکن سرشناس چون رادو کانو (دروازه بان) و لوجسکو و مولتسکو در آن بازی میکردند. در دقیقه سوم مبارزه رومانی ها برتری آغاز را به نتیجه رساندند و بدنبال پاس عالی مولتسکو به بولونی (هافبک چپ) او از بین ذوالفقارنسب و عبداللهی (دو مدافع

میانی ایران) توپ را با رواری با بهدیرک عمودی دروازه گوید و گل اول را به ثمر رساند. این گل در روحیه بازیکنان ما اثر گذاشت و آنان را بخود آورد. تلاشهای پروین، قلیچ خانی و قاسم پور در میانه میدان وسیعی به اراائه یک بازی حساب شده در برابر حریف صاحب نام به هیجان بازی افزود. حسن روشن از سمت راست اولین گریز جالب را در دقیقه پنجم با په گذاشت و از آن لحظه به بعد دو کانو دروازه بان گول بیکر و با تجربه تیم ملی رومانی با خطرات بسیاری مواجه شد.

در دقیقه هفتم پرویز قلیچ خانی قدرت شوت زنی خود را نشان داد و از سوی متری با شلیک عالی خود روی ضربه آزاد، کانو را وادار به پرواز بلند و مهار توپ کرد. تیم رومانی که از نظر قدرت بدنی بر ایران برتری داشت و بازیکنانش گویی با پای بلندتر از حد معمول بر هر توپ اثر میگذاشتند تا دقیقه پانزدهم به تیم ایران فرصت برتری ندادند، بویژه

آنکه در خط دفاعی ایران بجز عبداللهی مدافع پوششی، سه مدافع دیگر در جای گیری مرتکب اشتباه میشدند - رومانی ها با استفاده از فاصله عمیق بسازیکنان با پاسهای بلند و دقیق متقابلا عسگرخانی را با خطر مواجه میکردند. کم کم کار عانی سه هافبک تیم ایران با پرکاری و شریخی مهاجمان و همچنین با بازیای مدافعان همراه شد تا آنجا که از دقیقه بیست بعد ایران حریف اروپائی را با اراائه یک بازی تحسین آمیز به بند کشید، بویژه حسن روشن که از جناح راست همه چیز را بهم میریخت و با پرهیز از سانتهای بلند میکوشید با توپهای زمینی خطرهای بی دربی ایجاد کند.

غلامحسین مظلومی - که در نوک حمله بازی میکرد - و این آخرین مکان رقابت در انتخاب تیم ملی برایش بود، همواره در دهانه گل خطر می آفرید و با پاسهای جانب دیگران را در موقعیت گل قرار میداد. خورشیدی هم با داشتن یک سهره تکنیکی با ارزش مانند قاسم پور در پشت سرش همچنین با دوندگی بسیار وجودش را در زمین نشان میداد.

تیم ایران بی دربی میکوبید و سرانجام در دقیقه چهارم کار خود را کرد. درنمایشی که کمتر از تیم ملی ایران در این ادوار نزدیک سراغ داریم تیم ایران گل تساوی را به شکل جانبی شمر رساند: به این ترتیب که به دنبال پاس مظلومی به پروین، و این بازیکن به روشن و از روشن به قلیچ خانی، کاپیتان تیم ملی ایران در جناح راست و در بیست متری دروازه صاحب توپ شد و با شلیکی توقف ناپذیر شیرجه بلند را دو کانو را بی تأثیر کرد و همین گل بود که ورزشگاه را به جنب و جوش انداخت.

دو گل برای دو تیم

در نیمه دوم دو تیم بدون هیچ تغییری به میدان آمدند و در برابر همان چهره تقریباً بی تفاوت رومانی ایران حمله ور بود، هنوز دو دقیقه نگذشته بود که سانتر کانه نظری از راست با ضربه سر خوب روشن کانو را به خطر انداخت ولی کانو سوق به مهار توپ شد. بدنبال آن شوت های خوب خورشیدی و قاسمیور با فاصله اندک از کنار دروازه گذشت. جواب این شوت ها شلیک سانتوسکو بود که اثری نداشت. بعد از این در دقیقه ۵۰ تیم رومانی در دقیقه ۶۰ تیم ایران دست به اولین تعویض های خود زدند و نورایی به جای مظلومی وارد زمین شد. دو بازیکن تازه وارد در بازی تحرکی ایجاد کردند. نورایی پس از چند حرکت زیبا در انجام در دقیقه ۵۰ گل دوم ایران و برتری را به ثمر رساند. از روی پاس خورشیدی از فاصله ۳۰ متری به مانند قلیچ خانی آچنان شلیک زیبایی کرد که کانو کمترین فرصتی برای واکنش نیافت. این گل رومانی را از خواب براند و آنان را وادار به تحرك بیشتر کرد. دو تیم در دقیق ۶۰ و ۷۰ تعویض های دوم خود را نیز انجام دادند. بشکار بجای روشن وارد زمین شد. در این لحظات بیشتر حملات از سوی تیم رومانی بود. ساندمیر کیا بازیکن تازه وارد توپ را از زیر بدن عسگرخانی دروازه بان ناموفق این روز به سوی گل زد اما اسکندریان با فداکاری شیرجه رفت و توپ را از روی خط گل باز فرستاد.

در دقیقه ۷۵ ایران بدنبال یک ضد حمله صاحب بهترین بخت برای زدن گل سوم شد. نورایی از میانه میدان توپ را گرفت و

دفاع، یکی از نقاط ابهام بود

هنگامیکه ما صاحب گل شدیم نخست میل به حفظ توپ نمودیم. کاری که در دقایق پایان بازی نخست با تیم امید شوروی کرده بودیم اما هنوز این کار تیم ملی شکل نگرفته بود که با اشاره جمعیت آن اتفاقات بعد از بازی با شوروی بیاد آمد و بازیکنان با تردید بکاری دست زدند که خوب هفت و نهم وظیفه خویش را در آن نیندازند اینان عادت کرده بودند که بعد از پیروزی حفظ توپ کنند و چون تغییر عادت پیش آمد از هم گسیخته شدند. بویژه آنکه در این هنگام باران تعویض از شوروی رومانی شروع شد و در این جنگ روحی جنگ بدنی نیز دخالت کرد و سازمان خوش تر کسب ما را از هم پاشید.

آیا براستی ما نمی توانیم پیروزی خویش را حفظ کنیم؟ پاسخ اینست که چرا، ما در دیدار نخست با شوروی این کار را کرده بودیم. اما مسئله این است که اگر از حریف یک گل جلو بودیم آیا این بس است؟ یا اینکه باید ادامه یابد؟ نتیجه های چندین بازی روی این توانایی بدست می آید. یعنی توانایی حفظ آمنگی که منجر به زدن گل شده است. ما که در یک بازی دوستانه و تدارکاتی نیازی به یک نتیجه خفیف و حفظ آن با هر وسیله نداریم بلکه نیاز ما در این است که قدرت خویش را با زمانیم و آن را بیروش دهیم. پس کلی که در جریان بازی زدمیشود نباید به نوعی جز حسیب های ما دخالت کند که همه چیز را تغییر دهد شاید در بازی های حساس المپیک زدن یک گل مسئله بی بحث انگیز باشد. مسئله بی که روی آن باید حساب کرد و حساب این است که برای تیم ما دفاع تنوعی که یک بازیکنان به شیوه پوشش می دهند نمی بینند و یک های میان آن ستون محکم در مرکز دفاع بر اساس این شیوه می سازند. آیا می توان با دفاع، گل را حفظ کرد یا اینکه ادامه است که مربی تیم ملی باید انرا حل کند و این مسئله بی است که برای تمام حالات بازی باید که بازیکنان در هر نکته ای فصلی از بازی بصورتی روان وظیفه خویش را بشناسند.

اگر گل خوردیم چه؟ اگر گل زدیم چه؟ پاسخ صحیح به نمونه های دیگری از این اگرهای می تواند بخشی از فصل عظیم تاکتیک های ما باشد. برای تیم ملی ما بازی درخشان در برابر رومانی این امید را میدهد که اگر در این فاصله دوهفته بی مسایل کوچک خویش را حل کند لاین عرصه نام قهرمان آسیا در المپیک شود، و این مسایل آنچنان غامض نیستند که قابل حل نباشند، چه لیاقت حل آن ها بد قدرت بازیکنان حاضر است و مهاجرانی که شاید بزرگترین موفقیتش رسانیدن پیروزی پروین به این شرایط خوب بدنی باشد مسلماً قادر است این مسایل را حل نماید.

— اسداللهی

تیم ملی ایران در دیداری که می توانست پیروز شود، به مساوی تن داد و اگر عنایت داور نمی بود باخت تیم ما طبیعت این دیدار بود. تیم ملی ما در آخرین دیدار تدارکاتی خویش در برابر تیم ملی رومانی در اکثریت زمان مسابقه چهره بی تابناک داشت. دقایق دشوار تیم ما در دوسوی دیدار، یعنی آغاز و پایان آن بود. آغازی که با تردید، ترس و کندی برگزار شد و نتیجه آن گل زود هنگام رومانی گشت و پایان آن که با واماندگی، شتابزدگی و سردرگمی همراه بود و نتیجه اش گل مساوی کننده و صحنه بعد از آن بود که می توانست پناحتی باشد. درین این دو وضعیت، تیم ملی ما آنچنان بازی درخشانی کرد که اگر درخور ستایش نباشد قابل قبول برای عرضه به میدان المپیک است.

میخواهیم دلایل بزرگ سه فصل بازی را بیابیم. دو فصل بدنی که بیش از ۲۰ دقیقه بطول نیانجامید و فصل سوم که در میانه آن دو بود و بقیه بازی را به تیم مسلط ایران اختصاص داد. تیم ما هنگام ورود به میدان شاید تحت تأثیر نام حریف و شاید هم به این خاطر که با حضور ذهن به بازی آغاز نکرده بود تحت تأثیر حریف قرار گرفت. چند حرکت سریع مهاجمان رومانی بر این دشواری ما افزود و گل زود هنگام را موجب شد.

تیمی که به میدان مسابقه می رود باید از همان لحظات گرم کردن پیش از مسابقه چنان درگیر، چنان متوجه و چنان با حضور ذهن باشد که در آغاز دست کم بر تمام امکانات و کیفیات خویش مسلط باشد. عدم تسلط بر کیفیات خویش به دلایل یاد شده دلیل بزرگ گل رومانی بود و بعد از این گل بود که فصل دوم یعنی زمان برتری ما آغاز گشت. کسب فرار خوب روشن که نمایشی روحیه ساز بود و سپس شوت با شکره تلخ شای و واکنش عالی دروازه بان حریف زمین میدان و تیم ما را گرم کرد. چنان گرمایی که تقریباً در تمام طول نیمه نخست ادامه یافت و محصول زیادی آن گل درخشان کاپیتان تیم ملی گشت.

یاران پرویز دنباله این برتری را با قدرت گرفته تا بجای رسیدند که گل برتری خویش را ساختند و این کلی بود که نورایی ساتنر فروار داد جانشین مظلومی زد.

در طول این مدت بازی های چشمگیری از کلبه عناصر خویش دیدیم که شاید تنها اندکی اشکال در بازی مظلومی بود ما چنان اوضاع تسلط یافته بودیم که بیرون حریف اروپایی خویش یک مغلوب بزرگ بسازیم و این کاملاً در قدرت بازی ما بود اما گل پیروزی ما پایان فصل برتری و آغاز نزول گشت. دلیل بروز فصل سوم یا دوسین زمان نزول ما را باید بیست از همه به مسئله روحی مربوط دانست.



اینجا چهره هایی هستند که دیروز با نام ایران مقابل تیم رومانی دیداری زیبا و به نمایش گذاشته و آغازگر بازی شدند:

از راست ایستاده: نصرالله عبداللهی، بیژن ذوالفقارنسب، غلامحسین مظلومی، مهدی عسگرخانی، پرویز قلیچ خانی نشسته: هلیرضا خورشیدی، حسن روشن، حسن نظری، ابراهیم قاسمیور، علی پروین و اندرانیک اسکندریان.



کواکس: ایران با خوردن گل روحیه می یازد

بعد از اتمام مسابقه ایران - رومانی استان کواکس مربی نامدار به رختکن ایران آمد و ضمن ستودن بازی تیم ایران این ابراد را تذکر داد که تیم ملی ایران بعد از خوردن گل اول و دوم کم روحیه بود اما بعد از گلهای اول و دومی که زد بسیار جنگندگی داشت. او با مشت زدن به کف دستش این جنگندگی را تفهیم کرد. کواکس بعد به مهاجرانی گفت که فقط باید روی قدرت بدنی بچه ها کار کند.

کنسالتن بازیکن سابق و دستیار فعلی کواکس هم در رختکن به سختی حاضر به صحبت شد. او از نتیجه ناراحت به نظر می رسد. کنسالتن گفت: ایران تیم خوب دارد. اما از نظر آمادگی بدنی هنوز ضعیف است. کنسالتن بهترین بازیکنان ایران را شماره ۵، ۹، ۱۰، ۱۱ (قلیچ خانی، مظلومی، قاسمیور و نورانی) ذکر کرد. او در پایان افزود که شما از نجره و کوبا قوی تر هستید و حریف شما را یک شما هستان است. از کنسالتن راجع به تیم ملی رومانی پرسیدیم، پاسخ داد که بازیکنان ملی پوش ارتشی از جمله بازیکنان تیم استه او در جمع تیم ملی حاضر در ایران حضور نداشته اند و در بوخارست بازی دارند.

یک بک دریل بسوی دروازه رومانی گریخت. قاسمیور هم به همراه او آمد. پاس نورایی به قاسمیور می توانست یک گل دیگر باشد اما ضربه قاسمیور از کنار دروازه گشت.

در دقیقه ۷۸ رومانی سومین تعویض را هم انجام داد و سه دقیقه بعد به گل مساوی دست یافت. در دقیقه ۸۰ بدنبال ساتنر موئیر از راست ساندور مدافع پیشاختره رومانی توپ را باسر به درون گل فرستاد و گل مساوی را به ثمر رساند. این گل چهره بازی را با دیگر متعادل کرد و دومین چندپاره در دروازه یکدیگر حمله کردند. اما خط حمله ایران با بیرون رفتن روشن قدرت همشگکی را نداشت و سرانجام ایران بدون شکست بعد از جام منتهای آسیا آخرین دیدار قبل از سفر به المپیک خود را نیز انجام داد.

ران قلیچ خانی صدمه دید

در رختکن تیم ملی ایران پرویز قلیچ خانی، پشت از درد شدید ران چپ رنج میبرد. او در صحبتی کوتاه گفت زانوی یکی از یاران سرسخت رومانی در نیمه اول محکم به ران او کوبیدمش، و در نیمه دوم با درد بسیار بازی کرده است. دکتر تقی زککش اظهار کرد قلیچ تادوسه روز دیگر خوب می شود. ذوالفقارنسب، عبداللهی و روشن هم کمی آسیب دیدند.

مهاجرانی: از بازی بچه ها راضی هستیم

است. بشارت توانست ما نند تمرینات قدرتش را نشان دهد ولی قاسمیور عالی بود. ما دو گل مفت خوردیم و دو گل عالی زدیم.

مهاجرانی در صحبت با ما گفت: تیم ملی را فردا معرفی میکنم. از بازی تیم راضی بودم و انتخاب نهایی واقعا مشکل

برای پیدا کردن فوتبال نباید پولاتان را

بازی روی قالی‌های ایران زیباست ولی مدرساز نیست

مسئله پول، همیشه یواشکی حل می‌شود!



استفان کوواکس در یک فرصت کوتاه، مربیان شرکت کننده در کلاس مربی‌گری تبریز را باشوهای تازه مربی‌گری آشنا کرد. اگر چه در این عکس نشان‌دهنده‌ی فوتبال مدرن پنجم نیست، می‌خواهد و نباید برای همین است که بعضی از مربیان لجن‌خیز به لب دارند.

یک خفاق است. می‌توان نمونه برداری کرد، میتوان تقلید نمود، میتوان چون شعرا حفظ کرد ولی نمی‌توان خلق کرد و اگر کسی را یافتید که خلق کرد منظور مرا در سیما اوجستجو کنید.

شما بسیار سفر کرده‌اید و بسیار دیده‌اید و بسیار شنیده‌اید، کدامین مربیان را پسندیده‌اید و بچه دلایلی؟

در فرانسه که اخیراً خدمت کرده‌ام سرآمد همگان بی‌بربی بارو را یافتیم که یک خالق است. او دفاع عرضی را بوجود آورد و کسی بود که پیش از سال ۹۰، باروش علمی-سروکار داشت و تاکتیک‌های عملیات نفوذی را طرح میریخت و اجرا میکرد. او اینک در «ویشی» مدیر مدرسه فوتبال می‌باشد و یکار خلاقه خویش پرداخته است. سه روز پیش او بدم و بازی بیشتر شیفته‌اش شدم. بعد از او ژرژ بولون است که انسانی درستکار و آزاداندیش می‌باشد و سپس به سرآمد نسل نو روبرت هرن برمی‌گردد آتین میرسیم؛ در آلمان بسیارند ولی هلموت شون برترین است و وایس وایلر چیز دیگر. در انگلستان هم فراوانند ولی والتر وینترتوم استاد و سرآمد همگان است. در برزیل زاگالو سنت‌ها را بهم زد. او یک باهوش جوان بود که کتاب زندگی پیران ستنی چون موری‌یرا، فنولا و دیگران را بست. و در جهان با هلینوهرها سروکار داریم که خالق بزرگ بود. از او بسیار آموختم و هرچه آموختم پرورش دادم. او استاد من با بزرگترین استاد من بوده است.

چرا چکسلواکی پیروز شد؟
—چک مری چکسلواکی این اقبال را داشت که دو سال زودتر از من از غرب به کشور

— آیا این عادت است؟
— نه این اعتقاد است.

— اعتقاد به چه؟
— به خدای یگانه.

— باین وجود تو کمونیست هستی؟
— من در یک کشور کمونیست زندگی

میکتم و تنها به آن احرام می‌نهم.
— آیا با خدا ارتباط هم داری؟

— بلی و نه از آن ارتباطی که دیگران دارند.
دیگران هرگاه نیازمند شوند روسوی خدام برند

ولی من همیشه روسوی خدادم.
— پس باین وجود خدا را می‌شناسی؟

— نه ولی مطمئنم که او مرا می‌شناسد و مرا می‌بیند.

— عشق چیست؟
— عشق جوهر زندگی است و بی‌عشق

زندگی برابر مرگ است؟
— عشق تو چیست؟

— عشق بزرگ من خدای یگانه است
و عشق کوچک حرفه من است، حرفه‌ای که

می‌توانم بآن زندگی کنم و در برابرش بدیگران کمک کنم. بهین خاطر است که هر جا رفته‌ام

بیشتر از آنچه گرفته‌ام داده‌ام. نگاه کنید.
هین چند روز پیش که فرانسه رفتم و تیم

منتخب را رهبری کردم چهل هزار فرانسوی فریاد می‌زدند استفان بازگردد و این بخاطر آن

بود که احساس کرده‌اند بیش از آنچه که از فرانسه گرفته‌ام به آنها بخشیده‌ام.

— از حرفه خود گفتی که مربی‌گری است
پس بگو مربی کیست؟

— در جهان امروزی مربی بسیار است.
بهین اندازه هم می‌توان با انواع مربیان

سروکار داشت ولی آن مربی، که من می‌گویم

بدعوت دبیر فدراسیون فوتبال پذیرفتم که به‌راه استفان کوواکس سفری کوتاه به تبریز داشته باشم و در کنفرانس او که برای کلاس مربی‌گری برپا میشد شرکت‌جویم. فدراسیون هواپیمائی اختصاصی منظور کرده بود که در فرودگاه به دلایلی آن هواپیمای خود را بدیگری بخشید که این یکی چیزی سبک و بی‌اعتبار بنظر می‌رسد. گرچه خلبان آن با آرامش تمام می‌راند، ولی ما بقول استاد حسین صدقیانی خود را روی یک صندلی تنها در فضای بی‌انتهای احساس می‌کردیم و این احساس چنان بود که چون با سستی تأخیر به تبریز رسیدیم همگان غیر از کوواکس بر خود می‌لرزیدیم. گرچه او هم ترسیده بود.

این را از آن جهت نوشتم که بدرجان کلامی که خواهم نوشت می‌خورد.

— استفان تو کیستی؟
— تومرانی‌شناسی؟

— خیر.
— پس چگونه درباره من می‌نویسی و

نوشته‌های مرا ترجمه می‌کنی؟
— من زندگی تو را میدانم. گفته‌هایت را

خوانده‌ام. نوشته‌هایت را ترجمه کرده‌ام و کارهایت را دیده و شنیده‌ام، ولی این شاید

یک‌دهم تو بوده باشد و برای شناخت یک انسان کافی نیست.

— تا همین جا که میدانی پس بگو من کیستم؟

— تودردوم اکتبر ۱۹۲۰ در تیمسوارا شهر مرزی مجارستان و یوگسلاوی بدنی آمده‌ای

و از دمسالگی بازی کرده‌ای و سپس...
— خوب بقیه را میدانی آری، آنها را

نوشته‌ام و خوانندگان من هم خوانده‌اند پس اجازه میدهمی تا تو را بشناسم؟

— هیچ کس نمی‌تواند کسی را بشناسد
با این وجود حاضر، پیرس تابگویم.

— میدانی که من تو را بجای «کوواج»
کوواکس می‌نویسم؟

— نه، چرا؟ اسم من درست استفان کوواج است.

— من اسم تو را از روی حروف لاتین
می‌نویسم و می‌خوانم و این چاره‌ای است که

برای تمام نام‌های بی‌گانه برگزیده‌ام.
— این درست بهترین کار است. بهترین

کاری که یک روال منطقی و یک نظم کلی به نوشتن نامها میدهد. نامهایی که با حروف

ساخته میشوند و حرفی که در هر جا یک نوع صدا میدهند و بهترین صدا که می‌تواند واحد

باشد همان صداهای لاتین است.
— دیدم که ددر سوار شدن علامت صلیب

برسینه کشیدی؟
— این تنها هنگام سوار شدن نبود من همیشه

این کار را می‌کنم.

خود بازگشت او راز برتری هلند و آلمان را زودتر از من بکشور خود برد. نزدیک به سه سال پیش که قدم‌های نخستین را بر میداشت بدیدنش رفتم و فهمیدم که کار را از جای درست آغاز کرده است. او همه چیز را بدور افکنده و دوزیمینه اصلی برای کار برگزیده بود. زمینه اول ملی کردن فوتبال چکسلواکی بود که پیش از آن کمتر کسی موفق به این کار شده بود.

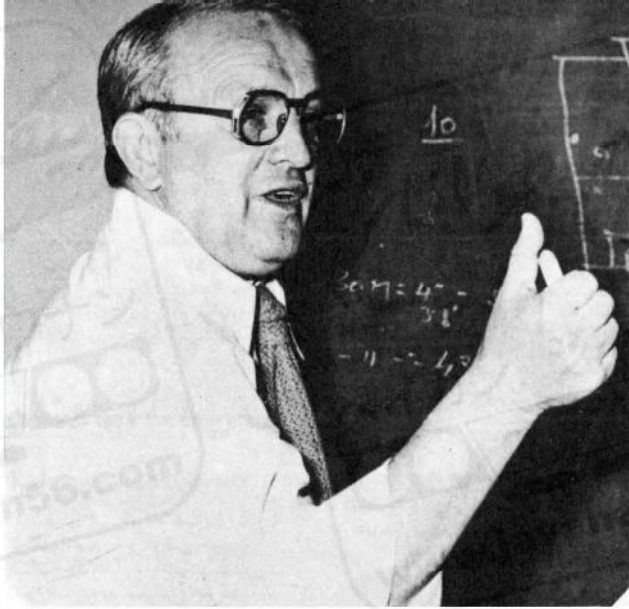
میدانید در آتجا معمولاً چک‌ها و اسلاوا علیه یکدیگرند ولی چک‌این رسم را برهم زد و این آسان نبود. او توانست با کوشش بسیار و بکمک دانش، روانشناسی و تعیین هدف فاصله بین چک‌ها و اسلاوها را بردارد و فوئبائی با روحیه چکسلواکی برپا دارد نه چک و نه اسلاو و این بزرگترین کار روحی او بود.

زمینه دوم که باز مربوط به دانش و شناخت و تجربه او بود انتخاب بازیکنانی با روحیات داوطلبانه و اندام‌های برجسته و بسیار مناسب همراه با استعداد و کیفیت‌های اولیه بود. او از نسل گذشته تنها کسانی را برگزید که چون دونباس، روحی سرا آباتور و فوئبائی سرا با حرفه‌ای داشتند.

دزنسل میانه نیز بهین کیفیت توجه کرد

دور بریزید

از: د-اسداللهی



هدف زندگی عشق است وزندگی بی عشق برابر مرگ است

چون اوبه زمین فوتبال رفت بیش از ۱۵۰ بازیکن و دو توپ نداشت. این چگونه است که برای یک مربی این همه پول میدهند ولی ده توپ فوتبال نمی‌خرند؟
— با استخدام مربیان خارجی برای یک فوتبال موفقیت؟

— من با ارتباط موافقم. در آن سو چیزهایی هست که در این سونیست و برعکس هم صحیح است. من چون خود در رومانی برای اولین بار مربی تیم ملی شدم به این ارتباط معتقد بودم و بزرگترین خدمت خود را از آن دوره در این میدانم که چند مربی از جمله آلبرت باتومربی فرانسه را برومانی دعوت کردم تا برای مربیان ما کنفرانس دهد. مربی خارجی بسیاری از چیزها را میداند ولی بسیاری از چیزها را نمیداند. او فوتبال را میشناسد ولی این یکسوی تنبیه است. زیر یکسوم بساط کاروسازمان امکانات کار است و یکسوم دیگر که بازمهتر است ماده کار یعنی بازیکن و روحیات بازیکن و روحیات ملت بازیکن است کفتم که انسان هویج نیست.

چگونه می‌توان بدرك مقابل رسید وقتی که زبان هم را نفهمید. می‌توان رسید ولی نه تا عمق و تا عمقی که بدر بیرون کشیدن عمیق ترین ویژگیها برای گرفتن عالیترین بهره‌ها برسد. در غرب استفاده از مربیان خارجی بسیار معمول است و این بسیار سودمند بوده است و هنوز هم سودمند می‌باشد و بعقد آنان و من این یکی از بهترین راههای پیشرفت است ولی اینکه آیا در همه جا این همه سودمند است یا خیر، بستگی به امکانات و توقعات و سرمایه‌ها و مواد خود این کشورهاست. و این خود کشورها هستند که می‌دانند چه بدر پیشرفت آنان می‌خورد.

بلی مربی خارجی هم یک وسیله است گاهی بسیار عالی گاهی تنها وسیله و گاهی هم بی‌فایده و تلف کننده وقت.

— در کلاس مربیان ما دو ساعت حرف زدید این کلاس را چگونه بافتید؟
— آنها خوب گوش می‌دادند حتی زمانی که تمام کردم آقدر درگیر و فکور بودند که طبق معمول دست نزدند ولی در میدان خوب عمل نکردند. اینطور که شنیدم شا کلاس-های بسیار دارد. کلاسی بی‌المللی چون کلاس کرامر و کلاسی چون این از شاگردان آن‌وید. آیا با این همه مربی کلاس دیده دچار تورم نخواهید شد.

— نه، اگر چند سال دیگر هم با همین آهنگ کار کنیم با نیازمندییم.
— کشور شما چند جمعیت دارد؟
— بیش از ۲۵ میلیون و از کلاس بگویند؟
— من در تبریز خود را در خانه خویش احساس کردم. در میان همکاران آینده‌ام و این

در روز سالگی خود را جوان احساس میکنم چون میدانم که هنوز می‌توانم کار کنم.
— و پول؟

— پول برای من مهم است ولی نه آنچنان که مرا اسیر خویش ساخته باشد. شما میدانید که من یک چمدان دلار را که یونانی‌ها میدادند بدور افکندم و پیشنهاد کم سود و متوسط فرانسویان را برگزیدم.

— شما خانه و پول و کار مورد علاقه‌خویش را دارید آیا کاپیتالیست یا بورژوا نیستید؟

— من دوست ندارم که انسان را چون هویج طبقه‌بندی کنند، من از تمام افکار و فلسفه‌هایی که انسانها را هم دسته‌بندی میکنند و از روی دسته‌ها نسبت به انسانها قضاوت میکنند بی‌زارم. من دوست دارم که زندگی را آنطور که دوست دارم داشته باشم و این با کلاس و طبقه و حکمت جور نمیشود. من هسری دارم که مرا همانگونه که هستم می‌فهمد، او فوتبال را نمی‌شناسد و در طول خدمت در آژا کس فقط با بار به مسابقه آمد آنها دیدگان او را دعوت کرده و بدون اطلاع من آمده بود. ولی با این وجود بزرگترین یاور من در خدمت فوتبال بوده‌است.

— از فوتبال بگویند که کدامین را برتر میدانید؟

— فوتبال انگلستان را که همیشه در سفت ایستاده‌است. فوتبال هلند را که بچرکت و بر قدرت است و فوتبال آلمان را که جدی‌ترین و سازمانی‌ترین در جهان است.

— و بریزل؟
بریزل تکنیک مادرزاد را با علوم تربیت بدنی بهم آمیخته‌است و هرگاه این آمیزش خوب صورت گیرد، شاهد شگاه کارام جهانی ۵۸ یا ۶۰ پیش می‌آید. پس اینکه کفتم آلمان برای آنکه آلمان همیشه جدی و همیشه دقیق است.

— نقش پول در فوتبال دقیقاً چیست؟
— پول دقیقاً می‌تواند بهترین وسیله پرورش فوتبال باشد و می‌تواند بدترین دشمن فوتبال گردد اگر فوتبال را به استخدام درآورد.

— شنیدم که به راهی از کشورهای همین منطقه شما برای یافتن فوتبال پول‌های خود را از پنجره بیرون می‌فکنند، پتان بدون داشتن فرهنگ فوتبال بجای نمی‌رسند میتوان بهترین مربیان جهان را استخدام کرد. او را در پول غرق نمود ولی نمی‌توان فوتبال ساخت.

— شنیدم که یکی از همین کشورها یک مربی بزرگ را با هزاران دلار استخدام کرد ولی

و روحی جنگجو دارم.
— با روزنامه نگاران چه میکنید؟

— ایشان سه دسته‌اند. اول آنها که عکاس‌اند و واقعه‌نگاری میکنند و هرچه را می‌بینند مینویسند، اینان هر کدام با اندازه و وسعت شعاع دید خود می‌نویسند. میدانید تمام دوربین‌ها شعاع دیدی یکسان ندارند. اینان روزنامه‌نگار بدی نیستند. کمی با زیادیشان با اندازه و وسعت دید و شعور و دقت و واقع‌بینانه دیدار است. من با این‌ها کاری ندارم زیرا من کار خود و آنها کار خود را میکنم.

دسته دوم مخالفان‌اند که همیشه بد می‌نویسند. منظور تقید نیست بلکه منظورم این است که قطب با همه چیز از روی بدبینی و مخالفت نگاه میکنند و چیزی را نمی‌پسندند و دلیلی هم بر عقاید خود ندارند. اینان پداساخته شده‌اند و چیزی نمیدانند بلکه چون سخاوتهند مطرح باشند فقط مخالفت میکنند. مخالفت و بدنویسی آنان صرفاً روی عدم آگاهی است و اینکه میخواهند در عین نادانی برای عده‌ای مطرح باشند. گاهی حرفهای بزرگ می‌زنند ولی خود عمق و معنی آنرا نمی‌فهمند من با این گروه در جنگ بوده‌هستم و در رومانی یک نمونه را همین چند پیش از اتفاق خود بیرون انداختم و سیرتتم تا او را سفت زخم و چون شکایت کرد و مهربان توضیح خواستند کفتم من همین‌ام که هستم او نمی‌داند و دخالت میکند و پیش من احترامی ندارد بمری میگویند نمی‌دانی ولی از خود سؤال نمیکند که چه میدانند و چگونه آموخته‌اند؟

دسته سوم دانایان‌اند که مسائل را تجزیه و تحلیل میکنند. تجزیه و تحلیل بدون شناسایی ممکن نیست و آگاهی میخواهد. ممکن است اینان مربی را زخم زند ولی مربی هم دارند.

عیب را می‌نویسند آنرا تجزیه و تحلیل میکنند و نکات بازیکن را نشان میدهند و بعقیده خود درمان را هم در کنار آن می‌فهمند. هم اینان قادرند خوبها را هم ببینند و تجزیه و تحلیل را می‌نویسند آنرا تجزیه و تحلیل میکنند و فوتبال اند حال اگر یک مربی با یک بازیکن از نوشته این گروه هم ناراضی باشد این بخود او و بد خلطی و شاید به کم آگاهی او مربوط باشد.

کسانی که خوب میفهمند با یکدیگر جنگ نمیکند بلکه بحث میکنند و راه خوب را پیدا میکنند.

— با زندگی چگونه‌ای؟
— بسیار خوب. من در رومانی صاحب‌خانه خوب و زندگی مناسب و کاملاً در علاقه‌خویش

و آنگاه نسل نوراً به آنها افزود و چیزی ساخت که امروز قهرمان اروپاست و من این را نزدیک به سه سال پیش کفتم امروزه که چکسلواکی قهرمان اروپاست همه بیادگفته‌من می‌آیند.

درجایی که بزودی برای کشورهای این ناحیه بر ما می‌شود من سال پیش با تمام سماجت برنامہ را طوری تنظیم کردم که چکسلواکی اولین دیدار خود را در رفت و برگشت با رومانی که منظور از سماجت من چه بوده‌است. در آن هنگام بنامیت ورود قهرمان اروپا یک استاد یوم لبریز از تماشاگر خواهیم داشت و رکورد جدیدی از درآمد بست خواهیم آورد.

ژیک رمز دیگری از هلند و انگلستان و آلمان با خود به چکسلواکی برد و آن این بود که دید بازیکنان این کشورها در رفت و سرما و گل ولای هم مسابقه می‌دهند. فوتبال و ورزش سخت و روی زمین‌های سخت و شرایط سخت است.

بازی روی قالی‌های ایران زیباتر ولی مردساز نیست. در رفت و گل ولای است که مردها بهم بی‌خورند و ترس را رها می‌کنند. ژیک هم در چکسلواکی برعکس عادت همین را فرمان داد و امروزه این تیم چک از دیو نمی‌ترسد و در برابر شدت و خشونت انگلیسی و هلندی هم می‌ایستد و برتری می‌شود.

چکسلواکی بازمه یک مسئله را که ما ترقی‌ها با آن درگیریم حل کرد و آن مسئله پول است که بقول ترک‌ها بواشکی حل می‌شود!
— فوتبال رومانی؟

— من در جوانی از جنگ فریخته‌ام. از شال‌روا به والنسین و از آنجا به دونکرک و از آنجا به تمشوارا و از آنجا به بوخارست و جنگ همیشه پشت سرم می‌آمد و در بوخارست از سرم گذشت. اما اینکه دیگر فرار نمی‌کنم. و روبروی جنگ می‌ایستم و اینکه در جنگ فوتبال رومانی درگیرم.

نمی‌توان هم فوتبال در سطح عالی بازی کرد و هم پزشکی و مهندسی شد، در کشور من به بازیکن چیزی نمی‌دهند ولی پزشک و مهندس و هر صاحب بدبلی خوب پول می‌گیرد. امروزه در دسته یکم ما پنج تیم دانشگاهی شرکت می‌کنند و این خیلی زیاد است در گذشته که من با تیم دانشگاهی قهرمان شدم فقط یک تیم دانشگاهی بود و در آن هنگام، درس بزرگ فوتبال بود ولی امروزه برای جوانان ما فوتبال مزه درس شده‌است. ما مسلماً مشکلاتی داریم که به چنگ آنها رفته‌ام و باید پیروز شوم. مثلاً این که چرا پول این همه بی‌اهمیت است. در حالیکه برای دیگران سازنده فوتبال خوب است.

من اینکه دست بکار سازمان دهی هستم و همراه آن مربی و در کنار آن مقررات و چیزهای دیگری که زندگی‌ساز و روحیه‌بخش باشد. و این‌ها بسیار مشکل است ولی من دست باز، قلب بزرگ

راه آهن به تنهایی صد

بوتان (۰)

ابراهیم نیک پور ۱ - علی فارسی ۲ ، مهدی ابوطالب ۳ (کاپیتان) ، توحید ایازپور ۴ ، حمید خوش نیت ۵ - جعفر ایراندوست ۱۷ (از دقیقه ۴۰ سعید خوشدل ۱۸) ، جلال بنی جمال ۱۲ ، اشور یادگار شاهین ۲۱ (از دقیقه ۶۸ سعید طهماسی ۸) - کریم پاژخ ۷ ، احمد آشتی ۱۰ و محمد ریعی ۹
ذخیره ها : بهمن نخچیان - حسن زنده دل و محمد ابوالحسنی.
مربی : پرویز ابوطالب.
بیراهن : آبی

رستاکخیز (۰)

محمد رضا یوسفعلی ۱ - غلامرضا دانانی ۲ ، حسن شمس ۵ ، صادق عویدی ۴ ، علی شوشتری ۱۶ - عزیز طاهری ۹ ، هوشنگ خلیفه ۸ ، محمد زراعتکار ۱۵ (کاپیتان) ، منصور حقیقت منش ، محمد مرادی و عبدالرشید شیرانی ۱۰
ذخیره ها : امیرحسین کوردزی ، علیرضا قائد مقام ، عبدالاسیر موسوی ، رضا قراگوزلو و کریم متکری.
مربی : گیشونی
بیراهن : قرمز
داور : عباس مقدس زاده با کمک رضا غیاثی و بهرام رضوی.
کل : دقیقه ۷۰ محمد مرادی
اخطار : کریم پاژخ از بوتان.

ورزشگاه شهبانوفرج (پنجشنبه ۱۰)

رستاکخیز با وجود غیبت چند بازیکن خود - که در تیمهای ملی آوب می باشند طراوت و قدرت کوبندگی همیشه خود را داشت. اگرچه هنوز تکروی از جمله مسایل لاینحل این تیم باقی مانده است. تنها گل این دیدار - که در نوع خود شاید از کم نظیرترین گلهای این مسابقه ها بود - بدین ترتیب به ثمر رسید که در حالی که تمام بازیکنان بوتان برای بهتر شدن یک گل توپ کرنر کوبیده سعید خورشید زده میشد بر روی دروازه ستاخیز هجوم آورده بودند. این توپ پس از آنکه یوسه مدافعان ستاخیز فوری دفع شد با یک ضربه سریع در اختیار محمد مرادی قرار گرفت و فرار او باندازهایی سریع بود که فرصت هرگونه عکس العمل را از بازیکنان بوتان سلب کرد و مرادی پس از جدا کردن مدافع مستقیم خود و فریب دروازه بان ، در دقیقه ۷۶ براهتی به گل پیروزی دست یافت.

آرشام (۰)

مهدی قنبرزاد - حمید امیری ۲ ، ابراهیم محمدی ۵ ، علی محمدی ۱۷ ، ابدالله حدادزاده ۱۰ ، مهدی خاندانی ۸ (از دقیقه ۷۲ مجید حسینی ۷) ، ناصر کهندل ۶ (کاپیتان) ، محمد خاندانی ۱۳ - قاسم سیداحمدی ۱۹ ، قدرت الله خلفی ۱۵ و اسحق کارزوتی ۱۴ (از دقیقه ۵۸ فریدون جفاری ۲)
ذخیره ها : محمد اسماعیلی ، حمید ایران منش و احمد طاهری
مربی : سوچ
بیراهن : سفید

بانک سپه (۰)

نشین الله شیرستانی - پرویز نورزانی ۱۴ (از دقیقه ۳۰ مهدی فاتح ۷) ، قاسم نوروزی ۲ ، پرویز نهانی ۱۸ ، پرویز بریانی ۱ (کاپیتان) - داود بخشی ۱۲ ، نصرالله کلانتری ۹ ، پرویز حسین نانی ۲۳ - حسن حاتمی ۱۰ ، بهرام عباس وند ۲۷ و مهدی عددیان ۱۱
ذخیره ها : عبدالحمین کافی ، جمشید زرین قلم ، غلامرضا جدیدی و غنی عظیمی
مربی : باقر سیسایاری
بیراهن : قرمز
داور : علی رحمانیان با کمک رشید حسن زاده و رضا غیاثی
کل : بهرام عباس وند (نیمه دوم)
(پنجشنبه ۱۰ تیر ۲۵۳۵)

ورزشگاه شهبانوفرج

کرمانیها که مسافانه کمتر بازیکن جوان در آن دیدیم در دو نیمه متفاوت در برابر بانک سپه ظاهر شدند. یک نیمه پایداری و مقاومت و یک نیمه اسیر در برابر تلاش شایان توجه جوانان بانک سپه. بانک سپه اگرچه در این دیدار نتوانست فقط با تنها گل بهرام عباس وند در نیمه دوم به پیروزی دست یابد ، اما شایستگی بیشتری از خود نشان داد.
 آنچه هم اکنون برای آرشام کرمان مطرح است جوانگرایی می باشد. چه آرشام با این بازیکنان و صرفا با اتکا به نیروی بدنی جز این نمی تواند باشد که نشان میدهد یعنی مکانی در انتهای جدول رده بندی !!

راه آهن (۰)

سپید رود (۰)

حافظ ملحونی ۱ - محمد نعمیا ۱۶ ، فرهنگ صادقیپور ۱۴ ، قاسم طیبی ۴ ، مجید

جانی ۳ - بهتاش فریبا ۲ ، ناصر ثابت پور ۶ ، اکبر حقیقت ۱۵ (از دقیقه ۴۶ بهروز باثانی ۹) و علی جباری ۸ ، بابک خرم ۱۰ و حمید نیتی ۱۱
ذخیره ها : علی گیوهی ، جلال چراغپور ، منوچهر طاهر خانی و علی معینی زند.
مربی : امیر ابوطالب.
داور : منوچهر نظری با کمک جمشید نیک سهر و حسین نهال پرور.
کل دقیقه : ۷۰ توسط علی جباری.
تماشاگر : نزدیک به هشت هزار تن.
درآمد : ۳۳۱۰۵۰ ریال.
اخراج : ناصر ثابت پور از راه آهن.
اخطار : بهتاش فریبا و بابک خرم از راه آهن.

ورزشگاه محمدرضا شاه پهلوی رشت (جمعه یازده تیرماه ۲۵۳۵) - سپیدرود رشت در شش تن فوتبال شهرستانها در دسته دوم باشگاههای ایران در روز در شهر خود و در شرایط برتری نسبی نسبت به راه آهن ، بر روی یک سد در دقیقه هفتاد دروازه اش توسط علی جباری فرو ریخت.

خانه جوانان (۱)

صنایع الکترونیک (۰)

سیروس رحمانیان ۱ - محمد رضا فولادی ۳ ، (کاپیتان) ، کسری مختاری ۳ ، سیروس ملک محمدی ۵ ، حسین طبری ۱۴ - حسین مرحمتی ۱۵ ، حسن شجاعی ۷ ، محمدعلی مرادی ۸ - محمدجعفر بهمانچی ۳ (از دقیقه ۹ و مصطفی نشاءگران) ، ابوالقاسم علیزاده ۱۱ و رحیم دست نشان ۱۹ (از دقیقه ۸۳ حسین مکارسی ۱).

بروین مظلومی سه گل

به تهران جوان زد!

تهران جوان (۰)

تراکتورسازی (۳)

حمیدسلک احمدی ۱ - ابراهیم طهماسی ۱۵ ، خلیل سلیمی ۳ ، ناصر میرزائی ۲ ، سعید ناطقی ۵ - حسن نورمحمدزاده ۴ (کاپیتان) ، پرویز علمایی ۱۸ ، رحیم به خانی مقدم ۱۱ (از دقیقه ۷۰ ایوب شاری ۸) - بهر داد زمانزاده ۷ ، پرویز مظلومی ۹ و عباس کارگر ۲۳ (از نیمه دوم بهرام گلشنی ۱۶) .
ذخیره ها : داریوش حاج رشیدی ، مجید سوزنده و حسن علیپور.
مربی : محمد بیاتی.

تیم امید سپاهان راد اصفهان شکست داد

تیم امید (۱)

کریم بوستانی - جمشید رشیدی ، حبیب خبیری ، حمیدسه برادران ، اصغر صدری - سعید مراغهچیان (از دقیقه ۶۶ احمد تقوی) ، مانی سیناسیان (از دقیقه ۴۶ علیرضا قشقائیان) ، شاهرخ طبعی - هادی آهنگران (از دقیقه ۴۶ گارنیک شهبندی ، الیاس عبداللهی و حبیب شریفی) (از دقیقه ۴۶ عبدالرزاق خادم پیر).

سپاهان (۰)

مهدی شاهمندی (از دقیقه ۷۰ ناصر زندینا) - سعید تاش ، منوچهر کبیریان (از دقیقه ۵۶ اصغر سمعی) ، عزیز مراد صادقی ، عبدالرسول خورشید - محسن یزدخواستی ، عبدالاکلی (از دقیقه ۵۶ مختار باثانی)

(از دقیقه ۵۵ حمید ولیوند) ، علیرضا رحیمی ، (از دقیقه ۸۶ محمود نور) - سیاوش حیدری ، بهروز مردانی و امیرحسین شاهزندی.
ورزشگاه باغ هماهون اصفهان (جمعه یازده تیرماه) - تیم فوتبال امید بعد از ظهر دیروزی یک دیدار تدارکاتی در اصفهان تیم سپاهان راد و بر صفر شکست داد.
 گل های این دیدار را هادی آهنگران در دقیقه ۲۷ و عبدالرزاق خادم پیر در دقیقه ۸۲ به ثمر رساندند. تیم سپاهان در شرایط مغلوب تیم امید شد که شایسته شکست نبود و در برابر حریف چند بیخت گل را از دست داد.
اصفهان: خبرنگار ورزشی کیهان

رنشین شد

رده بندی فوتبال دسته دوم جام تخت جمشید

کلی	گل خورده	گل	تفاضل	استیاز بازی برد	تساوی	باخت	زده	کل
۱- راه آهن	۱۰	۶	۴	۲	۸	۰	۸	+۸
۲- تراکتورسازی	۹	۷	۳	۳	۱	۷	۳	+۴
۳- بانک سپه	۸	۷	۱	۲	۱	۵	۲	+۳
۴- تهران جوان	۸	۷	۱	۲	۲	۴	۲	+۲
۵- سپیدرود	۸	۷	۱	۲	۱	۳	۱	+۲
۶- رستخیز	۸	۷	۱	۲	۲	۵	۱	+۱
۷- پوتان	۷	۷	۰	۲	۲	۵	۲	-
۸- خانه جوانان	۵	۶	۱	۳	۲	۳	۲	-
۹- صنایع الکترونیک	۳	۷	۱	۱	۵	۳	۹	-۶
۱۰- آرشام	۲	۷	۱	۲	۵	۳	۱۱	-۸

مرحله دوم مسابقات بسکتبال جام پهلوی امروز آغاز میشود

مرحله دوم مسابقات های بسکتبال قهرمانی جوانان تهران (جام پهلوی) از امروز در تالار محمدرضا شاه پهلوی آغاز میشود.

در این مرحله از مسابقات هشت تیم شرکت دارند که در دو گروه چهار تیمی با هم مبارزه خواهند کرد تا از میان خود چهار تیم را برای شرکت در مسابقه های نیمه نهایی انتخاب کنند. گروه بندی تیمهای شرکت کننده در مسابقات مرحله دوم بشرح زیر است:

گروه یک: فردوسی، آزارات «الف»، سپیان، آزارات «ب»

گروه دو: شهباز، ایرانا، افسر، تهران جوان

مسابقات مرحله دوم بصورت دوری انجام میشود و چهار تیم برکننده به شکل ضربدری، بازیهای نیمه نهایی را برگزار خواهند کرد.

برنامه مسابقات مرحله دوم قرار زیر است:

شنبه ۱۲ تیر (امروز): فردوسی با آزارات «ب»، شهباز با تهران جوان، آزارات «الف» با سپیان، افسر با ایرانا.

یکشنبه ۱۳ تیر: تهران جوان با تهران جوان، آزارات «الف» با آزارات «ب»، فردوسی با سپیان، شهباز با افسر.

دوشنبه ۱۴ تیر: افسر با تهران جوان، سپیان با آزارات «ب»، شهباز با ایرانا، فردوسی با آزارات «الف».

این مسابقات از ساعت ۳ بعد از ظهر در تالار محمدرضا شاه آغاز میشود.



این صحنه ای است از همان دیدار که طی آن غلامرضا دانایی (چپ) یکی از مدافعان خوب این دیدار توپ را از دسترس «بادگار» های دوری کند.

نوانستند پشتیبان خوبی برای دروازه خود باشند. در مقابل خط دفاعی تراکتورسازی در این روز چهره پر فروغی را پشت سر نهاد و در این میان ناصر میرزائی و ابراهیم طهماسبی درخشش نواز دیگران بودند.

ورزشگاه رضا پهلوی تبریز (جمعه یازدهم تیرماه ۲۵۳۵) -

هر سه گل تراکتورسازان در وقت اول بازی توسط پرویز مظلومی روی ششامدافعان تهران جوان به ثمر رسید. زینا اینان هرگز

دآوری خوب محسن زمانی با کمک علیرضا امامی وجهان شاه رحیمی. گل ها دقیق: ۳۹ و ۴۰ توسط پرویز مظلومی. تماشاگر: در حدود ۱۲ هزار تن. درآمد: ۳۹۲/۹۵۰ ریال.

بیشتر شد. این خط اغلب مقهور بازی عالی شایو کوب بود.

تیم ملی امید ایران نگاهه توپ. های خوبی رد و بدل می کرد اما در اکثر مواقع پای ها نادرست و به سوی یاران حریف بود.

گرچه در چین حریفانی چون شوروی بی تحرک اما محکم نیستند و ایران را به یک بازی سریع و امی دارند، اما به هرحال این تیم محتاج نیرو و هماهنگی بیشتری است. تیم ملی امید در سال گذشته به یادی آوریم که در جام ایران با یک گل تیم ملی امید شوروی را طی یک بازی جانب شکست داد. در این مسابقه به تماشاگران اندکی که علاقه واقعی خود را نشان دادند باید درود فرستاد.

روی آن واکنش نشان نداد. گل دوم هم تقریباً به طور مشابه در دقیقه ۷ توسط کرمانی کو به ثمر رسید. نوک پای او آرام به تور دروازه رسید.

حبیب خبیری را می توان موفق ترین بازیکن تیم ملی ایران دانست. او ضمن آنکه در کار دفاع به حریفش باج نداد چند بار هم با جایگزینی و فرارهای به موقع خطر آفرید.

خط میانی ایران در کار کمک به خط دفاعی ناموفق بود. ششانیان بهیچ وجه حالت یک هافبک دفاعی را نداشت. او در نیمه دوم جایش را به سعید سراجی چیان داد.

خط حمله ایران سردرگم و بی هدف بود. هر مهاجم برای خود بازی می کرد. در نیمه دوم که احمد تقوی به میدان آمد تحرک این خط

عبدالهی، هادی آهنگران، جاوید جهانبگری مری: کریمس

در برابر تیم کم تحرک و بی اشتها شوروی تیم امید ایران چهره بی موفق و پر شور نداشت. این تیم که بیشتر از بازیکنان تیم های ملی جوانان چند سال اخیر تشکیل شد اما به جز حبیب خبیری هیچ یک از بازیکنان نمایشی در حد استعداد خود بروز ندادند. شاید علت اصلی این نمایش ناموفق عدم استقبال تماشاگر بود. خط دفاعی با بازی در یک خط بسیار برتسبانه بود. مهاجمان شوروی بارها بی در دست از قلب دفاع ایران گذشتند و گل اسلوبودان در دقیقه ۷ نیز خاطر همین اشتباه بود. او بی در دست به تویی دست یافت که حتی واغفر هم مصمم

تیم ملی «امید» شوروی (۱) ۲ تیم ملی «امید» ایران (۰) ۰

حسین واغفر ۱ (کریم بوستانی ۲۲ از دقیقه ۷۴) باعدیک عابدیان ۲ (جمشید رشیدی ۵ از دقیقه ۳۷)، اصغر صدری ۴، علی شجاعی (نایتن ۵)، حبیب خبیری ۳ - مسانیس میناسیان ۸، علیرضا ششانیان ۶، سعید سراجی چیان ۸، از دقیقه ۵۴، شاهرخ مطیعی ۹، گارنیک شهیندزی ۷، عبدالرزاق خادم بیر ۱۰، حبیب شریفی ۱۱ (احمد تقوی ۱۲ از نیمه دوم) ذخیره ها: حمید سه برادران، الیاس

هرندی

آماتور جوان در میان حرفه‌ای‌های جهان



خسروهرندی قهرمان بزرگ شطرنج ایران

مسابقات مقدماتی شطرنج قهرمانی جهان درماتیل کم کم به روزهای پایانی نزدیک میشود. خسروهرندی قهرمان جوان ایرانی با تمام نیرو و تعصب که خصلت اکثر قهرمانان جهان ادامه میدهد.

نتیجه کارهرندی شاید برای عده‌ای که از شطرنج و رویداد های آن بی اطلاع اند دلخواه و دلچسب نباشد زیرا امتیازات حاصله مینماید قضاوت بالاست ولی بی انصافی است که حضور یک آماتور جوان را در میان حرفه‌ای‌های جهان و گرگ های باران دیده بدین سادگی نادیده گرفت.

اکثر شرکت کنندگان که از استاد شطرنج میباشد از حد اکثر امکانات ممکنه در کشورشان بهره‌مند هستند حتی هم قاره‌ای هرندی «توره» استاد بزرگ فیلیپینی — که در

همین مسابقات از هرندی شکست خورد — در طول سال در تورنمنت‌های مختلف بین المللی شرکت میجوید و از طرفی مسؤلان فدراسیون شطرنج فیلیپین ماهها قبل از مسابقات اخیر برای او یک روانشناس مخصوص استخدام کردند تا او را از جنبه های مختلف روانی زیر نظر داشته باشد.

لایه در میان سنگلاخ

میانگین حداقل زمان ممکنه برای یک بازی حدود ۴ ساعت است (با احتساب بازی های ناتمام) با یک حساب ساده و سرانگشتی میتوان نتیجه گرفت که هرندی برای ۱۹ سابقه خود مستلزم حرف بیش از ۱۱۰ ساعت تکرر و طرح نقشه و دفاع در برابر حمله های بی امان حریفان خواهد بود.

در اینجا این سؤال خطاب به مسؤلان دستگاه ورزش — که همواره به اهداف مقدس سالم سازی محیط و به زیستی نوجوانان و جوانان کشور میاندیشند — مطرح میشود که آیا نیاز به توجه بیشتر به شطرنج بازان کشور که از منطقی ترین و خوشفکر ترین ورزشکاران میباشد احساس نمیشود؟ در صورتیکه شطرنج به

نوجوانان و جوانان بیاموزد که چگونه باید باشند چه موقع تصمیم بگیرند، چه وقت اقدام به عمل کنند، چگونه در طرح نقشه ها موفق باشند؟ نتایج بازی های اخیر هرندی با ابرقدرت های شطرنج جهان بساکن شکوفا شدن لایه در میان سنگلاخ میباشد. که نیاز به مراقبت و توجه بیشتر دارد.

تبدیل زنگ تقویم به زنگ خطر

پیش از اینکه هرندی با بالاشف و روبرو شود شوروی ها مقابل به هرندی را نوعی زنگ تقویم مینمیداشتند اما قهرمان غرب آسیا پس از تساوی با بالاشف و بازی تحسین انگیز در مقابل اسپاسکی زنگ خطر را در جمع بزرگان بصدا درآورد.

خسرو بعد از بازی طولانی اش با اسپاسکی که نزدیک به ۷ ساعت بطول انجامید نظر کلیه کارشناسان حاضر در مانیل را بسوی خود جلب کرد و نشان داد که میتواند برای کله «گراندمار» های حاضر در مانیل خطر آفرین باشد. اما چرا هرندی در بازی ناتمام با لیویویچ حاضر به ادامه بازی نشد؟



از: محمد زاری

عدم نتیجه گیری عادلانه و شایسته برای شطرنجبازان ایران در المپیادها و تورنمنت های بین المللی گذشته. با درد مزمن رهبری غلط همراه بوده است که خوشبختانه اسنال با تشکیل هیئت مدیره فدراسیون شطرنج و انتخاب همراه و مربی برای خسروهرندی این شکل همیشگی حل شد.

دکتر کیخسرو کهبانی قهرمان اسبق کشور که مطالعات عمیقی در امر روانشناسی دارد تا کنون در بازی های ناتمام هرندی بسیار سودمند واقع شده است و بی جهت نبود که در بازی نیمه تمام هرندی با لیویویچ او را از ادامه مسابقه با استاد بزرگ یوگسلاوی منع کرد. و بعد از آن هرندی با بالاشف قهرمان قدر روسی به تساوی رسید با اسپاسکی یک بازی دیدنی و تحسین انگیز به نمایش گذاشت و پس از آن «دوستاند بزرگ» بین المللی «توره» و «مارسوسی» را با شکست تلخ مواجه ساخت و در میان بزرگان جانی برای خویش بار کرد.

برای بیدار کردن فوتبال

بقیه از صفحه ۷

امید را دارم که آنان از من چیزی گرفته باشند. راستی شما هم آیا پول خود را از پنجره بیرون می اندازید؟

— هم بلی و هم نه؟ مثلاً، اوفارل را داشتیم که بسیار کمتر از پوشکاش خرج داشت و مسلماً بیش از پوشکاش بهره داد ولی این بازی برای ما نوعی هدر دادن پول بود ولی از آن تجربه ای گرفتیم که شاید فیمتش می رزید و آن ایکت... درگتر قرار دادی چون قرار داد جانشینان پوشکاش ننویم و سعی کنیم اگر کسی را می آوریم بسیار بزرگ باشد و در عین حال معلم، مدیر و مربی، راستی آقای کووا کس آباشما به ایران می آید؟

— من تا پایان جام جهانی ۷۸ از رومانی تکان نخواهم خورد و این مربوط به دولت من است. با رومینخ پیش از شما پیشنهاد داده بود. — نه این یک پیشنهاد نیست این یک دعوت است. یعنی اینکه می خواهم در فرصت مناسب بکشور ما بیایید و یک کلاس کوتاه مدت را رهبری کنید؟

— از این استقبال می کنم و تاریخش را در اول ماه ژانویه که دو هفته تعطیل دارم قرار می دهم.

— از پول هم صحبت کنیم؟ — خیر، گفتم که این مهم نیست. من میبایم که چیزی یاد دهم. اگر موفق شوم، سزد خود را گرفته ام ولی اگر هدیه ای هم بدهند رد نخواهم کرد. شکم را می توان سیر کرد. باور کنید برای من مهم نیست که چه نوعی

درون آن باشد اگر عالی باشد بیرون نمی ریزم و اگر معمولی هم باشد روی ترش نمی کنم.

— از فوتبال ماه هم چیزی می دانید؟ این سوین بار است که بکشور شما آمده ام. مردمی بسیار خونگرم دارند بسیاری از بازیکنان شما را هم میشناسم. حتی یک جیبی خوب شما را در تیم آلمانی و ویرتالر در برابر اسلاویا دیدم و از اینکه ایرانی بود خوشحال شدم. هنوز خاطره گل زیبای ستروفرورد سویر تم پیکان (کلانی) را که موجب پیروزی بر استه آوا شد فراموش نمیکنم.

در آنتهنگام فوتبال شما یک فوتبال زنده و پر جنب و جوش بود، گاهی غیر قابل پیش بینی میشد و تصور میکنم که امروزه بیشتر حساب شده باشد و این واقعیت زندگی فوتبال است که چون یک عنصر متحرک پیش می رود.

— باری خود را با تیم ملی ایران چگونه می بینید؟ (این مصاحبه چهارشنبه انجام شده)

— امیدوارم که یک بازی زیبا باشد؟ — فشرده ای از آنچه را که در کلاس گفتم در مجله خود می نویسید؟

— بله می نویسم که استفان کووا کس، مربی سابق تیم های دانشگاه کلوج، استه آوا بوخارست، تیم ملی رومانی، تیم آژا کس، تیم ملی فرانسه، تیم منتخب اروپا در کلاس مربیان در تبریز چنین گفت:

مربی کیست، حرفه او چیست، اهمیت تدارک بدنی کدام است، تمرین تاکتیکی

فوتبال برنامه میخواهد و حتی یک روزتیرین هم باید برنامه داشته باشد. از این ترسید که با دفترچه و یادداشت وارد زمین شوید. از این ترسید که ندانسته و بی برنامه وارد کار کردید.

می نویسم که گفت تدارک بدنی و دوهای کوتاه و بلند و با دفعات زانو و میدانی به فوتبال داد ولی فوتبال توپ را هم به آن اضافه کرد. توصیه کرد که سرعت با توپ و مهار توپ را تقویت کنید.

اگر زمان گیری شود این توجه بدست می آید که بسیاری از بازیکنان با توپ سریع تراز بدون توپ میدوند و این بخاطر آن است که بازی بدون توپ نگرده و آنرا نمیدانند.

وقتی یک بازیکن توپ دارد، دیگران باید بپروان او چون قهرما هر کنت کند تا بهر کس خواست توپ را بدهد.

و بعنوان کلام آخرین را می نویسم که گفت در آینده فوتبال کامل زمینی رنگ دیگری خواهد یافت. امروزه بهر زمینی که نگاه کنید می توانید از روی نقش و نگار آن سطح پیشرفت فوتبال کامل را در آن کشور بفهمید زیرا امروزه بیشتر فوتبال جلوی دو دروازه و در خطی مستقیم که دو دروازه را بهم وصل میکند بازی میشود و این مکانها خالی از چمن میگردد و زرد رنگ میشود ولی در فردانی که فوتبال کامل پیشرفت کند، تمام چمن های سطح زمین بیک اندازه با خواهد خورد و یک رنگ خواهند بود و این ایده ای برای فوتبال یک کشور است.



چک‌ها بعد از اینکه در مسابقات مقدماتی و یک چهارم نهایی، انگلستان و شوروی را مغلوب ساختند، در دو گام آخر (نیمه نهایی و نهایی) از هلند (تیم دوم جام جهانی) و آلمان غربی (قهرمان)، مغلوب‌های دیگری بر جای گذاشتند.

تیم ملی فوتبال چکسلواکی در پنجمین دوره مسابقات فوتبال قهرمانی اروپا به مقام قهرمانی دست یافت و این بزرگترین افتخار تاریخ فوتبال چک محسوب می‌شود. بعد از لهستان که در جام جهانی اعزاز کرد این بازیچک‌ها از شرق ظهور کردند و در دو گام آخر همان دو تیمی را مغلوب کردند که در جام جهانی بالاتر از لهستان قرار گرفتند.

**قهرمان اروپا
از شرق ظهور کرد**

گفت‌وگوی اختصاصی با مربی تیم ملی فوتبال لهستان

کازیمیر گورسکی مربی
تیم فوتبال لهستان :

ایران و لهستان از گروه خوددصعو

اگر ایران به من پیشنهاد مربیگری کند، بعد از
موتنرال آنرا مطالعه خواهم کرد

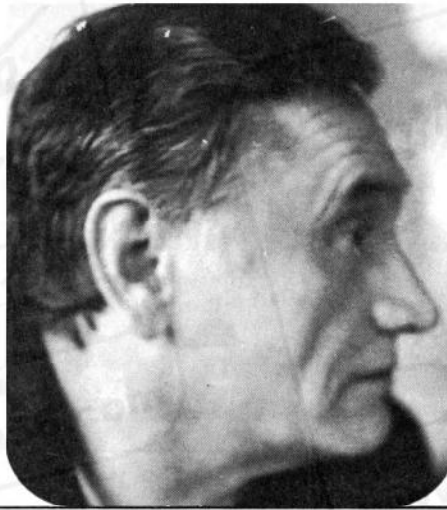
و بازیکنان از جام جهانی مونیخ رابه موتنرال می‌آورم
من هم با اندازه مربی تیم ملی ایران نگرانم



لهستانیها که در تیم خود مردانی مانند لانو گلزن جام جهانی مونیخ، ژارناخ، مازوفسکی گلپرچاک و دینا دارند در چند ماه اخیر شکستهای سختی خوردند و همین ضعف ناگهانی رهبران تیم ملی را در آستانه دیدارهای المپیک در نگرانی فرو برده و سربل آنها معتقد است که به پیروزی بر تیم ایران هم مطمئن نیست. این چهره‌ای از اعضای تیم ملی فوتبال لهستان است که بعد از پایان تمرین صبح خود در برابر دوربین فرستاده کیهان ورزشی قرار گرفتند. از این تعداد ۷ تن برای موتنرال برگزیده شدند که در اولین دیدار خود با تیم ایران روی زمین کورسکی نفر دوم ایستاده از سمت چپ است.

نه فقط حساسیت دیدار بزرگ فوتبال ایران و لهستان در بازیهای المپیک موتنرال، بلکه علاقه به شناختن تیم ملی لهستان و کمک به تیم ملی ایران در آستانه این دیدار مهم سرا داشت که بعضی ورود به ورشو، اردوی تیم کشتی کرمانشاه را ترک کنیم و در صدد یافتن تیم ملی فوتبال لهستان و کوباسرینی معروف آن «کازیمیر گورسکی» باشیم. از تهران که خواستیم حرکت کنیم سردبیر کیهان ورزشی گفت: «این کار تقریباً مشکل است. ما از چند طریق اقدام کرده ایم اما هنوز نتیجه نداده است.» در جواب گفتم: «سعی میکنم دست خالی نیایم زیرا این مصاحبه برای من مهمتر از گزارش کشتی است.» اما زمانیکه قدم به ورشو گذاشتم و به فعالیت افتادم تا سر نخ پیدا کنم و جستجو را ادامه دهم، همه چیز مانند یک دیوار بلند جلویم سد شد و اینجا بود که فهمیدم حرف سردبیر ما چقدر آگاهانه بوده و پیدا کردن تیم فوتبال لهستان و صحبت با سربل آنها و گرفتن عکس از بازیکنان با توجه به رازداری تیمهای اروپای شرقی کار حضرت قبل است. بهر حال شوق انجام این کار بزرگ و تعهدی که برای خودم بوجود آورده بودم، مرا مرتباً تحریک و هیجان زد میگرد و بخود گفتم: اگر کار آسان بود که تا اکنون خیلی‌ها این برنامه را اجرا کرده بودند و گورسکی مربی لهستان و تیم صاحب نامش اینهمه در پرده راز و ابهام نبودند و ایرانیها که اغلب تیمهای اروپایی را مانند بندهای انگشت خود می‌شناسند، از فوتبال لهستان فاتح المپیک ۱۹۷۴ و دارنده مدال برنز جام جهانی مونیخ نیز اطلاع دقیقی داشتند.

د میکنند



گورسکی یعنی همه فوتبال لهستان. اما او هم بعد از المپیک کنار می‌رود و شاید اگر فدراسیون فوتبال ایران پیشنهاد کند او را در تهران ببینیم!

از لهستان نترسیم!

تیم ما را فرو خواهد ریخت. بنابراین برای اینکه در برابر لهستان با افتخار امتیاز گرفتن برسیم، باید هافبکهای پارکیر و تعقیب کننده را در این خط بکار گیریم زیرا اگر هافبکهای لهستان شوت نزند ولی توپ به زارماخ و لاتو برسد، زمین زیر پای ما خواهد لرزید.

خط حمله لهستان بی تردید روشن ترین نقطه این تیم است. طبق گفته گورسکی، لهستان همیشه به بیشتر تیمها گل زده و اگر چه این گلها گاهی برای پیروزی کافی نبوده، اما این خود نشانه آنست که میل به نفوذ و گل در نزد مهاجمان سرشناس لهستان زیاد است این دو نوک حمله سریع و گلزن در در بزرگ ما و تهدید کننده مستقیم دروازه ما هستند، و مهاجرانی برای خنثی کردن لاتو به دفاع سریع، هوشیار و مسلط در بازی هوایی نیاز دارد و اگر لاتو از کار افتد خیلی از مسائل برای ما حل خواهد شد.

با این منطق از قدرت و نظم و تحرک فوتبال لهستان نباید چندان هراس داشت. تیم ملی ما باید وزنه های سنگین را از دست و پاهای خود بردارد و در میدان این حریف بزرگ، دارای اعتماد بنفس و روحیه قوی باشد.

بقیه در صفحه ۴

بهمین دلیل علاوه بر کوبندگی در ۳ دقیقه نخست، تیم ملی با بد از بازی هوایی مطلقاً پرهیز کند. سن دقیقاً شمردم و دیدم که هیچ توپ هوایی از بالای دیوار دفاعی لهستان طرف توماژوفسکی نرفت، هر چند توماژوفسکی بعلت آسیب دیدگی پا، کمتر تحرک و اطمینان داشت و با عقاد من فرستادن توپ بلند بامید ضربه سر مطلوبی و جهانی کارمیت و بیهوده ای خواهد بود.

در راه نفوذ به دیوار دفاعی لهستان سرعت در درجه نخست اهمیت قرار دارد. حتی اگر در این شرایط مدافعان لهستان غافلگیر نشوند، حداقل این کار باعث ایجاد فضای باز در پشت محوطه جریمه خواهد شد و این به شوت زن های ما واز جمله به فلیچ خانی فرصت میدهد که بخت تیم خود را آزمايش کنند.

در خط میانی زحمت و فشار ما به اوج خود میرسد. در این خط دینا و کاسپر چاک سکمل یکدیگر هستند و مشچیک پرتوان و دوند است. بخصوص که شوتهای هراسناک دینا هر کدام بسان یک گلوله آتشین است که اندکی جایگری غلط و با یک اشتباه کوچک دروازه

روش را تمرین کرد و در پایان با رضایت از روش ۳-۳-۴ یا آنچه در بریکه به پیروزی رسید. شیوه موسمی تیم لهستان در عین حال تغییر پذیر است. گورسکی در نیمه اول جانب احتیاط را رها نکرد که این مقدار زیادی تعجب آور بود زیرا بچه های زا کوبانه عملاً در برابر تیم ملی عاجز و ناتوان بودند و گلی هم که زدن روی یک ضربه کرنر و شوت ناگهانی بود که از شکاف دفاعی لهستان وارد دروازه شد. اما گورسکی در پایان درباره احتیاط تیم خود گفت:

« این احتیاط لازم است. اول بررسی و ارزیابی، آنگاه نفوذ و ضربه. ما نمیخواهیم ایران، نجریه و آرژانتین (حالا کلمبیا) را دست کم بگیریم و گلی غافلگیر کننده بخوریم. آنچه در دیدار تیم ملی لهستان با منتخب شهر زا کوبانه دیدم، شاید تا حدود زیادی در فاصله با یمنان به المپیک تغییر کند و لهستانها در گونی تازه ای در تیم خود بوجود آورند. اما همین اندازه شناخت از یک فرصت استثنائی باید به تیم ملی ما شناسائی بدهد. زیرا امکان ارزیابی مجدد ویا شناخت تیم لهستان تا روز ساقه ممکن نیست.

تیم ملی فوتبال المپیک لهستان صاحب همان قدرت و وضرت تیم جام جهانی مونیخ است. با این تفاوت که «گادوشا» با قول لهستانها «گدوخ» گوش چه معروف و روح نفوذی لهستان در این تیم غایب است. تیم فوتبال لهستان فاتح المپیک ۱۹۷۲ دارای دو روش متفاوت در زمین است وقتی بحریف مسلط باشد شیوه ۳-۳-۴ را اجرا میکند و زمانی که در تنگنا و زیر فشار باشد، ترجیح میدهد که با دونوگ حمله که معمولاً زارماخ و لاتو هستند و چهار هافبک که دینا، کاسپرچاک، مشچیک و اسمی کوچی می باشند بازی کند. در خط دفاعی گورکون، باربلساقه در قلب دفاع قرار میگیرد و ژسوده، وورسکی، رودی ویا چورولک در اطراف او جا میگیرند.

در شرایط ۳-۳-۴، اسمو کوچی به دونوگ حمله می رود اما این یکی احتیاط دفاعی را بر نفوذ مداوم ترجیح میدهد و شاید هم این گورسکی است که چنین فرمان میدهد. در یک دیدار دوستانه در برابر تیم منتخب شهری هزار نفری زا کوبانه - که در ۴۰ کیلومتری وروش قرار گرفته است - سری لهستان این دو



کازیمیر گورسکی سمت (چپ) هدفتهای فوتبال لهستان را برای محمدنریموسانی خبرنگار اعزامی کیهان ورنزی تشریح میکند.

است و رفت و برگشت با آنجا حداقل دو روز طول میکشد. دوم اینکه گورسکی فقط بزبان لهستانی صحبت میکند و باید یک مترجم ووزینه پیدا کنی که فارسی و لهستانی را خوب بداند! آیا میتوانی؟

طرح سؤال طوری بود که قاعدتاً من باید جواب منفی میدادم زیرا علاوه بر طی مسافت طولانی برای یک مصاحبه احتمالی دوساعته، پیدا کردن مترجم کار بسیار دشواری بود و تازه کدام مترجم حاضر است اینهمه راه را با اتوبوس و قطار با من بیاید؟ اما بهرحال مصاحبه گفتیم: «با مترجم با این سفر خواهم رفت».

بهرحال در درستان دهم، از وروشویه لودز (دومین شهر پرجمعیت لهستان) رتم، چون شنیدم که چند دانشجوی ایرانی در اینجا تحصیل میکنند و بی زمانی که یکی از آنها را باقیم مایوسانه گفت که تازه ۱۰ ماه است که به لهستان آمدم و زبان لهستانی را بخوبی نمی دانم. تا حد التماس باو گفتم که باید اینکار انجام شود و او که «صوفی» نام داشت و یک جوان علامتد گیلانی بود، بناچار سرا به کسوی دانشجویان افغانی مقیم لودز برد و دست مرا در دست یک افغانی بنام محمد معروف گذاشت که به زبان لهستانی مسلط بود و فارسی را نیز تقریباً میدانست و از او خواست و

بنابراین سوخت در این کار مستلزم تحمل فشار زیاد و دوندگی فراوان است. آنهم اگر ریخت و اقبال نصیب آدم شود. با این اندیشه به سفارت ایران در وروشوفتم و اهمیت قضیه را از جنبه های مختلف بیان کردم و با داور شدیم که آگاهی از فوتبال لهستان برای ما ضروری است و اگر این برنامه عملی شود خواهم توانست وحشت و نگرانی خود را از نام لهستان کم کنیم و با روحیه و تعادل منطقی میدان لهستان برویم. کارمندان سفارت - بخصوص «صفا کیش» دیسر سفارت - از این استدلال من چشمانشان گرد شد زیرا معتقد بودند که گورسکی اهل مصاحبه نیست و بعد از جام جهانی مونیخ و پیروزیهای فوتبال لهستان کمتر حاضر شده بسا کسی گفتگو کند.

ولی این حرفها بگوش من فرو نرفت و وقتی «صفا کیش» سماجت، علاقه و یکدندی مرا دید متقاعد شد و حاضر شد یکبار با ابحان کند تا ببیند چه میشود. فردای آنروز با هم مراجعه کردم و در آنجا بمن گفتند که فدراسیون فوتبال لهستان را از اهمیت این گفتگو آگاه کردیم و آنها حاضر شدند ترا بپذیرند اما موافقت آنها دو شرط مشروط دارد:

اول اینکه تیم المپیک لهستان در ۴۰ کیلومتری وروش در منطقه ای کوهستانی بنام «زا کوبانه» اردو زده



از: محمدنریموسائی
فرستاده کیهان ورزشی به لهستان

بچه‌های کرمانشاه روی تشک لودز

مردم کرمانشاه باید به کشتی‌گیران جوان خود ببالند

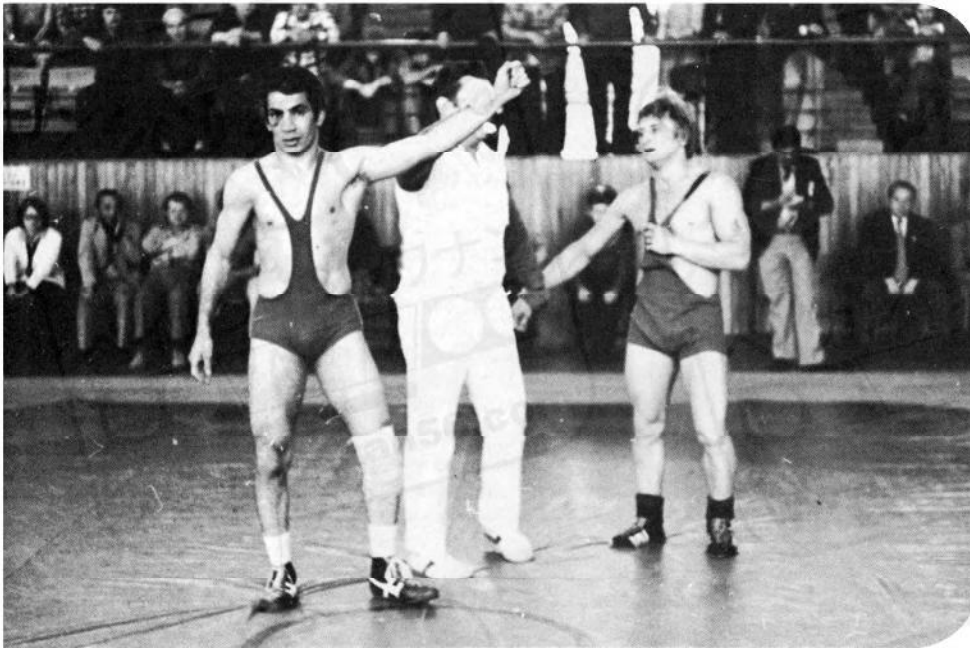
اسفندیار زرافشانی بهترین و لایق‌ترین جوان کشتی

کرمانشاه بود

دومدال طلا در ۷۳ کیلو و ۹۰ کیلو بدست آورد اما در مجموع نطقه‌های روشنی نداشت و اسبیلی لوزکا که یار کهنه کار و قدیمی کشتی رومانی است، اگر چه باشکست زنگر قهرمان اروپا در ۸۳ کیلو قهرمان شد اما تکرار

۴۲ کیلو او را هم آزمایش کنند.
شکست تیم نیم‌پانشوری

مسابقه‌های لودز شاهد شکست سخت کشتی‌گیران شوروی بود. تیم کشتی شوروی که در بدترین شرایط نیز تهدید کننده میباشد،



دومدال طلا، یک نقره و یک برنز، ره‌آورد کشتی‌گیران کرمانشاه نماینده کشتی ایران در مسابقه‌های بین‌المللی کشتی آزاد لهستان بود. این موفقیت در شرایطی بدست آمد که تقریباً بهترین و قویترین کشتی‌گیران اروپای شرقی منهای شوروی، به لهستان آمده بودند.

مسابقه‌های بین‌المللی کشتی لهستان که تحت عنوان جام «لودز» در ۱۴ کیلومتری ورشو آغاز شده بود، سه روز ادامه داشت و ۱۴ تیم از کشورهای مجارستان، چکسلواکی، رومانی، سوئد، کوبا، بلغارستان، آلمان شرقی، آلمان غربی، ایران، شوروی و ۳ تیم از کشور میزبان در آن شرکت کردند.

این مسابقه‌ها که دوره چهارم آن برگزار میشد، با حضور کشتی‌گیران ایرانی پر رونق بود و اگر چه چیز سید عبلی، کشتی‌گیر سرشناس دیگری در تیم ایران نبود، اما کشتی‌های خوب اسفندیار زرافشانی، حسین مجبی و خسرو محمدی و تا حدودی جواهری، به تیم اعزامی ایران در روز اول و تا پایان مسابقه‌ها، اعتبار مقبولی داد. منافسانه در شرایطی که یکروز به آغاز مسابقه باقی بود، بیژن زرافشانی کشتی‌گیر تیم ملی ایران در وزن ۸۳ کیلو به بهانه آسیب دیدگی از شرکت در مسابقه‌ها کنار کشید و امیدهای تیم کشتی کرمانشاه را کم رنگ ساخت. زرافشانی که از روز حرکت در کرمانشاه خود را آسیب دیده میدانست و قصد سفر نداشت

با توصیه سرپرست گروه و با قبول شرکت در مسابقه‌ها به لودز آمد، و ابتدا نیز وزن خود را برای شرکت در ۷۳ کیلو کم کرد اما بعداً در سر وزن کشتی حاضر نشد و ایرانشاه بناچار با او کشتی‌گیر را بمیدان گذاشتند. از این کشتی‌گیر در وزن ۶۸ کیلو دو تن شرکت داشتند و در وزن‌های ۴۸ کیلو و ۱۰۰ کیلو کرمانشاهی‌ها نام نایب‌های معرفی نکرده‌ند.

شمس‌الدین سیدعبلی که در آخرین لحظه به تیم اعزامی کرمانشاه پیوست، در لودز صاحب روحیه و در اوج آمادگی بود و با عنوان قهرمان سابق جهان در نزد اروپائیان آشنا بود و علاوه بر این، وجود او و حسین مجبی در ۶۸ کیلو، از همان آغاز مدال طلای این وزن را نوید داد. اما به تحقیق و زوروی عدالت باید گفت که مجبی جوان نیرومند کرمانشاهی نیز درخشان

↑
سیدعبلی با چشم برآمده و پای مصدوم کلباس از مجاریستان را در ۳ ثانیه ضربه‌فتی کرد. اینجا داور دست سید را بالا میبرد و در حالیکه اشک حریف مجاری نزدیک به سراسر بدنش است.

این پیروزی در المپیک مونترال برای یورگا، کارمشکل و دشواری است.
چگونه قهرمان شدند؟

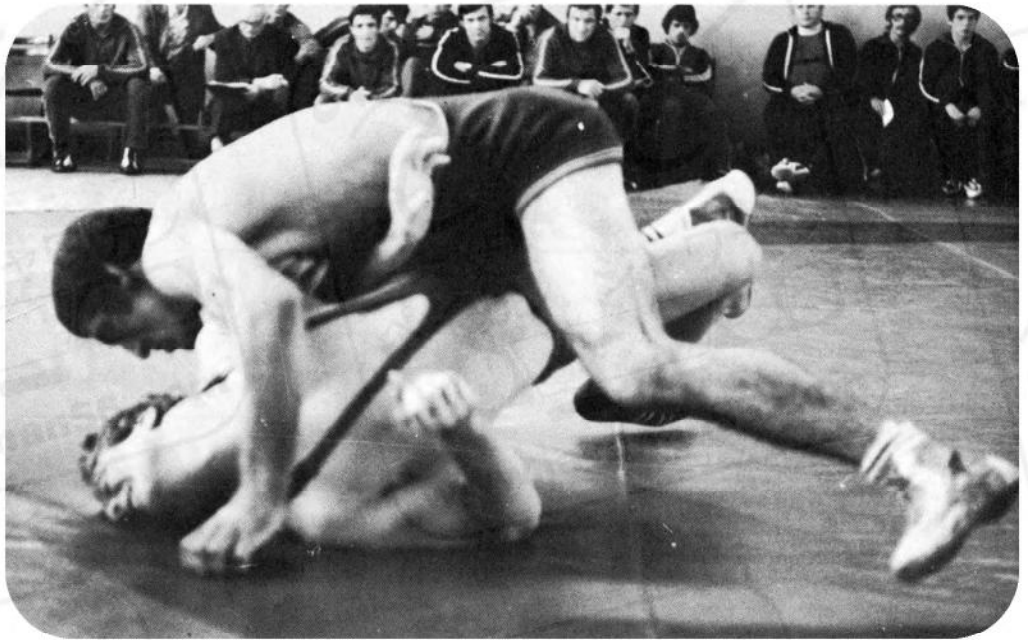
در ۴۸ کیلو و کشتی‌گیر شرکت داشتند و کرمانشاه نماینده‌ای نداشت. در این وزن کشتی‌گیران میزبان بهتر ظاهر شدند و «کوتویوچ» قهرمان شد. بطور کلی از ۴۸ کیلوهای خوب دنیا نشانی نبود و غیبت دینترف از شوروی محسوس نظر میرسد.

این بار با ضعف بسیار دست بگریبان بود و کشتی‌گیران گرجستان نماینده اعزامی شوروی تنها در ۱۰۰ + کیلو بمدال طلا دست یافتند. تیم کشتی بلغارستان نیز که چندچهره جوان خود را برای مونترال آزمایش میکرد با ناکامی مواجه شد و سرپرست این تیم بعداً گفت که باردیگر ما از با تجربه‌ها سود خواهیم برد زیرا المپیک محل آزمایش و ریسک نیست.

دربین بقیه تیمهای شرکت کننده لهستان بعنوان میزبان سه مدال طلای ۴۸ کیلو، ۵۲ کیلو و ۵۷ کیلو را بدست آورد، با اینهمه کشتی‌گیران لهستان امیدهای محکمی برای مونترال نیستند اما از تیم کشتی آلمان شرقی باید یاد کرد که پرتوان و نیرومند ظاهر شد و دو مدال طلا در ۷۳ کیلو و ۱۰۰ کیلو گرفت. با وجودیکه تیم کشتی رومانی هم

بود و در شرایطی مدال طلا را در مقابل سید عبلی از دست داد که تا پایان وقت دوم ۷۳ کیلو بود. ولی در دور سوم سیدعبلی از چند شبانه مجبی با زیرکی استفاده کرد و نتیجه را به ۸ بر ۸ رساند. این نتیجه با توجه با اینکه مجبی از راه دو اخطار به سید عبلی صاحب امتیاز شده بود، برای پیروزی و بالا رفتن دست سیدعبلی کهنه‌کار، کافی بود.

زرافشانی در وزن ۴۲ کیلوگرم همه حریفان خود را ضربه فنی و یا سه اخطار کرد و عنوان ستاره مسابقه‌ها را بدون نمره منفی بدست آورد. زرافشانی که بعلت درگیری با امتحانات ششم متوسطه، مانند حسین مجبی در مسابقه‌های انتخابی کشتی ایران جهت شرکت در بازیهای المپیک مونترال شرکت نکرده بود، در لهستان فوق‌العاده بود و حق آنست که با نگرانی فعلی در



کشتی خود نیز مغلوب استیسی از لهستان شد و مدال برنز گرفت. محمدی از کشتی گبران خوب کرمانشاه بود و پیروزی او در برابر کودیسی از لهستان جالب توجه و انتقاسی بود چرا که کودیسی قبلاً در یک دیدار دوستانه در کرمانشاه، محمدی را سه خطاره کرده بود.

۵۷ کیلو: در این وزن لطف‌الله لطف‌الله نسب کشتی گیر با سابقه کردستان شرکت داشت که جمعاً پنج کشتی گرفت. این وزن با حضور ۱۴ کشتی گیر بسیار شلوغ و فشرده بود و لطف‌الله نسب برای پیروزی در زحمت فراوان بود. او نخست با سه‌چین فیراز چکسلواکی روبرو شد که با ضربه فنی فاتح شد. دومین کشتی او با ابراهیم اوف از بلغارستان بود که با زهم پیروزی با ضربه فنی نصیب لطف‌الله نسب شد. در سومین دور استراحت داشت. در دور چهارم به زید یسنکی قهرمان این وزن از لهستان باخت و در دور پنجم نیز با شکست از کشتی گیر دیگر لهستان پنجم شد لطف‌الله نسب روی هر قه خوب کشتی گرفت.

۶۲ کیلو: وجود اسفندیار زرافشانی در این وزن به تیم کشتی ایران حاشیه امنیت داد. در این وزن هم ۱۲ کشتی گیر عضویت داشتند که قویترین آنها سولدوان از رومانی بود اما زرافشانی که در این مسابقه ها بسیار جسور، فنی و شجاع بود همه حریفان خود و از جمله سولدوان را ضربه فنی کرد و مدال طلا گرفت. زرافشانی در شب اول هونسیج از چکسلواکی را ضربه فنی کرد. در کشتی بعد، حریف لهستانی خود سیکورسکی را سه خطاره کرد. در دور سوم از سیدویپایسکی کشتی گیر دیگر لهستانی با ضربه فنی گذشت. سپس حریفان رومانی و آلمان غربی را ضربه فنی کرد و مدال طلا را بدست آورد. پیروزی زرافشانی که بدون حتی یک نمره منفی حاصل شد عنوان ستاره مسابقه ها را با و بخشید.

۶۸ کیلو: بدون هیچ نگرانی ایران در این وزن بوسیله سیدعباسی مدال طلا گرفت. حسین محبی نیز در تقسیم او مدال نقره دست یافت. سیدعباسی در شب اول گیلایس از مجارستان را در کمتر از ۳۰ ثانیه ضربه فنی کرد. سپس بدیدار حریف رومانی خود ویزاشانت و او را هم با ضربه فنی مغلوب ساخت. در سومین کشتی جاس از آلمان غربی را شکست داد. در دور چهارم با حسین محبی دیدار کرد. سید عباسی در دور پنجم و هشتم از کشتی گبران لهستانی و آلمان شرقی دو مغلوب ساخت و

بقیه در صفحه ۳۶

میلان ارسگان:

ایران در ۶ کیلوشانس مسدال طلا دارد

میلان ارسگان رئیس فدراسیون کشتی جهانی (فلا) را ناند نیک رئیس برکارو دائم در سفر معرفی کرد که همیشه با چندان بسته به مسابقه های کشتی در هر گوشه دنیا سر میزند بخصوص اگر سفر نزدیک باشد او را زود تر و بی توقع خواهیم دید. ارسگان برای دیدارهای بین المللی کشتی جام لودز لهستان، فقط یک نوبت با لازم داشت تا از بوگسلاوی به لودز بیاید. وی در لودز چشمانی کنجکاو داشت و همه کشتی ها را با اشتیاق می دید. همین علاقمندی و تیربینی ما را واداشت تا با او یک گفتگوی کوتاه انجام دهیم. طی این گفتگو سه سوال را با او مطرح کردیم که با آنها پاسخ داد.

نخست نظرس را در مورد تیم اعزامی کشتی ایران به لهستان پرسیدم و او گفت: بعیده من سه کشتی گیر شما با ارزش بودند که مسلماً دو تن آنها به المپیک میروند. در ۶۸ کیلو سیدعباسی و محبی پرتوان و نیرومند بودند و اگر هر کدام از آنها به سوئرال بروند شانسی دریافت مدال طلا نصیب ایران خواهد بود. در ۶۲ کیلو زرافشانی خوب جلو کرد و او را پسندیدم. ارسگان سپس در باره تغییر زمان کشتی از ۹ دقیقه به ۶ دقیقه گفت: از نظر من این ساله بسیار مشکل و پیچیده است. من شخصاً معتقدم که ۶ دقیقه کشتی برای کشتی گبران از نظر سلامتی زبان بخش است و با توجه باین مطلب از همه سالنک نظر خواسته ام تا دقیقاً پاسخ دهند این تغییر لازم است یا نه؟ هنوز خیلی کشورها جواب ندادند و تصمیم در این باره به سوئرال موکول شد.

رئیس فدراسیون کشتی دنیا در پاسخ باین سوال که در المپیک سوئرال کدام تیم کشتی شانسی قهرمانی دارد گفت: تیمهای قوی عبارتند از شوروی، بلغارستان، ایران، ژاپن و آمریکا با این توضیح که شوروی هنوز بهترین کشتی گبران جهان را دارد.

اسفندیار زرافشانی کشتی گیر وزن ۶۲ کیلویی کرمانشاه حقیقتاً در لهستان درخشید. او صاحب روحیه، آمادگی و جسارت بود و باین امتیازات همه حریفان خود را ضربه فنی و یا سه خطاره کرد و لقب ستاره مسابقه ها را بخود اختصاص داد. در اینجا زرافشانی بویاسکی کشتی گیر لهستانی را در چنگال دارد و لحظه ای بعد پشت او را به تشک می چسباند.

در ۵۲ کیلو، خسرو محمدی که در آخرین لحظه با حذف ارسلان عرجول از تیم کرمانشاه به لهستان آمده بود، نیرو و نشاط جوانی داشت و اگر در آخرین کشتی خود نزول نمیکرد، کسب یک مدال طلا در این وزن بعید نبود. در این وزن که ۱۲ شرکت کننده حاضر بودند، محمدی ۶ کشتی گرفت. ابتدا با گازداج از مجارستان روبرو شد و در وقت دوم او را ضربه فنی کرد. در دومین کشتی محمدی با حریف چک روبرو شد و او را سه خطاره کرد. در سومین کشتی که یک دیدار سخت و فشرده بود، محمدی با ابی بنگشویلی از شوروی دیدار کرد و با امتیاز پیروز شد. در دور چهارم کودیسی از لهستان را با ضربه فنی شکست داد ولی در دور پنجم به برانسنین از رومانی باخت. محمدی در آخرین

خارج از تشک، از ایران تالودز

* گروه اعزامی کشتی گبران کرمانشاه به لهستان در اولین تجربه خود بخارج، بادو مشکل بزرگ روبرو شدند، اول اینکه فدراسیون کشتی لهستان از ورود تیم ایرانی خبر نداشت و کرمانشاهها ۴۴ ساعت در فرودگاه ورتشو سرگردان شدند دوم اینکه کشور میزبان فاقد یک مترجم ایرانی بود و از بدو ورود تیم ایران، ندانستن زبان یک درد سر عجیب پیش آورده بود. بطوریکه دکتر کامیاب نماینده اعزامی فدراسیون کشتی ایران که تا حدودی انگلیسی میدانست در زیر فشار سخت قرار گرفت. زیرا دائماً توضیح میداد و استدلال میکرد تا یک جواب کوتاه بشنود و حتی اگر او نبود، ایرانیها در لهستان مرشان حسابی کلاه میرفت.

* گم شدن چمدانهای ورزشکاران کرمانشاه در فرودگاه فرانکفورت، بزرگترین حادثه ای بود که گریبانگیر تیم اعزامی شد. اگر این چمدانها ۳۰ ساعت بعد پیدا نمیشد معلوم نبود ایرانیها چگونه بدون مایو و کفش کشتی روی تشک میرفتند!

* یکی از خاطره های بد این مسابقه ها، نداشتن «بیج» مخصوص تیم ایران در نزد ورزشکاران کرمانشاه بود که مایه تعجب و حیرت تیمهای شرکت کننده شد.

* نادر تقی زاده سرپرست گروه اعزامی کرمانشاه تا روز آخر سفر مشغول حساب و کتاب بود و چون در تبدیل ریال به دلار، دلار به مارک، مارک به ژولتی (واحد پول لهستان) و مجدداً برکت و تبدیل این پول ها سرگریخته گرفته بود یک ماشین حساب کوچک خرید تا مشکل خود را حل کند

اما جالب اینجاست که با وجود این تدبیر در روز آخر ۲۴۰۰ تومان کم آورد!

* بیژن زرافشانی کشتی گیر وزن ۸۲ کیلویی کرمانشاه در سفر به لهستان به بهانه آسیب دیدگی دانه در مسابقه ها شرکت نکرد و وضع تیم ایران را متزلزل ساخت. سرپرست * علی اشرف زهتابان که بعد از حذف حبیب محلوچی، بعنوان مربی تیم به لهستان آمده بود در موقع بازگشت زیر قولش زد. قضیه این بود که زهتابان قول داده بود اگر او را به لهستان بفرستند در بازگشت خود را باز نشسته کند و با این تعهد او جواز حرکت به لهستان گرفت و محلوچی بخاطر در درخانه ماند. اما این جناب وقتی پایش به تهران رسید گفت: من باز نشسته نخوام بشنود زیرا میتوانم ده سال دیگر مربی باشم



کنگره فدراسیون کشتی ایران برای برگزاری جام علیاحضرت شهبانو پیروزی بار بود

فرزندم قاب عکسی را که تنها یادگار دوران قهرمانی من در ورزش کشتی بود، از دیوار اتاق پائین کشیدم و عکس صفر ایرانی که را در آن جای داد و مجدداً قاب را به دیوار آویختم. من ابتدا تعجب کردم که او چرا به چنین کاری دست میزند ولی وقتی علت را از او جویا شدم بین اینطور پاسخ داد:

« پدر من هرگز صفر ایرانی که را بیشتر از تو دوست ندارم ولی فوتبال را به کشتی ترجیح میدهم و باین دلیل بود که عکس ایرانی که را در جای عکس شما قرار دادم حالا اگر این کارگاه است مرا ببخش! »

درد دل او با اینجا ختم نشد. گفته های این پیرکنه کار کشتی با لحنی لهجه قشنگ « آذری» چنین ادامه داشت:

« زمانی حق الزحمه داوران کشتی بابت هر جلسه داوری فقط ۳ تومان بود و گوشت هم کیلویی ۴ تومان. حالا حق داوری همان مبلغ سابق است ولی گوشت را کیلویی ۳ تومان بزمجت میتوان تهیه دید! از اینها گذشته و تیریز سرنی و البال ماهانه ۳ هزار تومان حق الزحمه میگردد در حالیکه رحیم پشم فروش (کشتی گیر با سابقه کشور) و مربی کنونی تیریز ماهانه فقط ۲۵۰ تومان پول دریافت میکنند. حالا باین همه مشکلات ویی توجهی ویی بهری چگونه میتوان امیدوار باشیم که ورزش کشتی به روزگار طلایی خود بازگردد؟ »

این گفته های امیر حکیم زاده معاون تربیت بدنی آذربایجان شرقی در جریان گشایش کنگره مسابقات باشگاههای سراسری ایران بود که بشدت ناراحتی و تعصبی در حالی که رنگهای گردنش برجستگی محسوس نشان میداد بسج حاضران در جلسه رسید.

کنگره فدراسیون کشتی ایران بمنظور بررسی نهایی برای برگزاری مسابقات کشتی آزاد قهرمانی باشگاههای ایران «جام علیاحضرت فرح پهلوی» صبح روز سه شنبه یکم تیرماه در تالار اجتماعات دفتر امور مشترک فدراسیونها بحضور رئیس فدراسیون کشتی ایران، اعضای کمیته فنی، نمایندگان دسته یکم باشگاههای شرکت کننده و اعضای موقت کمیته اجرایی مسابقات تشکیل شد و بمدت دو روز صبح و عصر ادامه داشت. دستور جلسه کنگره عبارت بود از خوش آیدو گزارش مسابقات



دکتر محمدتوکل
رئیس فدراسیون کشتی

فرزند امیر حکیم زاده:

پدرم را از صفر ایرانی که بیشتر میخواهم ولی کشتی را بیشتر از فوتبال دوست ندارم!

نزدیک میشود فدراسیون کشتی باید زودتر دست بکار شود تا قادر باشد در اوائل بهرماه طی سراسری بشکوه مسابقات جام علیاحضرت را با شکوه هرچه بیشتر آغاز کند و مسلم است که هر باشگاه باید از هم اکنون خود را برای ورود باین میدان بزرگ آماده کند. در مسابقات سراسری هم بازار کشتی گران داغ میشود و هم ارزش مربیان کشتی بالاتر میرود و به این شکل ما بی شک میتوانیم به آینده کشتی امیدوار باشیم زیرا در هر هفته ما « یک شب کشتی » خواهیم داشت و این عرض اندام فعلاً یک قدم مثبت در بازاریابی کشتی در سراسر کشور بشمار میرود. بطور یقین در سراسر این مسابقات اشکالاتی هم خواهیم داشت ولی همه آنها را با همکاری صمیمانه یکی پس از دیگری کنار خواهیم زد.

بوسیله دکتر محمد توکل رئیس فدراسیون و بعد بررسی اساسنامه و طرح پیشنهادی نمایندگان باشگاهها و تنظیم صورتجلسه و قرعه کشی تیم ها و بالاخره تعیین تاریخ قطعی برگزاری مسابقات.

ابتدا مفاد آئین نامه مسابقه ها مورد بررسی قرار گرفت و آنکه مواد آن بوسیله منشی جلسه قرائت شد و هریک از نمایندگان باشگاهها پیشنهاد هائی نسبت به مندرجات آئین نامه داشتند که پس از مشورت های لازم تصحیح شد.

نتیجه گفتگوها، در دلدلها و پیشنهادها پس از ۱ ساعت چنین بود:

دکتر محمدتوکل:
« در مورد برگزاری این مسابقات همه اعتقاد دارند که کار ما در سطح کشور یک برنامه اساسی است و چون بازیهای المپیک

پرویز عرب (نماینده باشگاه تاج تهران):

ما با حساب سراسری کشتی هزینه این مسابقات را برای باشگاه تاج از ابتدای پیمان بطور تقریباً معادل ۲۵۰ هزار تومان تخمین زدیم. نسیب این رقم در شرایط کنونی برای باشگاه ما - که برخلاف سایر باشگاههای شرکت کننده که جملگی به سازمانهای دولتی وابسته هستند - واقعا خیلی مشکل و شاید غیر قابل تحمل باشد! البته سعی داریم که بعنوان تنها باشگاه عمومی در این مسابقات شرکت کنیم منتها با کمک فدراسیون کشتی ایران.

دکتر توکل:

فدراسیون کشتی سعی میکند برای تمام باشگاهها در همه موارد یک کمک کننده باشد و قدر مسلم این است که از هیچگونه کمکی دریغ نخواهد کرد ولی برنده ای داریم که به تیمهای برنده حدود ۶۰ یا ۷۰ هزار تومان با صورت نقدی و با عنوان تأمین وسائل کمک کنیم که البته این موضوع در آئین نامه جام منظور خواهد شد. گذشته از این مقصود ما از برگزاری مسابقات قهرمانی باشگاههای ایران قط ساندگی است. مثلا هم باشگاههای سازنده میتوانند کشتی گران خود را به میدان های مسابقات عرضه کنند و هم کشتی گران قادر خواهند بود که بر عقد قراردادهای لازم در مقابل دریافت مزایای خدمات باشگاهها در آیند

امیر حکیم زاده (نماینده باشگاه

ماشین سازی تبریز):

فوتبال با کشتی تفاوت دارد. بیشتر فوتبالیست ها فخر میکنند که مثلا پیراهن گردبولر را با شماره ۱۳ و پیراهن پهلر را با شماره ۱۰ بتن کنند و همین ها را برای خود راه تبلیغ بسازند. ولی کشتی گران راهی ندارند که به چنین کارهایی دست بزنند.

پرویز عرب (نماینده باشگاه تاج):

ما با کدام بودجه هم به تشکیل دادن تیم برداریم و هم با آنها حق الزحمه بدهیم؟



میز امیدها

دور این میز بسیاری از امیدهای کاروان ایران برای شرکت در المپیک مونترآل نشسته‌اند.

این‌ها از راست عبارتند از: رضا سوخته‌سرانی، هاشم کلاهی، علامرضا قصاب، محسن فرح‌وشی، پرویز بادبا (ایستاده)، محمدرضا نوانی، یکی از دوستان ورزشکاران، رمضان خدر، محمدرضا طالقانی، محمدحسن محبی و سبحان روحی.

یکی میز نه یکی میبیره!

هر کس بکاری مشغول است. قبلا نوشتم که نادبا، سرزبان‌دارترین فرد اردوی المپیک است. اینجا او مشغول گوش مانی دادن سلیمان حسام‌فهریان، ۱۰ کیلویی برناب‌بیک ایران است. در همین کبرودار تیمورغیانی از فرصت استفاده می‌کند و در شرایطی که دو دست محمد نصیری بند است، میخواهد نوشیدنی او را کشش برود. ببینید چگونه نصیری به التماس اتاده است!



قهرمان

گل غفور جهانی نشانه اوج
درخشش یک شمالی بود



↑ غفور جهانی ملوانی شجاع تیم ملی در رقابت با مظلوسی و نورانی، در دیدار با شوروی هرچه داشت رو کرد و سرانجام در دقیقه ۸ مسابقه گل پیروزی ایران را زد. این جا غفور موفق تر از سه مدافع شوروی توپ را باسرزده است.



← بیژن ذوالفقارنسب (چپ) مدافع میانی تیم ملی ایران به سرعت می آید تا راه فرار «اسلوبودان» مهاجم سرشناس شوروی را ببندد. ذوالفقارنسب با قدم بلند و سرعتی هرگز نباید به حریفان فرصت دهد تا به مانند روز مسابقه شوروی از یک فرار (از جناح او) پناهی و بعد گل بسازند و به روی ضربه کرنر گل بساوی را چهر رسانند.

جنگنده و کارساز

ابراهیم قاسمیور هافبک جوان تیم ملی ایران همچنان در تیم می درخشید و به لطف تکنیک و جنگندگی اش بازیکنی کارساز است. این جنوی بزرگ و تازه از راه رسیده فقط بدنی ورزیده را برای تکمیل کم دارد. قاسمیور در این صحنه می کوشد بر توپ اسلوبودای مهاجم شوروی اثر گذارد.



اروپا را هم میتوان شکست داد



حجازی آسان تسلیم شد

در اواخر نیمه اول ناصرحجازی (۱)
به جای منصور رشیدی مصدوم درون
دروازه جای گرفت و در نیمه دوم پیک کل
آسان قبول کرد و پیروزی ایران هدر
رفت . او که بدنی آماده نداشت برای
مشت کردن ضربه کرنر از دروازه بیرون
آمدها نتوانست برتوپ اثر گذارد . پترینکو
که در سمت چپ (بعد از نظری) مترصد بود ،
بایک ضربه آسان گل خود را زد .

غفوربهبانی (چپ) شایستگی خود را
برای بقا در تیم ملی نشان داد . او اگرچه
همانند روز اول کلی نزد اما از لحظه ورود
همه جا خستگی نا پذیر بدنبال توپ بود .
اینجا او میخواهد با همکاری علی بروین
(۷) خط دفاعی شوروی را بشکافد .



در لحظه



ایران (۲)

منصور رشیدی ۱ (ناصر حجازی ۱ از دقیقه ۳۲) - حسن نظری ۲۱، بیسزنگ ذوالفقارنسب ۳، نصرالله عبداللهی ۸، آندرانیک اسکندریان ۳ (حسن نایب آقا ۱ از نیمه دوم) - علی پروین ۷، پرویز قلیچ خانی ۵ (کاپیتان)، ابراهیم قاسمیپور ۶ - عبدالمجید بشکار ۱۱ (حسن روشن ۱۰ از دقیقه ۵۳)، غلامحسین مظلومی ۱۷ (غفور جهانی ۹ از دقیقه ۵)، علیرضا خورشیدی ۲. ذخیره ها: حسگرخانی، عربری، صادقی، عادلخانی، کازرانی، میرفخرانی سربی: حشمت مهاجرانی

شوروی (۱)

بور کوفسکی ۱ (ساکایوف ۸ از نیمه دوم) کروگلو ۲، کوزبونوف ۳ (اوکانسیان ۱۰ از

بازهم غفور در زدن بک ضربه سر موفق تر از شاویکو مدافع مستقیم خود نشان میدهد.

در این تصویر حسین کازرانی مدافع تیم ایران و دیگر بازیکن بلند قامت تیم با به بازی او آمده و حسن روشن (۱۰) هم مترصد فرود آمدن توپ است.

**برتر بودیم
امانبر دیدیم**

علیرضا خورشیدی (۲۰) گوش چپ ایران برتری مطلق خود را در این مکان به رقیب ثابت کرد. او در بازیش اشتباهی نداشت. گل اول را ساخت و گل دوم را چنین زد.

بدنبال ضربه آزاد نظری از راست خورشیدی موفق تر از آدژم (راست) به توپ کوبید. تویی کند سیرکل را طی کرد و لحظه‌ی بعد در لایای تور آرام گرفت.



سابقه تدارکاتی دروازه‌المپیک

های برتری گل مساوی را خوردیم

افتاد؛ روی پاس آروکلو، پترینکوازه متری شوت کرد اما رشیدی با قرار دادن بدنش در راه توپ، یک کرنر ساخت.

گل ایران

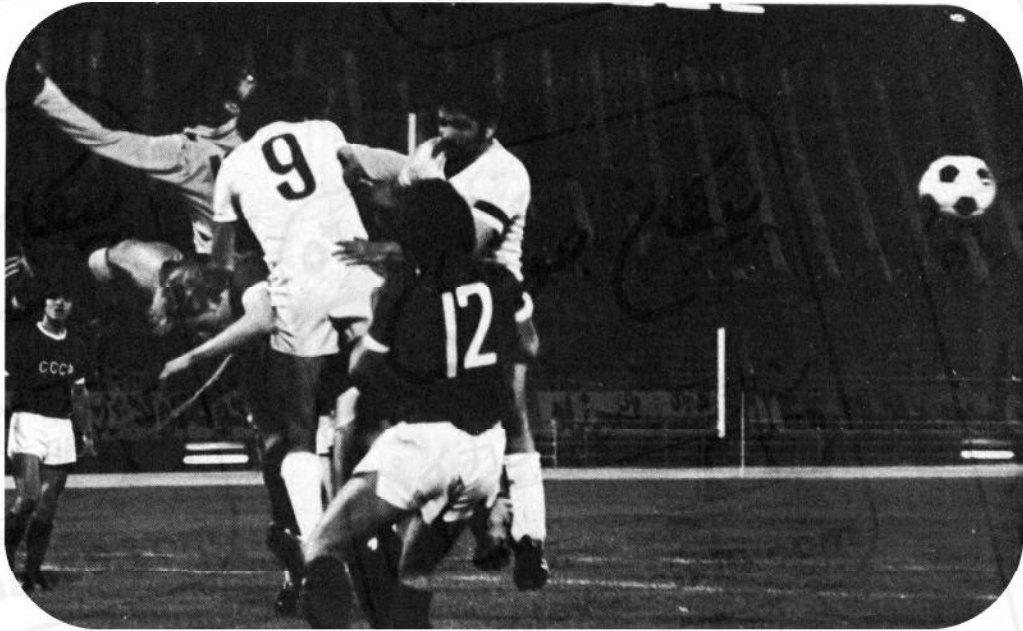
زوج سمت چپ ایران (قاسمیپور و خوشبیدی) به بازی ایران و حالت مسابقه در دقیقه ۳۳ شکل دادند. در یک تغییر جای به موقع و سریع خوشبیدی با پاسی بسیار زیبا قاسمیپور را پیش انداخت و دفاع خشن شوروی را به خطای پنالتی واداشت. ضربه پنالتی را پروین با ستادی به سقف سمت راست دروازه کوبید.

چهار دقیقه بعد شوروی ها معامله به مثل کردند. آدژم هافبک نفوذی شوروی از غفلت مدافعان راست سود برد و تنها به سوی دروازه ایران کریخت، رشیدی به استقبال توپ وحریف آمد و در برابر «دریل» آدژم مجبور به خطائی شد که هم پنالتی بود و هم خود رشیدی را مصدوم ساخت. خود آدژم از پنالتی گل مساوی را ساخت.

این تعادل دربی، نماند و در دقیقه ۶۷ به دنبال خطای باران شوروی روی بشکار، نظری از راست ضربه آزاد را زد و خوشبیدی با پروازی تماشائی و ضربه سردقیق دومین گل ایران را به ثمر رساند.

در نیمه دوم روشن و غفور جهانی مکمل خوشبیدی شدند و هر لحظه انتظار آن می‌رفت که دروازه‌بان جدید این نیمه شوروی گل سوم را هم بخورد. ولیج خانی با ضربه کرنر قاسمیپور از چپ و با پاس عالی روشن از راست دو بار توپ را با فاصله کمی نسبت به هدف، شلیک کرد. شوت دو روستگین روشن را نیز دروازه‌بان شوروی به زحمت مهار کرد.

در چنین لحظات برتری ایران، یک ضد-حمله به کرنر انجامید و به دنبال کرنر، پترینکو گل مساوی را در دقیقه ۷۰ زد. بعد از این گل تلاش‌های ایران بی‌حاصل بود و از سرتا سر ای بلندی هدف سودی عاید نشد. ف-ش



ساگایوف دروازه‌بان نیمه دوم شوروی دروازش را از گزند مهاجمان ایرانی حفظ کرد. غفور جهانی و پرویز ولیج خانی چنین ساگایوف را به زحمت انداخته و شاو یگوراد «رژیر» پرس کرده‌اند، پترینکو (۱۲) زنده گل مساوی شاهد مست موفق دروازه‌بان‌ش است.

حسن نظری، ابراهیم قاسمیپور، حسن روشن و علیرضا خوشبیدی چهره‌های موفق این روز بودند و البته از بازی ولیج خانی نیز نمی‌شد بی‌تفاوت گذشت.

تیم ایران این بار با حریفی نبرد کرد که نسبت به روز اول سرحال‌تر و از خستگی رسته بود. درده دقیقه اول مسابقه، شوروی‌ها توپ را در اختیار داشتند اما نمی‌توانستند کاری انجام دهند و حتی در دقیقه چهارم با شوت قاسمیپور که به بدن دفاع خورد - و سرمظلومی در یک قدمی گل قرار گرفتند.

با بازی خوب و پرتحرک خوشبیدی و قاسمیپور در جناح چپ کم‌کم بازی متعادل شد اما در یک حمله دروازه رشیدی سخت به خطر

در مجموع تیم ملی ایران همه بارانش را در خدمت داشت. نایب‌آقا در گوش چپ و بشکار در گسوتن راست نیز آرزایش شدند که نایب‌آقا نتوانست

با زینک موقتی به عنوان ذخیره اسکدریان باشد. در نوک حمله غلامحسین مظلومی و بعد غفور-سخت کوش، پرتحرک و مؤثر بود.

ایران در نیمه اول دو بریک پیش بود و در نیمه دوم با ورود درخشش حسن روشن می‌رفت تا به گل‌های دیگری هم دست یابد اما در یک ضد حمله تن به کرنر داد و روی همین کرنر حجازی به اشتباه از دروازه خارج شد و بی آنکه اثری بر توپ گذارد به مهاجم شوروی فرصت داد تا یک گل مفت به ایران بزند.

در این مسابقه حجازی فاصله‌ی بسیار با دوران آمادگی داشت و اگر دفاع ایران مانع ضد حمله‌های شوروی نمی‌شد، او به سادگی گل می‌خورد. در این روز علی پروین نیز نتوانست بازی موقتی ارائه کند هر چند که وجود او در ضربه پنالتی و به ثمر رسیدن قطعی آن سخت مؤثر افتاد.

دقیقه ۵۴، شاریکوف، گنجاووف ۵ - سوکو لوفسکی ۶، آدژم ۷، آن ۸ (کاپتن) - کودسایف ۹، اسلوبودیان ۱۱، پترینکو ۱۲ ذخیره‌ها: سرکیسیان، کاراماریتکو مربی: نیکلیاوف

گل‌ها: ۰ - ۱ علی پروین (۳۱)، ازوری نقطه پنالتی (۱۰)، آدژم (۳۵)، ازوری نقطه پنالتی (۴۲)، ۲ - ۱ علیرضا خوشبیدی (۴۲)، ۲ - ۲ پترینکو (۶۷)

داور: بهمن بهلولی با کمک مرتضی زاهدی و مصطفی سبیر تماشاگر: حدود ده هزار تن با زینک اخطاری: اسلوبودان از شوروی ورزشگاه ریامهر (بکشنبه ۶ تیرماه)

تیم ملی فوتبال ایران با آرایش تقریباً اصلی‌اش با تیم ملی امید شوروی برای بار دوم روبرو شد و با این که به مراتب بهتر از بازی اول ظاهر شد و شایسته پیروزی بود، دو برد مساوی کرد.

مرکز نشین‌های پیر و زبوندند

از شهرت آنها



همدان - بیست و دومین دوره بازی‌های مدارس استان همدان با شرکت ۴۶۸ ورزشکار دختر و پسر از شهرهای همدان، ملایر، نهاوند و تویسرکان در رشته‌های بسکتبال، والیبال، فوتبال، شطرنج، وزنه برداری، دوچرخه‌سواری، ژیمناستیک و هندبال در همدان برگزار شد. در این دوره از بازی‌ها شهرهای ملایر، نهاوند و تویسرکان در رشته بسکتبال، هندبال و ژیمناستیک دختران شرکت کننده نداشتند.

نتایج مسابقات

*** شطرنج پسران:** در رشته شطرنج تیمی، تیم ملایر اول شد و تیم های همدان و تویسرکان دوم و سوم شدند.

*** شطرنج دختران:** تیم همدان مشکل از فریب فرخنده، اصفهانی و فخریان اول شد و تیم های ملایر و نهاوند دوم و سوم شدند.

*** والیبال دختران:** تیم والیبال دختران همدان با پیروزی دو بر یک در دیدار نهایی برابر تیم ملایر قهرمان شد و تیم های ملایر و نهاوند دوم و سوم شدند.

بازیکنان تیم همدان: مهوش ساغرچی، پروین گلستانی، پروانه چلی، زهرا چلی، نسرین معینی و سکتینه صغاری.

سری: اصغراچی.

*** والیبال پسران:** تیم های همدان، ملایر برگزار کننده دیدار نهایی والیبال پسران بودند که طی آن همدانی‌ها با حساب ۲ بر ۱ پیروز شدند و تیم های ملایر، تویسرکان و نهاوند به ترتیب در رده های دوم تا سوم قرار گرفتند.

بازیکنان تیم همدان: حسن توسلی آرا، امین برق لشگری، مهدی قادری، محسن جام بزرگ، باقر فرجی و حسن منتظری.

*** بسکتبال دختران:** در این رشته دختران همدان بدون حریف اول شدند.

*** بسکتبال پسران:** تیم های همدان و نهاوند با پیروزی بردیگر تیم‌ها، دیدار نهایی را برگزار کردند و طی آن همدانی‌ها با حساب ۷۲ بر ۲۷ از سحر حریف گذشته و اول شدند و تیم های نهاوند، ملایر و تویسرکان صاحب عنوان‌های بعدی شدند.

بازیکنان تیم همدان: پرویز ریحان، محمد بیات، سهراب زمانی، اکسبر باب الحوائج، فتح اله زمانی، علی کاوسیان، سعید رضوان و مظفر کاویانی.

سری: محمد رضا امامی.

نهاوند فوتبال همدان را مغلوب کرد

تیم فوتبال نهاوند طی یک بازی جانب

و با تنها گل دقیقه ۴ خود توسط دیانوش شکوهی در دیدار نهایی همدان را شکست داد و صاحب جام قهرمانی و یک پیروزی ارزشمند شد.

کار مسابقه های فوتبال به همینجا ختم نشد زیرا تیم ملایر سه بر صفر تویسرکان را شکست داد و با معدل گل بهتر دوم شد و همدان در مکان سوم قرار گرفت.

بازیکنان تیم همدان: رضا قیاسی (کاپیتان)، خیراله روستائی، ایرج افغنی،



تیم بسکتبال همدان

رضا پاریز، علی المامیر، دیانوش شکوهی، حجت کویار، فرزاد سلیمانان، اسداله کریمی، عبدالرضا نورعلی، مجید احمدوند، مرتضی احمدوند، فرهنگ سلیمانان، قهرمان ساکی و کیا نقرسیف.

سری: قاسم دولتی.

دو و میدانی دختران

۱۰۰ متر: ۱- زیبا طبری از همدان ۲- شیرین زمانی از ملایر ۳- معصومه نظری از همدان.

۴۰۰ متر: ۱- ملیحه اسدی از همدان ۲- شیرین زمانی از ملایر ۳- فروغ سیف از نهاوند.

۱۰۰ متر مانع: ۱- فرنگیس شیخ الملوکی از ملایر ۲- ژاله رحمانیان از همدان ۳- محترم خالقی از ملایر.

۴ X ۱۰۰ متر: ۱- تیم همدان متشکل از معصومه زندی، زیبا طبری، معصومه نظری و ملیحه اسدی ۲- ملایر ۳- نهاوند.

پوش ارتفاع: ۱- محترم خالقی از ملایر ۲- فرنگیس شیخ الملوکی از ملایر ۳-



تیم والیبال دختران همدان

محوه خانلر از همدان.

پرش طول: ۱- ملیحه اسدی از همدان ۲- ژاله رحمانیان از همدان ۳- مهین بلگری از تویسرکان.

پرتاب وزنه: ۱- ملک تاج قدری از همدان ۲- فروغ سیف از نهاوند ۳- فریده طاهری از ملایر.

پرتاب دیسک: ۱- شهلا عبدلی از ملایر ۲- معصومه زندی و ۳- مرضیه کاویانی از همدان.

پرتاب نیزه: ۱- معصومه زندی از همدان ۲- ملک تاج قدری از همدان ۳- بدری هاشمی از ملایر.

رژه بندی تیمی: ۱- همدان ۲- ملایر ۳- نهاوند.

نتایج دو و میدانی پسران

۱۰۰ متر: ۱- حمید زارع از همدان ۲- داود نهری از ملایر ۳- جلیل گدازی از همدان.

۲۰۰ متر: ۱- حمید رضا زارع ۲- خلیل گدازی ۳- داود نهری.

۴۰۰ متر: ۱- منوچهر عباس سزین از همدان ۲- احمد لرستانی از نهاوند ۳- احمد درمزیاری از همدان.

۸۰۰ متر: ۱- حسن حسینی از همدان ۲- محمد دلچانی از ملایر ۳- رضا جعفری از همدان.

۱۰۰۰ متر مانع: ۱- احمد دیزبازی، از همدان ۲- احمد لرستانی از نهاوند ۳- منوچهر عباس سزین از همدان.

۱۵۰۰ متر: ۱- حسن حسینی از



صحنه‌ی از دیدار تیم های والیبال همدان و ملایر

چه خبر؟

درفوتبال باشگاه های اهواز:

قهرمانی برای گمرک تجدید شد



جوانان گمرک برای دومین سال پی در پی قهرمان فوتبال اهواز شدند.

جانب اوکل تساوی گمرک را پدید آورد. به این ترتیب بازی به وقت اضافی کشید ولی باز هم حاصلی پدید نیامد و در رقابت پنالتی گمرکی ها با نتیجه ۵ بر ۴ پیروزی رسیدند.

در دیدار رده بندی جوانان شهپاز با پیروزی بر نیرو سوم شدند و تیم های صنعت چاپ، راه آهن، افسر و بانک ملی در رده های پنجم تا هشتم قرار گرفتند.

بازیکنان تیم گمرک: غلامحسین بهمنی، مصطفی زکی زاده، محمود شکراللهی، غلام کریمی، عزیز غیشاوی، ابراهیم فخرایی، بهرام سعیدی زاده، قدرت اله فرهادنژاد، شهریار آفتاشاهی، عبدالنبی قاطع زاده، سنجهر کریمی، مسعود محبوبی، علیرضا حبیبی، ابراهیم دانش آذر، غلامحسین شهربانی و اسماعیل دورقی.

مربی: غلام دهگزی.

بازیکنان تیم ایرانگاز: علی شوشی، غلام انصاریان، موسی سیاهی، محمدتقی دهنوی، هادی پورجانی، عبدالهرا انصافی، منصور زیندپور، حبیب صالح نژاد، حسن موسوی، اسید آهنین جگر، کریم الهاسی سحر، رضا معتمدیان، منصور طاهری، مجاهد نیس، محمد علی شاهوند و مرتضی دهنوی.

مربی: موسوی.

اهواز: اسحق رحمانیان

اهواز- مسابقه های فوتبال جوانان، جام والا حضرت ولایتعهد اهواز با قهرمانی مجدد تیم گمرک کخاتمه یافت. در مسابقه های جوانان اهواز ۲ تیم دیدارهای خود را بگونه دوره ای و از اردیبهشت ماه گذشته آغاز کرده بودند. در این دیدارها تیم گمرک که سال پیش در مسابقه نهایی تیم سرپاز را پیش رو داشت این بار در نبردی سنگین و تا وقت اضافی تیم ایرانگاز، مدعی جدی سال های اخیر مساوی کرد و سرانجام با ضربات پنالتی موفق به تکرار عنوان قهرمانی شد. این دیدار در هوایی گرم و با سرعت شد و گمرکی ها تکم و بیش در وقت اول برتری نمودند اما شتابزدگی مهاجمان این تیم، بخت بلند دروازه بان ایرانگاز را افزایش بخشید.

بر خلاف وقت اول در نیمه دوم بازی بازیکنان ایرانگاز با عزمی راسخ بازی را آغاز کردند و خیلی زود هم به نتیجه رسیدند زیرا در دقیقه ۵ محسن موسوی مهاجم نوک ایرانگاز روی ضربه کاشته اسید آهنین جگر و با ضربه سر دروازه گمرک را گشود. سلات برآکنده بازیکنان گمرک بعد از این گل که همراه با عجله بود چاره ساز نبود و حتی نیم سقوط مجدد دروازه اش می رفت تا اینکه در دقیقه ۸ نفوذ یک تنه مسعود محبوبی از میانه میدان و ضربه

خروس وزن: ۱- صادق راغی از ملایر ۲- عزیزالله رجب پورا زنهاوند ۳- کتاب موسیوند از توپسرکان.

پروژن: ۱- حسین روزبهانی از زنهاوند ۲- بداعی از همدان ۳- محمد رضا ابراهیمی از توپسرکان.

سیک وزن: ۱- غلامحسین ملکی از ملایر ۲- عباس طباطباز از همدان.

میان وزن: ۱- ذبیح الله فریادرس از نه- ساوند ۲- حسین حصیری از نهاوند ۳- سهراب ترکمان از توپسرکان.

نیم سنگین: ۱- مجتبی ابوالفتحی از نهاوند ۲- علی توپچی از همدان ۳- محسن الوندی از ملایر.

سنگین وزن: ۱- محسن غفوری از همدان (بدون حریف).

رده بندی تیمی: ۱- همدان ۲- نهاوند ۳- توپسرکان.

کشتی آزاد

۴۸ کیلو: ۱- محمود شافعی از ملایر. **۵۲ کیلو:** ۱- قاسم مهور از ملایر.

۵۷ کیلو: ۱- حبیب هاشمی از همدان.

۶۲ کیلو: ۱- حسین حاج ابراهیمی از ملایر.

۶۸ کیلو: ۱- سهراب غلامی از توپسرکان **۷۴ کیلو:** ۱- حمید رضالندی از ملایر.

۸۲ کیلو: ۱- علی محمد علمداری از ملایر. **۹۰ کیلو:** ۱- سهراب بهرام جوینی از ملایر.

رده بندی تیمی: ۱- ملایر ۲- توپسرکان ۳- همدان.

کشتی فرنگی

۴۸ کیلو: ۱- مهدی زرگان از همدان. **۵۲ کیلو:** محمد ترابی از توپسرکان.

۵۷ کیلو: ۱- صفرقلی بصیری از توپسرکان **۶۲ کیلو:** کیورث ترکمان از همدان.

۷۸ کیلو: ۱- محمد سادوسی از همدان. **۷۴ کیلو:** ۱- سعید رضا زارع از همدان.

۸۲ کیلو: ۱- حق رضاموسیوند از نهاوند. **رده بندی تیمی:** ۱- همدان ۲- توپسرکان ۳- ملایر.

مگس وزن: ۱- هاشم مقدم پناه از همدان ۲- حسین موسیوند از توپسرکان.

همدان ۲- محمد دلچبانی از ملایر ۳- اسماعیل نوری از همدان.

۳۰۰ متر: ۱- حسن حسینی از همدان ۲- محمد دلچبانی از ملایر ۳- احد نظری و فریدون نادر فر از همدان (مشترکاً).

۱۰۰ x ۴ متر: ۱- تیم همدان متشکل از: حسن حسینی، عباس حمیدزاده، عباس مزین و حمید رضا زارع ۲- نهاوند ۳- ملایر.

پرتاب وزنه: ۱- حمید رضا زارع از همدان ۲- رحیم ملکی از نهاوند ۳- محمد یوسفی از همدان.

پرتاب دیسک: ۱- محمد یوسفی از همدان ۲- حجت ثبوتی ۳- رضا شکری پور از همدان.

پرتاب نیزه: ۱- کاظم برناتی از همدان ۲- رضا شکری پور از همدان ۳- رحیم ملکی از نهاوند.

پرش ارتفاع: ۱- کاظم برناتی از همدان ۲- ماشالله شهبازی از نهاوند ۳- علی کاویانی از همدان.

برش طول: ۱- عباس حمید زاده از همدان ۲- علی کاویانی از همدان ۳- احمد رستایی از نهاوند.

رده بندی تیمی: ۱- همدان ۲- ملایر ۳- نهاوند.

*** تنیس روی میز دختران:** ۱- همدان ۲- ملایر ۳- نهاوند.

*** تنیس روی میز پسران:** ۱- همدان متشکل از: محبت صالحی، عباس فراغیان، رابلی و جمالی.

*** ژیمناستیک دختران:** ۱- همدان بدون حریف.

*** ژیمناستیک پسران:** در این رشته تنها تیم های همدان و توپسرکان شرکت داشتند و در پایان حسین فرارکردی و محسن فرج اللهی و حمید پرویز از همدان به ترتیب اول تا سوم شدند.

*** دوچرخه سواری:** ۱- همدان متشکل از: مجید باور، محسن قللی زاده و امیر محمدی. مربی: محمد پیهری.

وزنه و دار:

مگس وزن: ۱- هاشم مقدم پناه از همدان ۲- حسین موسیوند از توپسرکان.



قهرمانان دوومیدانی مدارس همدان



تیم فوتبال نهاوند قهرمان مدارس همدان.



از: د-اسداللهی

ایران آسیائی است ولی فوتبال در اروپاست

برزیل چه میکند

من نمی گویم چون ایران قهرمان آسیا شده است باید از آسیا بیرون رود. کما اینکه برزیل چون سه بار قهرمان جهان شده از جهان بیرون رفته است. مثال همین برزیل بیشتر روشنتر است. برزیل پیش از هر دو جام جهانی نه تنها از جهان بیرون نمرود بلکه به عکس در دون همین جهان تجربه آموزی میکند.

برزیل کوشش های خود را برای حرکت بسوی جام جهانی در سه زمینه ابراز می کند. اول زمینه داخلی، دوم زمینه آمریکای جنوبی و سوم زمینه اروپائی و گاهی به این زمینه اروپائی، شمال افریقا را هم اضافه می کند.

کوشش های برزیل بدین نحو است که نخست بین ۷۰ نفر را برمیگزینند اینانرا به اردوی برودر دو هفت شکل میدهد. هیتی که مربوط به رود فزانیروشال و غرب است و هیتی که مربوط به ساوپولو، ریوگرانددوسول و جنوب است این دو هیت ۴ تیم می سازند و بصورت رفت و برگشت در ریوسا نپولو پیدار میکنند. حاصل این دیدارها سه تیم میشود کسه یکی بزرگ است دومی امید و سومی جوانان.

این سه تیم تمرین میکنند و چون آماده شدند جوانان بمسابقات دور برزیل میروند. اسیدها به ایدارهای دور آمریکای جنوبی میروند و بزرگان به اروپا روی می آورند و این بزرگانی که قهرمان جهان میشوند بزرگترین فصل اردوی تدارکاتی خود را در اروپا برگزار میکنند و هرگز قصد خروج از آمریکای جنوبی یا جهان را ندارند.

سخن برسر این نیست که ما از آسیا بیرون رویم بلکه سخن برسر این است که ما از آسیا چه می آموزیم؟

اگر کویت، چین، اسرائیل، کره های شمالی و جنوبی، استرالیا پاسوریه ویا بقیه برای ما درس آور میشوند دلیل آن نیست که ما همین آسیا را دوستی بچسبیم و اروپا پیش کشمان باشد. بلکه این ترس ما دلیل سردرگمی ماوند داشتن یک روال درست در کار تیمی ملی باشد که ما را درجا و در حال توقف و ایست رفت نگاه میدارد و چنان میکند که ما را در یک جام ملتهای کم تعداد در خانه خود متزلزل میسازد و یوقت اضافی میکشد و آنگاه در فینال کویتی یا یک شربه آزاد، پیروزفراری میسازد و در چنین شکلی و شرایطی باید ما برترسیم و آسیا را دوستی بچسبیم و اگر هم صاحب یک استراتژی بودیم ممکن بود قهرمان نشویم ولی مسلماً جلو می رفتیم.

در هر نوع استراتژی- که برای آینده طرح کنیم- اگر اصول اعتقادی به استراتژی و بنیاد درازمدت داشته باشیم ورود به فوتبال اروپا سهم بزرگ و اساسی را خواهد داشت چه آنکه برای برزیل قهرمان جهان هم همین سهم را دارد.

ورود به آسیا بدان معنی نیست که ما از کفندراسیون آسیا بیرون رویم بلکه ورود به اروپا همان معنی را میدهد که ژان پیش از المپیک مکزیکو بکار بست یا چین در حال حاضر انجام میدهد. یا اسرائیل و استرالیا از سالها قبل عمل کرده اند. و بر سه سالها پیش از قهرمانی آسیا چنان کرده بود بدون آنکه هیچک از اینان از آسیا بیرون روند بلکه به عکس دوستی به آسیا چسبیده و برای یافتن مکان امن تر تلاش میکنند.

ورود به فوتبال اروپا یعنی غوطه خوردن در دنیای این فوتبال و بهره گیری از متد شناسی و فن شناسی، تعلیم و تربیت و روانشناسی آنان و مسائلی دیگر در این زمینه که لزوم فوتبال بدون توجیه به آنها ساختن معنی می باشد.

من نگفتم که از کفندراسیون آسیا جدا شویم و وارد اتحادیه فوتبال اروپا شویم چون میدانم که این با بضاعت فوتبال ما هم ممکن نیست چه رسد به اینکه مورد بحث اتحادیه فوتبال اروپا درآید.

به پندار من ورود به فوتبال اروپا یعنی شناسایی این محتوای فنون این فوتبال و در صورت داشتن ما به بهره گیری از آن به سود ساختن یک فوتبال با رنگ و بوی ایرانی ولی با سلاح فرهنگی و فنی اروپائی این با جدائی از کفندراسیون آسیا و داخل شدن به اتحادیه فوتبال اروپا فرق می کند.

ادامه دارد

بهیچ وجه در طول زندگی فوتبال نویسی با کسی لجبازی نکرده و هرگز نگفته و مدعی نبوده ام آنچه را که می نویسم و می گویم قانون است و بدون چون و چرا قابل اجرا و مدعی نیستم که چیزی میدانم و کسی بهتر از من نمیداند. اگر چیزی میگویم یک عقیده قابل بحث است و مسلماً به مطالعه ای بسنگی دارد.

پیش از جام ملتهای آسیا که ایران برای سومین بار فاتح آن شد و هنگامیکه برنامه مسابقات متزلزل بود و شرکت کنندگان بیکان فرا میرفتند و حتی پیش از آن در جام بین المللی والا حضرت هما یون و لاتیمهد نوشته بودم «ما فاتح تمام میدانهای آسیائی شده ایم و اگر هم گاهی بهنگام قهرمانی شریک داشته ایم بهرحال دیگر آسیا چیزی بما نمی آوزد و بهتر است برای پیشرفت روسوی اروپا آوزیم.

این عقیده مورد بحث قرار گرفت و دیگر رسانه های گروهی نیز در این زمینه گفتگو کرده عقایدی ابراز داشتند ولی- آنچه را که نوشته بودم و سجد بودم با خوب و آشکار نوشته بودم با دیگران دقیق نخوانده اند و یا هر کس سلیقه خود تعبیر کرده است و چنان شده است که بازهای از مسئولین پنداشته اند من میگویم باید از آسیا جدا شد و یکسره به اروپا پوست، بهمین خاطر است که کسی میگوید «ما آسیائی هستیم همین آسیا را بچسبیم اروپا پیش کشمان» یا میگوید «مگر آلمان که قهرمان جهان شد حالا باید از دنیا بیرون رود؟» یا «برزیل چنین کند؟» که ما چون قهرمان آسیا شده ایم باید از آسیا بیرون رفته به اروپا بپیویم؟

و دیگری میگوید «مگر ترکیه چه کرده است با اسرائیل با این همه کوشش نتوانسته وارد اتحادیه اروپا شود. پس ما هم نمی توانیم و در مجموع محقق میشوند که ما آسیائی هستیم و باید در آسیا بمانیم ولی برای اینکه از اروپا دور نمانیم در تورنمنت های نیوموانان شرکت میکنیم.

چون من هرگز با سخگو نبوده ام و حتی به بدترین اتهامات و ناسزاها هیچگاه پاسخ نداده ام این بار هم پاسخی نمی گویم ولی از آنجا که معتقدم بندارم در زمینه حرکت بسوی فوتبال اروپا به سود پیشرفت فوتبال ما می باشد و این جنبه شخصی ندارد، بدون آنکه بغوا هم پاسخ گفته باشم به شرح عقاید خود می پردازم تا دستکم آنچه را که می پندارم بهمان نحو دیگران مطالعه کنند و با اصول عقایدم در این زمینه آشنا شوند.

حرکت بسوی فوتبال اروپا بدین معنی نیست که از آسیا جدا شویم. چه در این صورت ما از فوتبال بدور خواهیم افتاد. تجربه استرالیا برای درک این مسئله کافی است. استرالیا با جدائی از فوتبال پیرامون خویش مسجور بود و با وجود آنکه بطور منظم با تیم های اروپائی دیدار داشت راه بسجائی نمی برد تا اینکه با مساجت و بلطف سرلسانلی راس وارد منطقه بندی آسیائی شد و از همین راه بجام جهانی راه یافت و نامور گردید. و سپس کوشید تا وارد کفندراسیون فوتبال آسیا شود ولی این کفندراسیون استرالیا را که می توانست یک عضو جدی و وفادار و مؤثر باشد نپذیرفت و در عوض کشورهایی را حفظ کرد که نام و نشانی در فوتبال ندارند و اینچنان مسئولیتی برای شرکت در مراسم آسیائی یا بین المللی احساس نمی کنند و اگر هم احساس کنند کارشان فقط جنبه تشریفاتی دارد.

اسرائیل چه میکند

بسکتبال اسرائیل در اروپاست و فوتبال هم علیرغم بازهای از نظرات ممکن است بتواند اروپائی شود ولی معلوم نیست که خود اسرائیل چنین تمایلی را بطور جدی داشته باشد. اگر دین این زمینه بظا هر کوششی کرده است برای جلب توجه فیفا بوده که فیفا بداند چه ظلی به یک عضویش شده است و حمایتش را دریغ ندارد. کما اینکه فیفا با مساجت اسرائیل را آسیائی میدانم و تصمیحات کنگره تهران، نمی پذیرد و در گروه بندی های خویش اسرائیل را آسیائی میدانم و در گروه های آسیا وارد میسازد و همین نظر را نیز در مورد استرالیا دارد برای اسرائیل برعکس آنچه پارامی می پندارند فرار از آسیا مطرح نیست بلکه قبول شدن خود به آسیا مطرح است.

از شهرتانا چه خبر؟



فوتبال جوانان گرمسار به نتیجه رسید

محمد قنبری (مربی)، کمال طاهری، منصور نظاسی فرد، جمشید عبادی، محمود رحیم‌شاد، هوشنگ عبادی و اکبر نبی. نشسته از چپ: عبدالله شفیعی (کاپیتان) علیرضا شامصیتی، مجتبی صادقی، محمد رضا مجاور و کاظم ثامن. علیرضا طاهری، غلامعلی جمالی، حجت‌الیزاده، جمشید کاظمی و کامران سعیدی در عکس غایبند.

گرمسار — دیدارهای فوتبال جوانان گرمسار جام والا حضرت ولایت‌مهد با پیروزی تیم تاج به پایان رسید.

در مسابقه نهایی این دیدارها که بگونه دوره‌ی برگزار شد، تیم تاج از سد تیم پیام گذشت و عنوان قهرمانی را بدست آورد. بازیکنان تیم تاج استاده از چپ:



بیکان بر هدف نشست

شاهین، رستاخیز و گل‌بازان با ترتیب دوم تا چهارم شدند.

حال با پایان گرفتن مسابقات فوتبال جوانان کرمان و با توجه به انجام پنجمین دوره مسابقات فوتبال جوانان ایران در کرمان جای دارد که هیأت فوتبال این استان از هم اکنون به فکر تشکیل تیم منتخب و برگزاری اردوی تدارکاتی برای جوانان خود باشد.

بازیکنان تیم بیکان: جلال ایران‌منش، علی عالمزاده، بهروز قادرپناه، مهدی صابری-مقدم، حمیدامیری، علی رحیمی‌نیا، امام‌الله لشکری، محمود نجفی‌زاده، ناصر امیری، علی تجرد، نادر هروی، محمود نیکطبع، حسن سرزبانی و نعمت‌الله ابراهیمی.

کرمان: حسین جعفری

کرمان — فوتبال جوانان کرمانی برای دستیابی به عنوان قهرمانی مسابقه‌های جام والا حضرت ولایت‌مهد به یکبارچهار مسابقه خود خاتمه دادند و در پایان تیم بیکان سیم اول شد.

در این دوره از مسابقات هم تیمی مجدداً بطور داشتند که دیدارهای مقدماتی خود را در ۱۲ گروه به گونه دوره‌ی برگزار کردند و آنگاه قهرمانان هر گروه در مرحله یعنی دیدارهای خود را در چهار گروه سه تیمی مجدداً بطور دوره‌ی انجام دادند که در نتیجه تیم‌های بیکان سیم، گل‌بازان، رستاخیز و شاهین به نیمه‌نهایی راه یافتند و در اینجا در یک گروه بازی با دیگر تیم‌های مسابقه دادند که از این میان تیم بیکان با سه پیروزی یک بر صفر برابر حریفان صاحب عنوان قهرمانی شد و تیم‌های

در کشتی نوجوانان گیلان:

لاهیجانی ها عنوان قهرمانی را بخود اختصاص دادند

لاهیجان — مسابقات فوتبال جوانان کشتی آزاد نوجوانان گیلان، (جام بهلولی) طی دو شب مسابقه در تالار ورزشی محمد رضا شاه بهلولی لاهیجان برگزار شد و در پایان تیم میزبان به عنوان قهرمانی رسید.

در این مسابقه ها ۷ کشتی‌گیر از هشت تیم به رقابت پرداختند و در پایان نتایج زیر بدست آمد:

۲۳ کیلو: ۱- اصغر بازاریار رودبار
۱- اکبر امینی از لاهیجان ۳- بهزاد حق شنواری زشت.

۲۶ کیلو: ۱- محمد جالشی از لاهیجان ۲- نصرت کریمی از رودبار ۳- جاذب پرست از زشت.

۲۹ کیلو: ۱- مرتضی دوستار از زشت ۲- کیومرث هادی پور از لاهیجان ۳- مهدی نشاط از رودبار.

۳۲ کیلو: ۱- حسن بنیادی از لاهیجان ۲- علیرضا هیزمی از بندر بهلولی ۳- پرویز روحی از رودبار.

۳۵ کیلو: ۱- محمود حدیدی از لاهیجان ۲- کریم خالقی از رودبار ۳- محمدعلی عزیزان از زشت.

۳۸ کیلو: ۱- مهدی جهان بین از بندر بهلولی ۲- مهدی ایزد فر از رودبار ۳- هادی نشاط از رودبار.

لاهیجان ۲- بهزاد قیطازی از بندر بهلولی ۳- ایرج قوامی پور از لاهیجان.

۷۵ کیلو: ۱- بیژن بی آزار از لاهیجان ۲- عسگر نیک مانده از بندر بهلولی.

۷۵ + کیلو: ۱- رحیم مؤذن از بندر بهلولی ۲- عبدالله مهدی‌نیا از رودبار.

رده بندی تیمی: ۱- لاهیجان ۲- رودبار ۳- بندر بهلولی.

داوری این مسابقه ها را ابوالحسن قنبر نژاد، منوچهر ونوقی، صابر کازی، محمد حسین علیدوست، یحیی مژده بر، شاپور بهبودی، غفور خوش‌کردار، ایوب عیسی زاده، و اسماعیل خوش سیرت.

لاهیجان: هوشنگ جهانگیری



بکتبال راه آهن مشمد از هم میپاشد؟

بیشتری معطوف شود مسلم بدانید در مسابقه های آینده حرف های زیادی برای گفتن خواهیم داشت.

شفا اضافه کرد: «فدراسیون بسکتبال ایران واقعاً برنامه های خوبی تنظیم کرده و در فرصت کوتاهی کارهای زیادی کرده است که تاکنون بی سابقه بوده. در این فدراسیون دیگر از تبعیضات گذشته خبری نیست. کما اینکه با وجود خارج شدن تیم راه آهن مشهد از مسابقه های جام ولایت دیدیم که فدراسیون بدون هیچ حب و بغضی سرا به عضویت تیم ملی برگزید.

با وجود چنین میدان وسیعی چه بهتر که شهرستانی ها از فرصت استفاده کرده و برای تعمیم این رشته فعالیت نمایند. من صمیمانه آرزو دارم که شاهد همبستگی کامل بازیکنان راه آهن باشم تا بتوانیم در این راه موفق شویم.»

علیرضا زهی در تأیید گفته‌های شفا اضافه کرد: «راه آهن ایران دارای سه تیم بسکتبال سرتاسری ایران است که در میان این ها تیم فوتبال راه آهن در دست دوم باشگاه‌ها سردرگم است و دو تیم دیگرش یعنی الویال و بسکتبال نیز در مشهد هستند اما جای تأسف است که سی‌بیم در حالیکه به ورزشکاران تهرانی حقوق‌های گزافی داده میشود بسکتبالیست‌ها از تمام مزایا محروم هستند و نتیجه این شده که عده‌ی از بهترین یاران ما راه جدائی در پیش گرفته‌اند. البته این عده انتظاراتی در حد ورزشکاران تهرانی ندارند. این‌ها حتی به دریافت مبلغی جزئی در حد هزینه ایاب و ذهاب قانع هستند. اما سی‌بیم که مسئول امر از قبول این تقاضای شروع و بسیار اندک خودداری می‌کنند و در مقابل می‌شوند و در جریان می‌خوانیم که باشگاه‌های تهرانی برای تصاحب تیم‌ها و دوگانگی در روحیه ما اثر کرده و ایجاد عقده می‌کند. مگر تفاوت آن‌ها با ما چقدر است؟

مشهد: منوچهر تقافی

«در حالیکه باشگاه‌های تهرانی بازیکنان خوب را با حقوق‌های گزاف به خدمت می‌گیرند، تربیت بدنی راه آهن نسبت به بسکتبالیست‌هایش بی‌اعتنا است» این کلمات را مسعود شفا عضو تیم ملی بسکتبال ایران و علیرضا زهی بازیکنان تیم راه آهن مشهد در گفتگویی کوتاه با منوچهر تقافی خبرنگار ما در مشهد عنوان کردند. مسعود شفا با اشاره به وضع بسکتبال ایران و تحرکی که در سایه تلاش فدراسیون در این رشته پدید آمده است گفت: «این روزها بسکتبال از جمله رشته ورزشی‌های پرطرفدار شده است و در سایه فعالیت آینده‌نگری فدراسیون شاهد هستیم که بسکتبال تاجه حداهمیت پیدا کرده و تیم‌های تهرانی چگونه به تشکیل و تقویت تیم‌های خود توجه دارند.

در مشهد ما به خاطر علاقه و تعصبی که داریم از سال‌ها پیش تیم بسکتبال راه آهن را تشکیل دادیم و تاکنون هم ما این تیم صاحب عنوان قهرمانی این شهر شده‌ایم و در مسابقه‌های قهرمانی باشگاه‌های ایران (جام والا حضرت ولایت‌مهد) نیز به عنوان نماینده بسکتبال مشهد شرکت داشتیم و بازی‌های خوبی ارائه دادیم که از آن جمله پیروزی بر پرسپولیس گرگان در مشهد بود. اما در اواسط بازی‌ها به علت عدم حضور چند بازیکن خوب، تیم راه آهن سیر نزولی در پیش گرفت و با وقایعی که پیش آمد از دور مسابقه‌ها خارج شدیم و اینک مسائل جزئی مادی بزرگترین خطر را برای ما پیش آورده است زیرا چند تن از بهترین بازیکنان راه آهن — که از بی توجهی تربیت بدنی این سازمان گله‌مند هستند — استعفا داده‌اند البته اگر این جدائی منجر به تشکیل تیم دیگری گردد و از این امر فکاتی ایجاد شود نسود بسکتبال مشهد خواهد بود. اما از جانب دیگر از دست دادن بازیکنانی که سال‌ها با صمیمیت زایدی با هم کاری کردیم موجب تأسف است و اگر ترتیبی داده شود که خواست‌های ناچیز این عده تأمین شود و اگر توجه

۴۴ کیلو: احمد نخجوان از بندر بهلولی ۲- حسین حسینی از آستارا ۳- تقی مقدم از رودبار.

۴۶ کیلو: ۱- حسن میرموسوی از لاهیجان ۲- احمد ایزدفر از رودبار ۳- غلامحسین جعفری از رودبار.

۵۰ کیلو: ۱- احمد حدیدی از لاهیجان ۲- محمود تقوا از رودبار ۳- محمد رضا رحیمی از لنگرود.

۵۵ کیلو: ۱- میر منصور حسینی از لاهیجان ۲- مهدی شوقی از فومن ۳- بهمن بوستان از زنگرود.

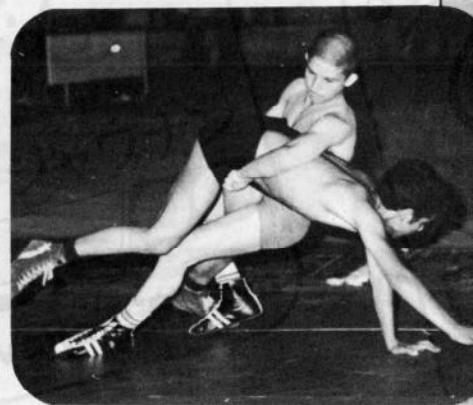
۶۰ کیلو: ۱- بهزاد سیف‌خانی از بندر بهلولی ۲- ناصر حسن پور از رودبار ۳- رحیم ملکی از لاهیجان.

۶۵ کیلو: ۱- علی نوروزی از



در کشتی شهرستان های استان مرکزی:

۱۴ نوجوان رقابتی پر شور داشتند



تیم کشتی آزاد نوجوانان قزوین قهرمان استان مرکز نشسته از راست: سعید عباسی، محمود حیدری، محمدعلی صاست، محمدشهدی آقاسی، محمدفیض الله زاده، محمدعلی حفاری وحسن نلی. ایستاده از راست: احمدمقدم (مربی)، موسی میر کریمی، اصغر ابراهیمی، کریم مؤینتی (سرپرست)، اصغر آخوندی، احمد خلخالی، برزو طاهرخانی و یوسف طاهرخانی (کمکمربی).

۲- علیرضا نوشین از قم - مهدی عرب از محلات.
۷۵+ کیلو: ۱- باقر گلایی از ری - غلامحسین سعیدی از کرج - رضا شریفزاده از قم.
قزوین: عباس خردمند

۴ کیلو: ۱- سعید بخشنده از اراک - فرهاد ستوده از کرج - رضا کریمی از ری.
۶ کیلو: ۱- محمدشهدی آقاسی از قزوین - ابراهیم مظفرخانلو از کرج - محمود پارسا از شمیران.
۵ کیلو: ۱- حسین قربانی از قم - علی اصغر ابراهیمی از قزوین - بابک ایزدیاری از کرج.
۵ کیلو: ۱- احمد یاری کلوانی از کرج - رضا سلمانی پور از کاشان - نوعلی آخوندی از قزوین.
۶ کیلو: ۱- حجت الله اوشانی از شمیران - علی حسین سلیمانی از ری - سیامک تاج بهراز از کرج.
۵ کیلو: ۱- سعید ایتانلو از ری - بهروز طاهرخانی از قزوین - عباس سبزه پور از کرج.
۷ کیلو: ۱- محمد اسکندری از شمیران

تنایج مسابقه ها
۲۳ کیلو: ۱- حسین امیری فری از کرج - احمد باقرمش از قم - عباس حق پرست از کاشان.
۲۶ کیلو: ۱- محمود حیدری از قزوین - مهدی امیری از محلات - ناصر نبانی از کرج.
۲۹ کیلو: ۱- محمدفیض الله زاده از قزوین - امین الله عابدی از محلات - محمد علیخانی از اراک.
۴۴ کیلو: ۱- محمدعلی حفاری از قزوین - مجتبی صفدری از قم - رمضان کنی از ورامین.
۴۵ کیلو: ۱- قاسم گرجی از ری - حسن نبیلی از قزوین - ناصر عبدالحسینی از قم.
۴۸ کیلو: ۱- ابوالقاسم کوشار از ری - شمس الدین موسوی از شمیران - قربانعلی بذرافشان از ورامین.

محمدشهدی آقاسی قهرمان ۶ کیلو کشور که در مسابقه های انتخابی استان مرکزی در روز ۲۶ کیلو شرکت کرده بود اول شد. او در حال اجرای فن کنده دیده می شود.
قزوین - رقابت نوجوانان کشتی گیر استان مرکزی طی مسابقات مسابقه و شش دوره در قزوین خاتمه یافت و تیم میزبان با پنجاه امتیاز اول شد.
در این مسابقات ۱۱ کشتی گیر از شهر های اراک، کرج، قم، کاشان، ورامین، ری، شمیران، محلات، ساوه، گرمسار و قزوین شرکت داشتند و دیدارهایی پر شور برگزار کردند. در خلال مسابقاتها نبودن پزشکی و آمبولانس، گرمی تالا مسابقه و عدم تدارک لازم برای استراحت ورزشکاران از جمله مسایلی بود که کمترین توجهی به آنها نشده بود.

مدارس بخش های استان مرکزی مسابقه دادند



شهریار کرج - مسابقه های قهرمانی دانش آموزان بخش های تابعه استان مرکزی که در بخش شهریار کرج آغاز شده بود بدون شرکت دختران خاتمه یافت.
نتایج مسابقه ها

پرش طول: ۱- خلیل تاجیک از شهریار ۲- پتی کرشایی از طالقان ۳- بهمن شعاعی از تاکستان.
پرش ارتفاع: ۱- بهمن خداپندهلواز ساوجبلاغ ۲- جلیل تاجیک از شهریار ۳- داود کاظمی از آران بیدگل.
۸۰ متر: ۱- محمد اسماعیل طاهرخانی از تاکستان ۲- خیراله آران دشتی از آران ۳- علی اکبر تات از شهریار.
۸۰x۸۰ متر: ۱- تیم شهریار ۲- تاکستان ۳- شازند.
۱۰۰۰ متر: ۱- علی اوسطجبری از شهریار ۲- حسن مرادی از شازند ۳- علیرضا طاهرخانی از تاکستان.
پرتاب وزنه: ۱- رضا ارجینی از تاکستان ۲- حسن بیگلرلو از شهریار ۳- بهمن خداپندهلواز ساوجبلاغ.
رده بندی تیمی دو میدانی: ۱- شازند اراک ۲- ساوجبلاغ ۳- فیروزکوه.
شطرنج انفرادی: ۱- طاهرخانی از

دانش آموزان آملی دویدند

آمل - دانش آموزان مدارس راهنمایی آمل در سه رشته دویدند و در پایان نتایج زیر بدست آمد:
۵ متر پسران: ۱- صفرقلی زاده - ۲- حسن زمانی - ۳- پرویز ادیبی.
۵ متر پسران: ۱- نوچه تورکلی - ۲- عبدالله فرسویان - ۳- علیرضا عباسی.
۷ متر پسران: ۱- حسین کرد - ۲- علی اصغر اسماعیلی - ۳- علیرضا احسانی.
۵ متر دختران: ۱- معصومه قلی - ۲- شهناز حاج آقا نسب - ۳- جمیله خدا دادی.
۶ متر دختران: ۱- آذر آمانی - ۲- فرشته ذبیحی - ۳- فاطمه سلطان آبادی.
۷ متر دختران: ۱- زهرا احمدی - ۲- وحیبه شهیدی فر - ۳- فاطمه فضل اله - ۴- نژاد.
* آبادان - طی یک دیدار دوستانه و بیابال در آبادان تیم ملوان خرمشهر تیم تاج آبادان را دو بر صفر (۱۵ بر ۷ بر ۱۲) شکست داد.
بازیکمان ملوان: محمدباقر نواتوشی، پیساک خجکی، منصور واحدی، هادی - ابری زاده، فریلون فرخی، ایرج صفریان، همایون واقف، حسن منصور آبادی، کاظم موشکاف و امیرمالکی.

تیم فوتبال مدارس راهنمایی تحصیلی شهریار قهرمان بخش های استان مرکز شازند.
تیمس روی میز: ۱- نادر مقدسی از شازند ۲- فتح الله همدانی از ساوجبلاغ ۳- ابراهیم نصیری از شازند.
شهریار: محمود پادگان
تاکستان ۲ - گودرز ناصر زارع از ساوجبلاغ ۳- همایون نادری نیا از شازند.
فوتبال: ۱- شهریار ۲- تاکستان ۳- شازند.
والیبال: ۱- شهریار ۲- تاکستان ۳-

از سرداران فرانسوی شاگردانی مطیع ساختم

اوجواب داده بود، این بمن مربوط نیست این وظیفه انتخاب کننده است. پیش از مسابقه با او گفتم: بازی کن، بسانی که در باشگاه خود بازی می کنی. من به این فکر نیستم که تو را تغییر دهم. این شخصیت توست که تیم ملی فرانسه به آن نیازمند است. با این وجود سعی کن زهی به کمان خود بندی. در باشگاه خود «آنرژ» توپا دو هافبک سروکار داری ولی این جاسه هافبک بازی می کند. تومی توانی بدون اندیشه حمله کنی. زیرا یکی از این جای خالی تو را پر خواهد کرد. اما اگر یکی از یاران حمله کرد تو به پر کردن مکان خالی او فکر کن.

گوئیو این زبان فوتبال را کاملاً فهمید و در میدان چنان رفتار کرد که همه در شگفت نهاد او از روی کمال هوشیاری دفاع کرد. با حسن عالی جاگیری همراه با جسارت مثال زدنی دیدار را با موفقیت پایان برد ولی درخشان نبود و این بیشتر مرا راضی می کرد زیرا او می دانست که بهتر از این هم می تواند بازی کند و همین موجب تحریک و ادامه اشتهاش برای درخشش های بعدی بود.

من همیشه سعی کرده ام برای یک تازه وارد به تیم ملی شرایط مناسب و وظیفه تقریباً شان فراهم کنم زیرا یک شکست در نخستین قدم سرنوشت یک بازیکن را تغییر می دهد.

پیشنهاد آژاکس آستر دام

از روزیکه آژاکس جدا شده بودم همواره آرزو میکردم دیداری با آژاکس داشته باشم بدین روی فرصت را مناسب دیمه خواستم تیم ملی فرانسه را که بره افتاده بود با آژاکس آزمایش کنم.

پیش از مسابقه شرح کامل بازی آژاکس را برای فرانسویان گفتم و خاطر نشان ساختم که آژاکس از لحاظ بازی دستجمعی و سرعت حرکات و آگاهی از بازی جلوتر است ولی همیشه بازی در برابر قوی تر است که می آموزد. زجر کشیدن، در تنگنا گرفتار شدن، راه نجات یافتن و مقابله با حریف بزرگ تیم را آیدینه میکند. بویژه اگر تیم کوچکتر بهوش باشد تا بتواند از کوچکترین ضعف حریف بزرگ استفاده کرده به پیروزی برسد.

آتش پارک دورینس با شکوه بود و من دو تیمی را که دوست میداشتم روبروی هم میدیدم فرانسویان که در تسلیم میشوند در برابر آژاکس بسیار کوشیدند. آژاکس با وجود از دست دادن کروئف هنوز همان آژاکس خوب بود خوب دلاوری میکرد سرا تمام مسابقه یک بر صفر بسود تیم فرانسه شد که این برای من بسیار مهم بود گرچه روزنامه ها در این دیدار هم بسیار جدی بوده و اهمیتی به این پیروزی ندادند و برخی بشدت انتقاد نمودند ولی من سراضایت بودم.

شب هنگام در میهمانی بعد از دیدار رئیس باشگاه آژاکس آقای وان پراک رویه رئیس فدراسیون فوتبال فرانسه کرده و گفتم: آیا حاضرین در این مسابقه را به یاد آورده اند؟

پیش از آنکه رئیس فدراسیون فوتبال فرانسه پاسخ گوید من گفتم خیر یا در فرانسه میمانم یا مستقیماً به رومانی میروم.

دیدار در پراگ

از زمان رهبری تیم ملی فرانسه تا دیدار پراگ این برای اولین بار بود که تیم ملی فرانسه را بدون نم از آسیب دیدگی انتخاب میکردم چه تمام عوامل مورد لزوم سالم بودند این دیدار سه روز بعد از دیدار با آژاکس بود و من میدانستم که به پراگ میرویم تا یکی از بزرگترین تیم های اروپا یا جهان را

خوبی حرفهای دیگر زد و برای اولین بار دیدم که بازیکنان فرانسوی از سرداری دست شسته و شاکرد شده اند. هر کدام دخترچه و قلمی بلست گرفته و هر چه را جانب و یادگرفتی تشخیص میدهند یادداشت میکنند معتمد که هر یک از آنان در پایان این اردو نکات آموزنده و جالبی را یادداشت کردند و همراه بردند. شاگرد ساختن سرداران یکی از بزرگترین خدمات من به فوتبال فرانسه بوده است.

استادی نام کور کوویچ

ایوان کور کوویچ دروازه بان بوگسلاوی تیم سنت اتین است. یک سرد نار دیده و با تجربه نه فوتبال را از دورا معلمی و عملی تعقیب کرده است. او را در میان شگفتی همگان به اردوی تیم ملی فرانسه دعوت نمودم و خواهش کردم تا از تخصصش برای بازیکنان سخن گوید و سپس در روزی زمین بازی نشان دهم که دروازه بانان چگونه باید تمرین کنند و خود را برای مسابقه آماده نمایند.

کور کوویچ یک بازیکن جدی و بسیار علاقمند است. هوشیار و جسی که همکاریش با ارباب هرین درست اتین جالب توجه و تمرینش می باشد.

او در روزی زمین مسابقه نمایشی جالب از حرکات مختلف دروازه بان برپا کرد و نشان داد که چگونه دروازه بان باید از دروازه بیرون رود. او تغییر مکان و جایگیری را بنحوی شایسته ای بنمایش نهاد. نقش دروازه بان را در فرماندهی و دوباره چیران نهادن بازی نشان داد. او تعلیم داد که از چه راهی باید مویجی را که بسوی دروازه سرازیر شده باز گردانید و ثابت کرد که باید توپ را از سستی که رسیده گرفت و بسمت دیگری که فضای آزاد وجود دارد فرستاد.

او بخواهی نشان داد که ایفای نقش دروازه بانان قوانین بی شماری دارد که نشان دهنده مانه اند.

نصیحت به یک هافبک

(در این بخش از کتاب کوواکس بیشتر به فوتبال فرانسه پرداخته است پرداختن دقیق و جزء بجزه که بیشتر جنبه خصوصی داشته زیاد بدر فوئال و آموزش بازیکنان و مربیان ما نمی خورد ولی در میان نوشته هایش نکاتی یافت می شود که گرچه نصیحت با بازیکنی را برخورد با خبرنگاران و غیره می باشد ولی می تواند عمومیست داشته و آموزنده باشد. و من در این بخش به این نکات می پردازم و با پوشش از نویسنده از بقیه در می گذرم).

بهنگام ورود به فرانسه به سرنوشت عجیبی آشنا شدم که مربوط به بازیکنی بنام «گوئیو» بود. این بازیکن ۸ سهاله عقاید فرانسویان را بدو بخش کاملاً متضاد تقسیم کرده بود. بخشی که مخالف او بودند و بخشی که موافق و مسان می خواست. با مطالعه دقیق، داوور این ماجرا باشم. مسانین بازی او در تیم ملی می گفتند تکنیک او زیاده و غیر مفید است، او نمی تواند از عملیات خود نتیجه ای بگیرد و اصولاً به کار دفاعی وارد نیست، و علاقه ای ندارد.

مواقین می گفتند او بلفظ تکنیک عالی هر دفاعی را زیر و روی کند. بلفظ دریل، تغییر مسیر، قدرت و تسلط بر توپ و روشن بینی هر سازمان دفاعی را در هم می ریزد. او را برای نخستین اردوی تیم ملی برگزیدم ولی زمان برای مطالعه و پرداختن به او که با بازیکنی سر بسته و مسایل به مخفی نگاه داشتن خود بود کافی نبود. در چهارمین اردو باز او را دعوت کردم و بهتر با او آشنا شدم و روز کار او را شناختم. شب پیش از مسابقه خبرنگاران از او سؤال کردند که آیا فردا بازی می کند و چه ترکیبی را برای بازی خود می پسندد.

تیم ملی دانمارک با هیچ است با هم مجیز و این سوبین حریف من در زمان رهبری تیم ملی فرانسه بود. دانمارک بدون بازیکنان حرفه ای اش که در باشگاه های بیگانه توپ می زدند یک فوتبال ساده است با قلب حقیقتاً آماتور که بهرحال ستوان آژاکس را رسید ولی چون حرفه ای هایش از کشورهای دیگر جمع شوند آنگاه ترس آور میشود چه تیمی میشود با قلب آماتور ولی با توانایی و کیفیت حرفه ای من پیش از این دیدار پرستی نگران بودم و علاوه بشدت سرما خورده بودم. فکر میکردم اگر دانمارک وارد پاریس شود و به همراه خود بازیکنان حرفه ای را از بلژیک، آلمان، هلند بیاورد تیمی ترس آور خواهد شد. می اندیشیدم که اگر هانس، یانسن اولسن، لند، جیچی، ونسلید و دیگران را از بایر مونیخ، مونتسن کلادباخ، هامبورگ، بروژ و فاینورد فراخواند نمی خواهد داشت که فرشته و شیطان نمی ترسد و این دشوارتر خواهد بود اگر آسیب دیده های فرانسه بحالت بازی نرسد که متأسفانه پاره ای که بهترین بودند چون تیزرولا کوسپ سلامت خود را بازیافتند.

اردوی تیم ملی بمناسبت این دیدار زجر آور بود. بازیکنان که میخواستیم، آسیب دیده بودند خودم در اثر سرما خوردگی و ۳۳ درجه تب عذاب میکشیدم و بناچار بیماری را مخفی کرده به تمرین برداختم. دیدار پارک دورینس داغ و هيجان انگیز نبود ولی بهرحال ۳ بر صفر در برابر دانمارک با حرفه ای هایش می توانست رضایت بار باشد بویژه آنکه بر عکس عادت، فرانسویان تا آخرین دقیقه برای پیروزی درخشانت تر کوشا و پرجرات بودند در پایان دیدار در سان بزرگ ورزشگاه ملاقات با خبرنگاران ترتیب یافته بودمچ آنان را ترش و روشکاف یافتیم و این در صورتی بود که مسابقه نگران کننده نبود. من نخست چند کلمه بسیار دوستانه گفتم که از گفتن بشما شدم. یکی از میان آنان گفت: بعد از این مسابقه چنگاشی را به بازیکنان تذکر میدهم؟ به او گفتم شما همه این نکات را فردا در روزنامه های خود تذکر خواهید داد. من بیمارم و نیازمند استراحت. میروم تا فردا نوشته های شما را در رختخواب بخوانم و بدانم که از میان شما، کدامین فوتبال را می فهمید و کدامین نه.

خشونتی که در این جلسه اعمال کردم بدین جهت بود که میخواستیم عدالت اجرا شده باشد. تیم فرانسه یک فوق مسابقه انجام نداده بود ولی با تمام قلب برای پیروزی کوشیده بود. بویژه کوشش فوق العاده آنان در ۱۵ دقیقه پایان تحسین انگیز بود و نمی خواستم آنها به انتقادات ناچیا روحیه و شادی بازیکنان را از بین ببرند.

این دیدار برای من یک فایده بزرگ داشت و آن این بود که بازیکنی بنام «پراکی» را علیرغم عقیده همگان برگزیدم و او در برابر «لند» فوروارد دانمارکی سرنوشتی موفقیت آمیز یافت. بهنگام خداحافظی با او گفتم. من میدانم چگونه ممکن است یک بکچپ تیم ملی فرانسه نتواند با پای چپ توپ را روی دروازه حریف فرستد؟

—او گفتم این کار چگونه ممکن میشود؟ پاسخ گفتم در مدت شش ماه کوشش در تمام جلسات تمرینی، و امروزه او یکی از متخصصان بزرگ این فن در سراسر فرانسه است.

بزرگترین خدمتی که انجام دادم

دیگر فوتبال و بازیکنان فرانسه را خوب شناخته بودم و با راحتی بیشتری می توانستم با آنان سخن گویم— و گفتم: شما باید در تمرین آنچنان خودیستد باشید که اجازه ندهید کسی از شما بهتر کار کند. و آنگاه در بازی دستجمعی چنان خودخواه باشید که اجازه ندهید کسی از شما بهتر بیشتر بازی دستجمعی و روحیه دستجمعی را نشان دهد. این اعتقاد را پیدا کنید که در فوتبال مهمترین چیز تدارک بدنی است.



فرار از دودبه اکسیژن

نشسته از راست (شناخته نشد) و سبحان روحی . ایستاده از راست : منصور برزگر، محسن فرحوشی، محمدعلی صنعتکاران، حبیب فتاحی، رمضان خدر، رضا سوخته سرایبی و علیرضا سلیمانی . ردیف پشت از راست : محمدرضا نوایی و حسن مجبی .

اعضاء تیم ملی کشتی آزاد ایران برای کسب هرچه بیشتر قدرت بدنی و استفاده از هوای آزاد، هفته گذشته در چند جلسه کوهنوردی شرکت کردند و به ارتفاعات البرز رفتند.



گفت‌وگوها

هر که به تیم خود گل بزند قبول نیست!

در یکی از مسابقات جوانان قم که بین دو تیم عقاب و صدف انجام میشد کار تازه‌ای از داور مسابقه بدیدم که حیفم آمد برای شما بنویسم.

قبل از شروع مسابقه داور اعضای دو تیم را بدور خود جمع کرد و خطاب با آنها گفت: با داناتان باشد اگر بازیکنی توپ را وارد دروازه تیم خود کند من این گل را قبول نخواهم کرد!

وی سپس اضافه کرد: اگر دلیل این کار را بخواهید بعد از پایان مسابقه بشما خواهم گفت. اما داور مورد نظر در دقیقه زودتر مسابقه را تمام کرد و رفت و دلیل قبول نکردن نوع گل زدن را هم نگفت. اگر این نظر داور قوی را قبول کنیم پس حتماً گلی که مدافع اسرائیلی در بازیهای آسیایی به تیم خود زد قبول نیست و ایران و اسرائیل باید دوباره با هم مسابقه دهند!

قم-محمدولی

دهداری نه چاق است نه مصدوم!

چاقی در او ندیدم. شاید واقف اگر کمی صریح و صادق بود و اعلام میداشت که دهداری را بخاطر اختلاف سلیقه کنار میگذازم و من از او خوشم نمی‌آید هضم مسائل آسانتر بود و دیگر احتیاجی به پریدن از این شاخه به آن شاخه نداشت و یکبار او را مصدوم و پاره پاره و جاک و تنبل معرفی نمیکرد. تاسف اینجاست که این آقا دیگر ددشتی برای همه روشده و هر روز یک نفر را به بهانه‌ای از تیم صنعت نفت خط میزند و افراد نورچشمی خود را بیدان می‌آورد و همین است که نماینده آبادان رنگ پیروزی را نمی‌بیند و مرتباً شکست می‌خورد.

آبادان-کاظم پور

چندی پیش که قضیه عدم استفاده از مسعود دهداری مدافع بزرگ تیم صنعت- نفت آبادان بالا گرفت واقف سرپرست و همه کاره‌تیم ادعا کرد که پای مسعود دهداری مصدوم و آسیب دیده است و همین دلیل او نمیتواند در تیم ما بازی کند. بعد از چندی برخوردی با واقف پیش آمد و این با روتی از او همین سؤال را کردم در جواب گفت که دهداری چاق و تنبل شده و ورزش بالا رفته است. در حالیکه در هر دو مورد پاسخ واقف صحیح نبوده و سن با رها شاهد بودم که دهداری در تمرینات با پای سالم و بدن لاغر و قلمی دنبال توپ میدود و کوچکترین نشانه‌ای از آسیب دیدگی و

جورشان را میکشیم باز بهانه میگیرند

به واقعیت‌ها بیندیشیم

بار دیگر ما در لسانه المپیک قرار گرفتیم و تیم‌هایی از کشورهای برای شرکت در این بازی‌ها راهی مونترآل خواهند شد. همیشه در چنین مواعی بحث و گفتگو بسیار بوده و در باره پیروزی یا شکست و یا رنگ‌مدال‌ها در این بازی‌ها اظهارات ضد و نقیض بوده است.

مثلاً ما سال‌ها در سطح نخست کشتی دنیا قرار داشته‌ایم و هسته تمام بحث‌ها کشتی بود و مردم ما لحظه به لحظه در تعقیب اخبار و رویدادهای کشتی بودند. به موازات کشتی وزنه برداری هم در بورس بود و نیم نگاهی به بعضی از ورزش‌های استثنایی خود داشتیم و بطور کلی در آغاز هر المپیک تمام اسما در این دو رشته خلاصه می‌شده است. اما جانب اینجاست که در المپیک مونترآل ما به فوتبال خود نیز امید بسته‌ایم و با اینکه هیچگاه در رشته‌های گروهی به اندازه سرسوزنی اقبال نداشته‌ایم اما اینک چنین می‌پنداریم که فوتبال ما در المپیک همجز نخواهد کرد در حالیکه هیچوقت برای تدارک تیم خود اصولی فکر نکرده‌ایم. آیا بهتر نیست در این زمان کوتاه بحث‌های زائد را پایان دهیم و به واقعیت‌های خود بیندیشیم.

بابل-سیدمصطفی شفیعی

چند وقت پیش با هزینه شخصی کاپی خریدم و یکموره مسابقه فوتبال با شرکت ده تیم در بخش برخواستن اصفهان برگزار کردم ولی بعلت اینکه تربیت بدنی بما داور نداد من با تفاق چندتن از دوستان داور مسابقات را انجام دادیم که در هر مسابقه جنجال و سروصدا فراوان بود. شاید اگر تربیت بدنی به اهمیت این کار مجانی و ارزش آن پی میبرد، با یکی دوداور کلاس دیده‌میداد اما مسؤولان ورزش برخواستن با شانه خالی کردن از زیر تعهد اداری خود، با این بهانه که چون مسابقات جنبه رسمی ندارد، بسه تربیت بدنی مربوط نیست پای خود را کنار کشیدند.

حالا من می‌پرسم پس چرا تربیت بدنی برخواستن مسابقات رسمی نمی‌گذارد. تاجران بخش مجبور نشوند در مسابقات غیر رسمی شرکت کنند؟ یا حتماً باید تیم‌های ملی آلمان و هلند را دعوت کنیم و جک تیلور را هم بعنوان داور از انگلیس بیاوریم تا مسابقات فوتبال ما برای تربیت بدنی جنبه رسمی پیدا کند؟

برخواستن اصفهان-حسینعلی شهیدی

صنعت نفت بیدار شو، سقوط‌ظنر دیک است!

فصل کوتاه استراحت تیمهای دسته یکم جام تخت جمشید فرصت خوبی است تا تیم صنعت نفت (نماینده فوتبال آبادان) بخود آید و با تمرینات جدی و کار سخت، خود را در شرایط بهتری قرار دهد تا بتواند در دنباله مسابقات ارزشهای تیمی خود را بیشتر نمایان سازد و از آخرین نقطه ردبینی جام تخت جمشید بالاتر بیاید. این حقیقت را نباید فراموش کرد که فوتبال آبادان بدترین لطمه را در چهارمین دوره جام تخت جمشید خورده است و نتایج بدست آمده از سوی تیم صنعت نفت آنقدر ضعیف و بد بوده است که همه آبادانهای متعصب از کوره در رفتند و همه هفته شاهد بودیم که تیم نماینده آبادان با شکست دیگری مواجه شد و غم مردم را بیشتر ساخت. بعنوان یک ورزشدوست و آبادانی متعصب عقیده دارم که عیب و نقص عمده کارما، عدم نتیجه‌گیری خط حمله و نداشتن انگیزه برای ارائه بازی خوبی است. هدف مسابقه- های فوتبال باشگاهی آبادان ضرر جبران ناپذیری به ارزشهای مستعد ما زده است و حالا که یک فصل کوتاه بوجود آمده و تیمها در استراحت بسر میبرند صنعت نفت باید از خواب بیدار شود و برای جلوگیری از سقوط تداوم بجدی اتخاذ کند.

لاستان-ناظم عسکری زاده

نگران از نیروهای تازه!

با اینکه ورزشکاران شهرستان کازرون تاکنون در مسابقاتهای مختلف استان فارس به امتیازهای قابل توجهی دست یافته‌اند و همواره استعدادهای باارزش خود را بروز داده‌اند، اما با این همه بومی‌چندانی به ورزش آن نمی‌شود و کمبودهای آن بخصوص از نظر مربی و ورزش همچنان باقی است.

جالب اینجاست که رئیس اداره تربیت بدنی کازرون فعالیت چندانی برای رفع این کمبودها نمی‌کند و با وجودیکه اعزام جوانان علاقمند به کلاس‌های مربیگری استان فارس هزینه چندانی ندارد اما از این بابت نیز دروغ می‌زود و بسه بهانه‌های مختلف علاقمندان را دلسرد می‌سازد.

به عقیده ما تنها تفسیر این کارجناب رئیس شاید این باشد که او از نیروهای نگران است و فکر می‌کند که اگر شهرستان کازرون دارای مربی کلاس دیده کافی شود دیگر کسی خط او نخواهد خواند.

کازرون-جعفر عبداللهی

انتقاد بدون راه حل!

در موقع انتخاب و اعزام تیم کشتی کرمانشاه به لیگ استان خبیلی‌ها فریاد برآوردند که این تیم‌ها برای تفریح و یک‌تیک به خارج می‌روند و فدراسیون کشتی در این مورد احساس مسؤولیت و تعهد نمی‌کند در حالیکه این آقایان یک لحظه این اندیشه را به خود راه نداده‌اند که اگر فدراسیون کشتی بودجه کافی داشت دیگر دست بدامان شهرستانی‌ها نمی‌شد و برای اعزام آن‌ها به تکاپونی افتاد. همه مسئله اینجاست که فدراسیون کشتی ما بی پول است و از طرفی چون نیاز دارد که در مسابقه‌ها بین المملی شرکت کند، لذا شهرستانی‌ها را متقاعد می‌کند که اگر هزینه سفر را تأمین کنند آن‌ها را راهی سفر خواهد ساخت و سوجبات شرکت مقابل تیم‌های میزبان را در جام کشتی آریاسهر فراهم خواهد ساخت. از این‌ها گذشته بهره و امتیاز تیم‌های شهرستانی بیشتر از عدم شرکت آن‌ها است و این مسئله موجب ایجاد تحریک بیشتر در کشتی شهرستان خواهد شد.

کرمانشاه-علی سقپی

از هلول حلیم توی دیگ افتاد

اولین آزمایش تیم ملی به رهبری مهاجرانی اگر چه امیدوار کننده بود اما در عمل نشان داد که ضعف‌های تیم ملی هنوز بر طرف نشده و در فرصت کوتاه باقی‌مانده به بازیهای المپیک وظیفه سنگین و طاقت فرسانی بدوش مهاجرانی است.

همین ضعف و نگرانی از جانب تیم ملی بود که باعث شد پنج یار تازه به عضویت تیم ملی در آیند و حال آنکه در انتخاب و نفر نخست رهبر تیم ملی از این گروه بازیکنان با قاطعیت یاد نکرده بود. این درست که شعاع تیم ملی و اندازه آن از این لشنبهاات زیاد رخ میدهد ولی مهاجرانی از هلول حلیم توی دیگ افتاد و بعضی اینکه حکم مربیگری تیم ملی را گرفت، با عجله یک لیست و ۲ نفر تهیه کرد که خیلی زود تق آن درآمد و معلوم شد که تعدادی از آن انتخاب شده‌ها مستحق ورود به تیم ملی نبودند و همین جهت آزمایش با تیم ملی آن‌ها موزون و زایل و واقعیت‌های زیادی را نشان داد که مهاجرانی بهتر است از آنها پند بگیرد.

تهران-رسول فرهادی

در دره انتخابی مسکن است اشتباهاتی رخ دهد ولی این بهرحال حق مریست که عده‌ای را بر برگزیند و بعد جمعی از آنها را کنار بگذارد.

پوستت نما

هنوز تیم اصلی خود را نشناخته ایم

تیم ملی فوتبال ما خوب یا بد راهی المپیک مونترال میشود و ظاهراً حالا همگان مسائل داغ انتخاب تیم ملی را فراموش کرده و در باره آینده این تیم از خود سؤالاتی میکنند.

ما همیشه دیده یا شنیده ایم که تیمهای بزرگ دنیا در آستانه یکدوره مسابقه های مهم وضع خود را روشن و مشخص میسازند و از چند ماه مانده به مسابقه ها افراد تیم ملی برگزیده شده و روانه اردو میشوند ولی در کشور ما این اصول و مقررات دنیا پسند رعایت نمیکردد و همه چیز بر محور اتفاق و حادثه دور میزند و به همین دلیل است که تا پانزده روز به المپیک مانده تیم ملی فوتبال خود را نمی شناسیم.

مسجد سلیمان - جهانگیر علاوند محمدی

درفصل تابستان به کجا پناه ببریم؟

چندی پیش من و عده ای از ورزشکاران آشتیان به اداره آموزش و پرورش رفتم و چون مدارس تعطیل شده بود از نماینده آن اداره خواستیم تا یکی از کلاس های خود را برای تمرین کشتی در اختیار ما بگذارد. اما نماینده دست رد به سینه ما زد و با پوزخندی گفت ما کلاس برای تمرین کشتی نداریم.

این پاسخ غیر منطقی با توجه به اینکه ما شاگردان همان مدرسه بودیم همه بچه ها را ناراحت و غمگین ساخت.

علاوه بر این بی مهری، فردای آنروز نیز که برای تمرین فوتبال به ورزشگاه آشتیان رفتم متوجه شدم که دیر کلاه دروازه را کهنه اندامان تمرین فوتبال هم نیست. حالا شما را قاضی می گیریم و سؤال می کنیم پس ما دانش آموزان در فصل تابستان به کجا پناه ببریم و چگونه ورزش کنیم؟

آشتیان: محمدجعفر رضایی

چرا چنین می کنید؟

بروند.
مگر هاشم قنبری با آن همه شایستگی چه عیبی داشت که ملاقاتی بگوید او در جوانی چه کرد که اکنون چه بکند؟ آیا به نظر شما این پندو عبرتی برای جوانان نخواهد شد تا از این پس به گرد کشتی خط بکشند.

اصفهان: علی فیض الهی

فقط فوتبال!

فرستی دست داد تا برای دیدن مسابقه های انتخابی پرورش اندام تهران به تالار ورزشی محمد نصیری بروم. در آنجا ناظر بودم که ورزشکاران پرورش اندام با علاقمندی تمام حالات و نمایش های خوبی از زیبایی اندام خود را به معرض تماشا گذاشتند. چیزی که در این میان باعث تعجب و حیرت من شد نبودن خبرنگاران عکاس و گزارش نویس آن حرفه بی بود و حال آنکه اگر یک مسابقه ساده و معمولی فوتبال انجام می شد گروه زیادی از خبرنگاران و عکاسان برای تماشای آن هجوم می آوردند و عکس های سیاه و سفید و رنگی از مسابقه برمی داشتند. پس عیب و نقص عمده ورزش ما علاوه بر کمبودها تبعیض در تشویق ورزشکاران رشته های مختلف است و چنین است که فوتبال روز بروز بیشتر و مست می گیرد و دیگر رشته ها را تحت الشعاع نام خود قرار می دهد و به این ترتیب باید در آینده شاهد از بین رفتن رشته ورزش های دیگر باشیم.

علام آتش دامن

ابوسلمه برای معرفی ما کافی است؟

فوتبال خودمان را نباید در قالب تیم ابوسلمه ارزیابی کرد. زیرا استان بزرگ خراسان با تکیه بر این تیم - که بیشتر سرمایه آن غیر بومی میباشد - بجائی نخواهد رسید. من یکی از علاقمندان جدی فوتبال خراسان هستم که از بی توجهی تربیت بدنی و هیئت فوتبال استان به انجام برنامه های سازنده در مسابقات فوتبال دلم خون است و نماینده تا کی باید انتظار رکشید تافوتبال در این دبازشکل صحیح و سازمان محکمی پیدا کند همه ساله یکدوره مسابقات تشویقی بسا عنوان «جام علم» انجام میشود که چون بطور منظم و روی روال منطقی برگزار نمیشود، در عمل تأثیری بحال فوتبال خراسان ندارد و مسئولان ورزش استان نیز آقدر خود را به ابوسلمه گردانندگان آن حسابانده اند که امروز کار فوتبال و جوانان در شهرهای تابعه بی اطلاع میباشد.

در کراسام صیالی

آیا تبریز نورچشمی است؟

اخیراً دو نماینده فوتبال تبریز به شیراز آمدند و دو مسابقه با تیم های شیرازی حاضر در دسته اول و دوم جام تخت جمشید برگزار کردند. در هر دو دیدار تیم های تبریزی، مورد لطف و نوازش داوران بودند و در عوض تیم های شیرازی مورد غضب و بی لطفی قرار گرفتند.

به عنوان نمونه تیم صنایع الکترونیک شیراز در دیدار با تیم ماشین سازی تبریز، در چارچوب جام حذفی تا پایان وقت اضافی دو بریک جلو بود ولی - زاین لحظه و در حالیکه هیچ وقت تلف شده بی وجود نداشت داور مسابقه را ادامه داد و ماشین سازی در این لحظات صاحب گل تساوی شد. مورد دوم در مسابقه تراکتور سازی و برق شیراز دیده شد که قضیه درست برعکس دفعه قبل بود و در حالیکه تراکتور سازی بی دردی برای فرار از خوردن گل مساوی توپ را به خارج از میدان می زد و در واقع وقت کشی می کرد، داور وقت تلف شده را به حساب نمی آورد. اگر شما شاهد این دوبازی بودید چه تصویری داشتید و قضاوتتان چگونه بود؟

شیراز: رحیم نولت

همه را تر که میز نیم جزد اوران

این چه مقرراتی است؟

در دیدار دو تیم بانک ملی و همای خرم آباد مسابقه با نتیجه ۲ بر ۱ بسود بانک ملی در جریان بود که در همین لحظه گل تساوی تیم همای زده شد و بازی ۲ بر ۲ شد. بازیکنان بانک ملی که وقت را پایان یافته میدانستند و گل دوم هم را قبول نداشتند شروع به اعتراض کردند. جانب اینجا بود که خطنگهدار سمت راست زمین میگفت من ۲ دقیقه قبل از گل برچم خود را بعلامت پایان وقت بالا برده بودم و کمک داور سمت چپ زمین نیز اظهار داشت که گل در وقت اضافی بدست آمد. حرف کمک داور سمت چپ بدان دلیل محکمتر است که در بردارش در تیم همای بازی میکرد! و عادتاً میبایست حق را به داور میداد اما پاسخی داور را بشنود که در مقابل این سرها گفت: چون توپ بسود زمین نیامده بود من هم بازی را ادامه دادم. حالا سؤال ما از کیهان ورزشی این است که کدام مقررات میگوید باید توپ به وسط زمین بیاید تا داور بازی را تمام کند؟

خرم آباد عباس گودرزی و ده امضای دیگر

مسئله داور و هنوز در فوتبال ما بطور منطقی حل و فصل نشده است. ما که به فوتبال خود در آسیا می بایم و تیم خود را یک سرو کردن بالاتر از تیم های آسیایی معرفی می کنیم به حق و از روی عدالت باید گفت که در زمینه های مختلف رشته فوتبال از جمله بهترین مسئله آن که داور و قضاوت در میدان های مختلف است پیشرفت چندانی نداشته ایم و اگر از یکی دو داور خوب بگذریم بقیه داوران ما تجربه و دانش لازم برای اداره یک مسابقه باشگاهی را ندارند و همیشه در هر جغرافی که در میدان فوتبال پیش می آید کاسه و کوزه را بر سر بازیکنان و مربیان می شکنیم و بندرت در صدد تحقیق برآمده و در جهت تیبیه و محرومیت داوران تصمیم می گیریم. در حالی که فوتبال ما نیازمند توجه یکسان به همه عناصر خود می باشد تا به این ترتیب حتی از کسی ضایع نگردد.

آستانه اشرفیه - عسکر احمدی نژاد

بازار وعده و وعید گرم است!

معلوم نیست کار دادن جوایز ورزشی به ورزشکاران در این ملک چه عیبی پیدا کرده که همیشه وعده دادن آنرا می شنویم اما از تحقق آن خبری نیست.

به عنوان نمونه اخیراً در یک دوره مسابقه والیبالی با عنوان جام مهرگان - که با شرکت ده تیم در فسا انجام شد - تیم اول تا سوم جام شناخته شدند ولی در پایان از قول وعده قبلی و جام قهرمانی خبری نشد. با اینکه درست یک سال از آن تاریخ می گذرد معدالک با وجود مراجعه مکرر ورزشکاران به تربیت بدنی فسا باز هم همچنان بازار وعده و وعید گرم است و از جوایز خبری نیست.

لسا: ساسان جهانگیری

آقای ریکوف! چرا گذاشتید همه بروند؟!

شاید این نکته برای علاقمندان و خوانندگان مجله کیهان ورزشی تعجب آور باشد که با توجه به بازی های جام تخت جمشید - که چند هفته از تعطیل آن می گذرد - پس از پایان دیدارهای جام ملت ها و همسر از همه سیری شدن فصل نقل و انتقالات فوتبال این موضوع را مطرح می کنیم و آن کارهای آقای ریکوف مری تیم تاج است که به سخی دوستداران این تیم را غمگین کرده است.

آقای ریکوف به سادگی و در شرایطی که می توانست بازیکنان سال پیش خود را حفظ کند آن ها را رها کرد و دیدیم که همگی به تیم دیگری رفتند و از آن جا هم برای تیم ملی انتخاب شدند. حال ما مانده ایم و یک دنیا غم که آیا تاج با این بازیکنان خود می تواند از سد همه تیم های جام تخت جمشید بگذرد.

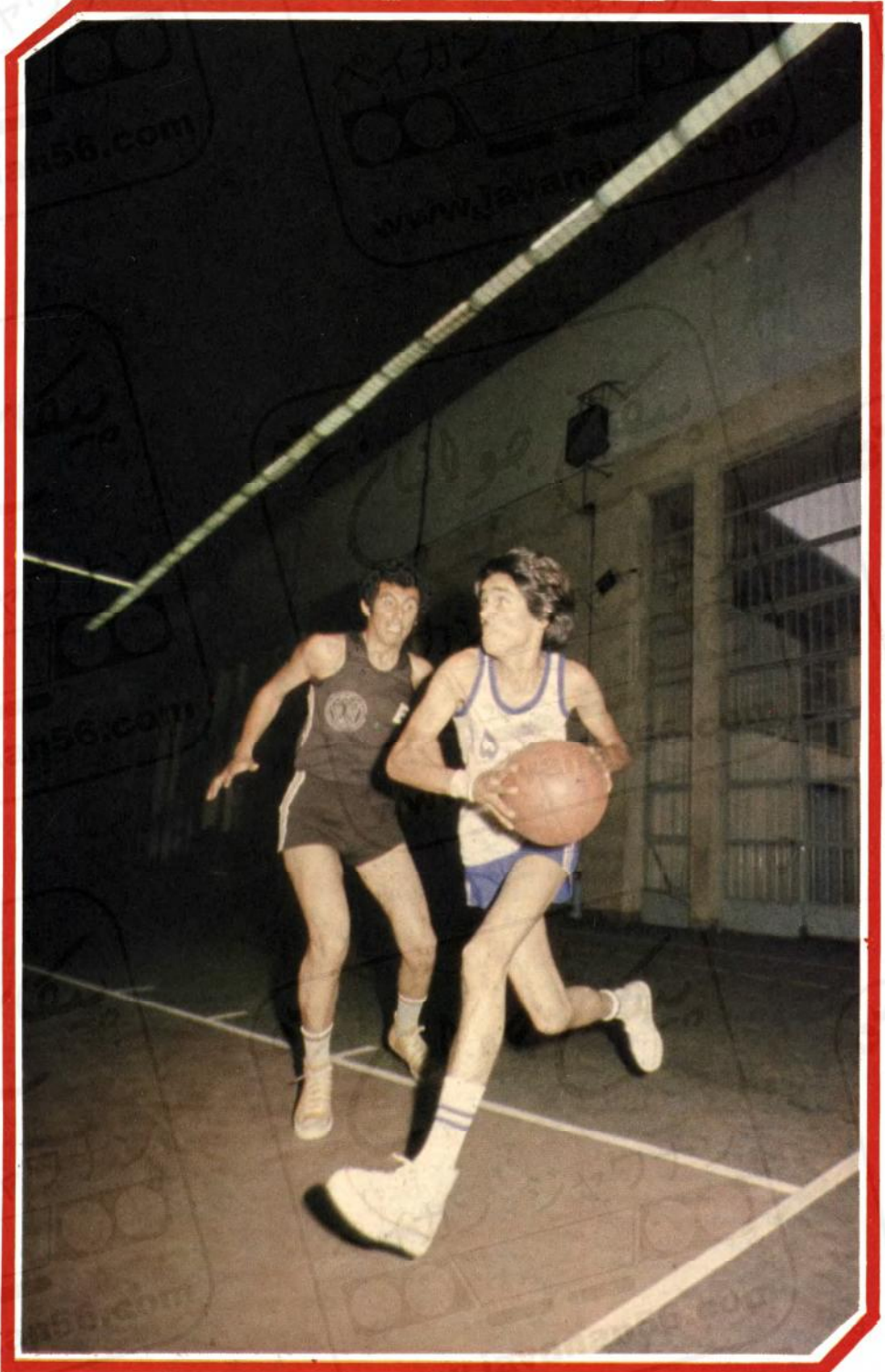
سنان محمد محقق



شهباز

به قهرمانی می اندیشد

سعید جارااللهی شماره ۱۵ تیم افسر «ب» با فراری زیبا از کنار حبیب کاظمی (شماره ۴ تیم شهباز) می‌رود تا بخت خود را برای دسترسی به سید حریف آزمایش کند. این بازی که در چارچوب دیدارهای مقدماتی مسابقات جوانان تهران (جام پهلوی) انجام شد، با نتیجه ۵۱ بر ۱۸ به سود تیم شهباز خاتمه یافت. شهباز یکی از بهترین تیمهای این مسابقات است که داعیه قهرمانی در سر دارد ضمن آنکه میدانیم تیمهای دیگری همچون فردوسی و آراارات نیز در اندیشه کسب این مقام میباشند.



سه مربی بسکتبال

در آمریکا دوره می بینند

سه مربی بسکتبال ایران برای شرکت در کلاس مربیگری جیم. مک‌گریگو عازم لانگ بیچ (ایالات متحده آمریکا) خواهند شد. اینها عبارتند از: بیژن قهرمانلو (مربی تیم ملی بسکتبال دختران ایران) که به هزینه فدراسیون بسکتبال به آمریکا می‌رود. جلال شهیرزادی (مربی تیم دختران افسر) به هزینه خود و جاشید شریعت‌نژاد با کمک باشگاه شهباز درایسن کلاس شرکت خواهند کرد. بطوریکه جلال شهیرزادی می‌گفت ممکن است او بعداً در کلاس دیگری که در هوستون تشکیل می‌شود نیز شرکت کند.

سال پیش هم هفت تن از مربیان بسکتبال ایران در کلاس مذکور شرکت کرده بودند.

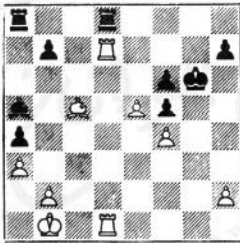
کورچنوی بجای لاسکر

از عزیز اله صالحی مقدم

ترکیب در شطرنج

برای زدن ترکیب در بازی شطرنج هر بازیکن قبل از هر چیز احتیاج به قدرت تعیل دارد. یک ترکیب سانی قبلاً بوسیله بازیکن «احساس» و بعد در جزئیاتش باید «محاسبه» شود. برای روشن شدن این موضوع به مثال زیر رجوع میکنیم.

بولگا فسکی - ستراگی
سکو. ۱۹۶



نوبت حرکت با سفید
تعویض مهره‌ها برای سفید سودی در بردارد.

آیا بتوانید در همین وضعیت بظاهر ساده سیاه را مات کرد؟ زدن این ترکیب ماتی احتیاج به «دیده» بسیار قوی دارد. با دادن تمرینهای لازم سعی کردیم خوانندگان خود را در این بخش مهم بازی کنیم.

سفید سیاه را به ترتیب زیر مات میکنند:

1. Tg1+ Rh6
2. Ff8+! TXf8
3. Td3! ...

مات بیک حرکتی دفاع ندارد. منظور از قربانی قبل در حرکت دوم «سحر کردن» رخ سیاه از ستون «د» بود.

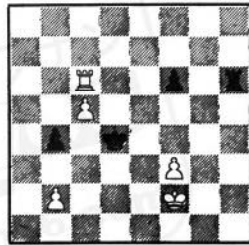


32. Dg6+ Re6
بعد از تعویض وزیرها سیاه یک «تفاوت» می‌داد.

33. De8+ Rd5
34. Dd7+ Rc4
سیاه پیاده‌رانی تواند بگیرد.

35. DXd4+ DXd4
36. eXd4 Txh5
37. TXa6 TXh6
38. TXc6 RXd4

آرایش بعد از طوفان. آخر بازی رخ و پیاده‌ی را که در مقابل خود داریم معمولاً بعزت فعال بودن شاه سیاه مساوی است. ولی از بخت بد زورونکو این وضعیت استثنا برای سیاه بازنده است.



39. Rg3 Rc4
40. f4 Rb3

سیاه از آخرین امکانات خود برای آژاد کردن پیاده و نجات بازی استفاده می‌کند.

41. Tb6 Th5
42. c6 Tc5
43. Rg4 Tc4
44. Rf5 RXb2
45. Re6 b3
46. Rd5! Tc3

پیاده «اف» «سمی» است!

47. Rd6 Rc2
48. c7 b2
49. Rd7 Td3+
50. Rc6

سیاه تسلیم شد. کورچنوی و زورونکو میتوانند برای بوجود آوردن یک چنین شاهکار بخود افتخار کنند.

این حرکت بنظر خیلی جسورانه می‌آید. ولی چون سفید می‌بایست خانه مرکزی را از دسترس سیاه بدور نگاهدارد، یک حرکت دفاعی است.

22... Da4
23. Tc1 Db3

شاید این حرکت غیر لازم است. برای اینکه سیاه بعداً وزیر خود را به خانه «د ۵» خواهد برد.

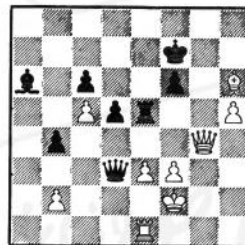
24. h5! gXf3+
25. gXf3 Fe8
26. Rf2 Fa6
27. Ff4 Da4
28. FXh6 Db5
29. Te1 Te5

تا اینجا ظاهر سیاه ابتکار عمل را در دست داشت. سفید هم در این مدت ساکت به‌نسنسته و امکانات خود را در جناح شاه افزایش داده بود.

چنانکه از حرکات بعدی متوجه خواهیم شد، کورچنوی طرح تهاجمی خود را آغاز می‌کند.

30. Dg4! Dd3

اینک بازی به اوج خود رسیده است.



31. Ta1 !! ..

حالا نوبت سفید است که دست به یک حمله‌ی بی‌باکانه بزند. آنهم در لحظه‌ی که خطرات زیادی او را در مرکز تهدید میکند. این نحوه بازی درست مانند سبک «لاسکر» است که از بازی کردن با آتش لذت می‌برد.

31... d4!

طبیعتاً در اینجا سیاه مجبور به حمله‌ی متقابل است.

بازی زیر یکی از عجیب‌ترین بازیهای مسابقات اخیر هاستینگ است. در این بازی زورونکو قهرمان هلندی از همان آغاز بازی دست به یک حمله‌ی بی‌امان می‌زند و حتی در ابتدا جان بنظر میرسد که کورچنوی در چند قسمتی هولناک قرار دارد. ولی قدرت کورچنوی (فرد دوم جهان) در بازی-های دفاعی که شاید تنها با قهرمان سابق جهان (دکتر ایمانوئل لاسکو) قابل قیاس باشد بالاخره به نجات اوستی آید. ما مطالعه دقیق این بازی را به خوانندگان عزیز خود توصیه میکنیم.

زورونکو: سیاه

کورچنوی: سفید

کامپی وزیر
هاستینگ ۱۹۷۶

1. c4 Cf6
2. Cc3 e6
3. Cf3 d5
4. d4 Fb4
5. cXd5 eXd5
6. Fg5 h6
7. Fh4 c5

این حرکت سیاه کلاماً منطقی است. بعد از «س» بازی تبدیل به بازی تعویضی پیاده و وزیر می‌شد. که گسترش قیل سیاه اضافی بود.

8. dXc5 Cc6
9. e3 g5

سیاه حمله‌ی خود را آغاز میکند. او در مقابل ضعف پیاده‌های خود فشار زیادی بر روی خانه «س» دارد.

10. Fg3 Ce4
11. Fb5 CXc3
12. FXc6+ bXC6
13. Dd4 CXa2+
14. Rd1 f6
15. TXa2 a5

سیاه در مقابل ضعف پیاده‌ی «ب» برتری دو قیل دارد و شاه سفید مجبور است در مرکز بیاند.

16. h4 g5
17. Ce1 Ff5
18. Cd3 Rf7
19. Re2 Te8
20. CXb4 aXB4
21. TXa8 DXa8
22. f3! ...

فوتبال کامل

بقیه از صفحه ۲۸

ملاقات شش کرچه هنوز یک هارسودای گذشته و باز نفاذ اند.
می دانستیم که مربی تیم ملی چک لسواکی یکسال پیش از من هلدن را ترک کرده و یکسال زودتر از من بکار تیم ملی پرداخته است. او در هلند تیم لاهه را رهبری میکرد و بسیار خوب موفق شده بود و من از این راه با او شیوه کارش آشنای شده بودم.

چک ها قوی، گاهی سریع، خشن و بسیار حسابگرند و در زمینه تکنیک از هیچ تیم اروپایی کمتر نیستند. با این اطلاعات بود که تیم آهده فرانسه را برای مقابله در پراگ مجهز کردم و میدانستم که در برابر آنهمه سلاح چکها، من از سلاح بدن های آماده و جسارت مخصوص فرانسوی برخوردارم. پس سلاح تاکتیکی را نیز در این دیدار با اهمیت ویژه نگریستم و عکس انظار چکها عمل کردم. یعنی حمله سریع و همه جانبه بطوریکه تیم ملی فرانسه در ۳ دقیقه نخست دیدار در قسمت اعظم نیمه دوم یک بازی ستایش انگیز کرد.

بعد از ۳ دقیقه بازی ما ۲ بر صفر جلو بودیم و آنگاه که چکها ۲ گل زنده ما بسوی یک پیروزی ۴ بر ۲ پیش میرفتیم

سه عامل اصلی

یک باشگاه از سه رده عامل تشکیل میشود. رده رهبران، رده مربیان و رده بازیکنان. باید بین این سه رده انضباط کامل حکمفرما باشد یک رهبر باشگاه مجاز نیست بازیکنی را بدیدر بدو آنکه قبلا این بازیکن بامربی تماس گرفته باشد. یک بازیکن برای رفتن به دفتر رئیس باشگاه باید حتماً از آقای مربی بگذرد.

هنگامیکه کروفین از آژاکس با سولون رفت از من سؤال کردند که آیا آژاکس بدون کروفین همچنان درخشان خواهد بود. پاسخ دادم بلی و این در صورتی ممکن است که همان انضباط و سلسله مراتب که در زمان من در بین رده های باشگاه بوجود آمد همچنان پابرجا بماند ولی اینک اسفوس میخورم که آن انضباط تا حد زیادی از بین رفته است.

عبور از زندگی فرانسوی

زندگی فرانسوی کووا کس را با کوتاهی و فشرده گی گذرانیدیم و از این زندگی آنچه می توانست اهمیت عمومی و آموزشی داشته باشد بشنیدیم. برای تمام آنچه آموخته و مربوط به زندگی خصوصی بازیکنان فوتبالی فرانسوی شده و مانند بزرگترین این آموزش می خواهیم و از شما آموخته به نظرات و پیرامون جام جهانی ۱۹۷۴ مونیخ می پردازیم که این شاید جالب ترین فصل کتاب او باشد.

ولی سرانجام غرور فرانسوی ما را صاحب نتیجه ۳ بر ۲ کرد که این هم در پراگ بسیار جانب توجه بود ولی مرا بسیار اندوهگین کرد بهمین مناسبت در لباس کنی با خشم به بازیکنان گفتم: شما واقعاً هنوز حرفه فوتبالی را نشناخته و حرفه ای نیستید. چگونه ممکن است یک پیروزی را با وجود برتری میدانی به یک مساوی میل کرد؟
آخرین دیدار فصل بر علیه تیم ملی آرژانتین بود که این دیداری تاملنا بار بود. آرژانتینی ها بزرگ بر صفر بردند این گل را در نیمه نخست زدند و تا پایان مقاومت کردند آنها آنها واقعاً حرفه ای بودند.

بعد از یک فصل در مجموع از کار خویش راضی بودم. من تمام بازیکنان جوان، امیدوار بزرگ فرانسه را دیده، مطالعه کرده و شناخته بودم با تمام مربیان بزرگ فرانسه تبادل نظر کرده بودم، حتی یک مسابقه مهم یا متوسط را نادیده رها نکرده بودم دیدارهای تیم های آما تور و ارشلی را زیر نظر گرفته بودم. با کلیه بازیکنان ملی ارتباط داشتم. از هیچ فرصتی برای تماشا یا یک مسابقه در هر شهری فروگذار نکرده بودم و ده ها تمام در زمین فوتبال فرانسه زندگی کرده و تا حد توانائی به آن خدمت کرده بودم. بعد از ده ساله چسبون خوب فکرم میگردم مطمئن میشدم که وظیفه

خویش را در قبال فدراسیون، مربیان، بازیکنان و سرانجام فوتبال فرانسه و یولی که گرفته بودم بخوبی انجام داده بودم.

ایران ولهستان

بقیه از صفحه ۱۳

تقاضا کرد که همراه من همان شب سوار قطار شده و به زا کو پانه برود. وقتی او پذیرفت و با من آمدیخ مشکلات کم کم شروع به ذوب کرد.
زندگی با تیم ملی آسان نیست

کا زیمیر گورسکی یک مربی معمولی نیست و مخصوصاً در لهستان عجیب او را بزرگ میدانند و عصب حساس فوتبالی خود میدانند. همه او را «گورسکی بزرگ» و نزدیکانش او را کا زیمیر صدا میکنند. وقتی دلیل اینهمه نزدیکی مردم لهستان را از او پرسیدم. خیلی تعجب کرد. گویا انتظار داشت در فرصت کوتاهی که بمن داده است مستقیماً از فوتبال ایران و دیدارش با لهستان در مونترال بیسم در پاسخ این سؤال

بمن گفت: البته عسال مداوم رهبر تیم ملی فوتبال یک کشور باقی ماندن و رمی این وقت با کارانه نیست. قبول شدن مردم را بسردوق میآورد. من در این عسال ۶۰ مسابقه در سطح ملی داده ام که ۴۱ برد، ۱۱ تساوی و ۵ باخت داشتم. می بینید که پیروزیها چشمگیر است. اگر در کشور شما یک نفر اینگونه موفق باشد، آیا او را رها میکنید؟ اینها گذشته ما به فوتبال خود اطمینان و اعتقاد داریم. شکستها همیشه حسرت ولی مهم در کن حفظ خوب فوتبال و

طرح اندیشه درست در بهبود و پیشرفت یک تیم ملی است. همیشه زندگی با تیم ملی آسان نیست. اما این تیم ما نند فرزند آدم دوست داشتی است. یک ملت آزا مطبلد و این مربی است که باید بداند چکار میکند تا رشته عاطفی تیم ملی و مردم قطع نشود.

میگویم:

آقای گورسکی: همین تیم ملی است که مسائل را برای مردم داغ میکند. نزدیک به یکماه بکماه دیگر تیمهای ملی ایران و لهستان در گروه خود با هم دیدار میکنند. میخواهم بدانم حساسیت این دیدار برای شما تا چه حد است؟ در کشور من فعلاً همه چیز روی موج فوتبال لهستان است و با اینکه میدانیم تیم ملی لهستان از جمله نیرومندترین تیمهای اروپا است، اما سعی میکنیم نگران نشویم. قهرمان آسیا تیم خوبی باید باشد

گورسکی گفت: « همه نگرانیم. هم شما هم ما. چند شکست سخت اخیر فوتبال لهستان باعث رنج من شده است. بنا بر این اگر بخوایم در اولین دیدار خود در برابر تیم ایران مطمئن به پیروزی مطمئن باشیم و با این نیت میدان شما بیانیم، اشتباه بزرگی است. ما هیچ چیز را با امید بخت و اقبال رها نمی کنیم. اما از من بپذیرید که اگر دنده تیم ملی ما هم شکسته باشد، باز در مقابل ایران از نظر اعتبار و نتایج جلو هستیم ولی بگذارید از نظر اصول و قواعد فوتبال حرف بزنیم. تیم ملی شما سه دوره فاتح جام آسیا شده است. حتی میدانم که شما کویت را در آخرین فینال یک بر صفر شکست

دادید این کار کوچک در آسیا نیست و قهرمانی آسیا بهرحال روی دوش شما سنگینی میکند و همین سنگینی روی ما نیز اثر خواهد داشت. اجازه بدهید یک مطلب دیگر را بگویم. من بعنوان رهبر و مسوول فوتبال لهستان، هنوز تیم ایران را از نزدیک ندیده ام و قاعدتاً هرگونه اظهار نظر صریح و قاطع دور از عقل است اما دوستان و اطرافیان من تیم ایران را دیده اند و چند فیلم تلویزیونی نیز از من شما دیده ام و بر پایه این شناخت و نتایجی که بدست آورده ام، تیم ملی شما را قوی و محکم میدانم و معتقدم که این بهترین تیم آسیاست حتی قویتر و بهتر از اسرائیل و کره شمالی. بدون تعارف و بدون مبالغه.

ولی تعریف و تحسین شما از تیم ملی ما تا حدود زیادی اغراق آمیز است. آیا این درست نیست که شما دارید تیم ایران را بزرگ میکنید تا اگر حادثه ای در مونترال بسوق پیوست و مثلا به تیم ما باختید، دلالی برای تبرئه شدن داشته باشید؟

گورسکی: شما اینهمه راه را کوئیده و آمده اید تا از دهان من چه بشنوید؟ اگر من بگویم سه گل به ایران بزنیم و بعد موفق بشویم، ادرانها مرا آدم برجانه و حرفه ای نمیدانند؟ شاید اگر بعد از جام جهانی مونیخ بودن من قاطع تر با شما حرف میزدم و احتمالاً نتیجه دو گل برتری را منطقی میدانستم من حالا در آن شرایط آزمانی و تعهد نکرده نیستم و بهمین دلیل تیمهای ایران و حتی تجربه برای ما خطرناک و نشناخته هستند و ایران را از این جهت قویتر میدانم که قهرمان آسیا شده و دارای ارزشهای خوبی است. برای اینکه خیال شما راحت کنم با اطمینان میگویم ایران و لهستان از گروه خود صعود میکنند اما بعد چه خواهد شد، من دیگر نمیدانم!
تجربه های تازه را دوست دارم

کارشناسان فوتبال ایران و مهاجرانی مربی تیم ملی معتقدند که تیم ایران در برابر تیم شما بختی ندارد. این را چگونه تفسیر میکنید؟

گورسکی: مهاجرانی؟ من فکری کردم هنوز هم اوفارل مربی تیم ملی شماست. در آستانه بازیهای المپیک مونترال، کنار گذاشتن او کار درستی بنظر نمیآید. در لهستان این کار یعنی فرو ریختن سقف روی رهبران تیم ملی! اما بهرحال من در شرایطی نیستم که از این بابت چیزی بگویم. شما بدید لایل شما برای برکناری مربی ایرلندی محکم باشد.

خود شما چه، آقای گورسکی، آیا تصمیم دارید تا کمی مربی تیم ملی فوتبال لهستان باشید؟

گورسکی: تا وقتی پیروزی های بیشتر از شکستهاست و تا زمانی که در راه تیم ملی بی وقفه کار میکنم اما نه، شوخی میکنم. این را خیلی خصوصی بشمامی گویم و اگر روزنامه های لهستان بفهمند جنجال بزرگی برای من اندازند. من بعد از بازیهای المپیک از رهبری تیم ملی کناره میروم. دوست دارم بدنیال تجربه های تازه باشم. ما نند میبایا هیچ که بعد از جام

هنر جوان هنرستان - دانش آموزان دبیرستان ها
تشکیل کلاسهای تک درس تقویتی و تجدیدی زیر را
با اطلاع می رساند.

۱- سالهای اول و دوم و سوم هنرستان

۲- ششم طبیعی و ریاضی و سایر کلاسهای دبیرستانی

۳- دوره نظری- صنعت- راهنمایی تحصیلی

محل ثبت نام، خیابان شاه - چهارراه پیروز - دبیرستان

شماره یک با ممداد تلفن ۹۲۱۲۸۳

کمبود وسائل

بزرگترین مشکل هاکی است. با بودجه اندک کارهای زیادی کرده ایم



مشکل ترین رشته ورزش ها است و لازم آن آمادگی کامل بدنی، انعطاف و دقت واز همه مهمتر جسارت فراوان است. در این رشته یک بازیکن باید در حالت خموده و رویه جلو باتوانی کوچک سریع حرکت کند، پاس بدهد، پاس بگیرد و کنترل کند. این ها کار ساده ای نیست و برای فراگیری و رسیدن به سطحی مطلوب باید زحمت فراوان کشید.

از او درباره برنامه های آینده تیم ملی پرسیدیم با کمی تأمل جواب داد: «از آنجا که تیم ملی هاکی ایران در حال حاضر مسابقات رسمی پیش رو ندارد من هفته بی سه روز بطور معمولی با بازیکنان برگزیده باشگاه های تهران کار می کنم و امیدوارم که رفته رفته بتوانیم یک تیم متشکل و در خور نام ایران در رشته هاکی پیدا آورم.

هاکی ایران رو به پیش روی است همچنانکه وقتی چندی پیش تیم پیشاور پاکستان برای انجام چند دیدار دوستانه به ایران آمدند، بازیکنان ایرانی نشانه های نیکو از پیشرفت را بروز دادند.»

مشکل بزرگ ما کمبود وسایل است

پس از گفتگو با مربی تیم ملی به سراغ دکتر حضرتی رئیس فدراسیون هاکی رفتیم که شاهد ترین تیم تهران بود. او پیش از آنکه در باره برنامه کار خود صحبت کند، گفت: «قبلاً نوشته بودید که کار فدراسیون هاکی رضایت بخش نبوده است. درحالی که سال گذشته با بودجه اندک خود کارهای زیادی انجام دادیم که چون همراه با تبلیغات نبود، نمود نداشت. میدانید که هاکی هنوز و آنطور که

هاکی ایران آهسته، آهسته می رود تا جان بگیرد و روی پای خود استوار گردد. هر چند هنوز بودجه آنچنانی ندارد ولی با این وجود به مناسبت بزرگداشت پنجاه سال سلطنت دودمان پهلوی از مهرماه آینده مسابقاتی را برگزار خواهد کرد که مهمترین آن برقراری «جام رضاشاه کبیر» خواهد بود با شرکت تیم های مازندران، خراسان، گیلان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، همدان، سنجند، ایلام، تهران (دو تیم)، کرمانشاهان، رضائیه، کهگیلویه، اهواز، شیراز، اصفهان و چهار محل بختیاری و از چندی پیش هم فدراسیون هاکی ایران برای سر وسامان بخشیدن به وضع هاکی اقدام به استخدام انور احمد خان به عنوان مربی تیم ملی کرده است. او سردی است آگاه و دارای سوابق درخشان در هاکی بلند آوازه، با پاکستان.

سپهر گفتگو با او در کتر حضرتی رئیس فدراسیون هاکی به ورزشگاه آریانه رفتیم و پس از فراغت کار احمد خان با او به گفتگو نشستیم.

انور احمد خان در جواب ما که پرسیدیم نظر شما راجع به هاکی ایران چیست؟ جواب داد: «آشنایی من با هاکی ایران از زمان بازی های آسیایی تهران است. تیم شما جوان و بی تجربه است و نباید توقع داشته باشید که بتوانند در برابر تیم های بزرگ آسیا و اروپا به نتایج درخشانی دست یابند ولی با وجود زمین های خوب و علاقه جوانان ایرانی به هاکی امید زیادی است که ایران در هشتمین دوره بازی های آسیایی در رشته هاکی حرف هایی برای گفتن داشته باشد. شما خوب می دانید که هاکی یکی از

انور احمد خان مربی تیم ملی هاکی ایران در یک روز فراموش نشدنی در مجموعه ورزشی آریانه مهر. او پس از پیروزی تیم ملی پاکستان بر هندوستان روی دوش پاکستانی های مقیم ایران قرار گرفت.

طی این مدت چند تلاش توجهی، دوزی و مربیگری نیز در تهران و شیراز تشکیل دادیم که هر یک به نوعی در کار پیشرفت هاکی شمر نمی شود. برای سال جاری هم به مناسبت جشن های شاد هشتای مسابقه های پیش بینی کرده ایم که با انجام آن ها هاکی رونق تازه ای پیدا خواهد کرد.»

اسپار تا پراگ جام حذفی را برد

پراگ: در مسابقه نهایی جام حذفی فوتبال چکسلواکی، تیم اسپار تا پراگ یک بر صفر در مسابقه برگشت بر تیم براتیسلاوا پیروز شد و به مقام قهرمانی رسید.

باید و شاید در ایران شناخته شده نیست و برای پیشرفت به زمان نیاز داریم. جوانان ما علاقه زیادی برای فراگیری هاکی از خود نشان میدهند ولی کمبود وسایل هاکی - که متأسفانه در ایران کمیاب است - مشکل بزرگ ما است. هر چند سال گذشته با محبت و توجه تیمسار حجت توانستیم مقداری از وسایل مورد لزوم خود را از پاکستان وارد کنیم که همه آن ها را در اختیار ریهات های هاکی شهرستان ها قرار دادیم. او افزود: «ما سال گذشته مسابقه هاکی بانوان را برای اولین بار با شرکت پنج تیم برگزار کردیم که طی آن تیم مدرسه عالی ورزش اول شد همچنین مسابقه های هاکی دانشگاه ها و مدارس عالی را انجام دادیم و آنگاه تیم هاکی الواصل دومی برای انجام چند دیدار به تهران آمد و بعد هم به دعوت باشگاه تهران جوان تیم هاکی باشگاه استقلال کویت به تهران آمد. برگزاری دیدار های قهرمانی باشگاه های تهران با شرکت هفت تیم که در پایان، تیم های تهران جوان، پرسپولیس و تاج به ترتیب اول تا سوم شدند و انجام مسابقات آموزشگاه های تهران از جمله فعالیت های سال گذشته ما بود.

جهانی، یوگسلاوی را ترک کرد و به ژنرال مادرید رفت. البته اگر از ایران هم پیشنهادی برسد آنرا مطالعه خواهم کرد. چون زیاد دوست ندارم در اروپا کار کنم و این دلیل شخصی دارد.

من را زی را بنهانی نمی کنم

— در راه آمادگی و تدارک فوتبال لهستان چه برنامه های داشته و یا دارید. اگر جواب این سؤال محرمانه است، میتوانید جواب ندهید ولی حداقل اشاره ای کوچک بکنید. گورسکی می خندد و میگوید: من هیچ چیز را از شما پنهان نمی کنم و اصولاً این را ز سر بسته ای نیست که من در دلم نگه دارم. تدارک ما بعد از حذف شدن از جام ملت های اروپا بیشتر بر اردو بوده است. انتخاب زاکوپانه یعنی همین تعلق، صرفاً بدلیل آب و هوای مرطوب و بارانی آن و ارتفاع ۲۷۰۰ متری آن از سطح دریا است. چند مسابقه با باشگاه های لهستان داده ایم و یک برنامه سفر به چکسلواکی نیز در پیش داریم. اساسی ۱۷ بازیکن خود را اعلام کرده ام که عبارتند از: تومازوفسکی، سولیک، وورسکی، شمانسکی، ژموده، گورگون، رودی، ویچورک، گاسپرچاک، دینا، شمشیک، اسمی کوویچ، لاتو، ژارماخ، کمی چیک، پی کرواگادا.

— شما چندی پیش لاتو، ژارماخ و یکی دوتن دیگر از بازیکنان صاحب نام لهستان را کنار گذاشتید. چطور شد مجدداً آنها را به تیم ملی دعوت کردید؟

گورسکی: تیم ما مدتی دچار بحران سخت بود و بازیکنانی که نام برده آمادگی نداشتند و در حد نام خود نبودند در نتیجه روی اسم آنها خط کشیدم ولی بعد از آن دوباره آنها را به اردو، منم می آوردم زیرا با آن ها رخصت و فترت، مجدداً خود را با شرایط من وفق دادند. پیراهن تیم ملی با اندازه یک دعای آسمانی ارزش دارد و کسی که میخواهد آنرا بپوشد باید دعای خود را خوب بخواند تا انتظار یک ملت از او بیهوده نباشد.

مثل اینکه همه دعای شما برای تیم ملی است. آیا این درست نیست که در فوتبال لهستان باشگاه های فدا تیم ملی میشوند و تحت تأثیر آن هستند؟ به تیم اسنال قهرمان باشگاه های لهستان نگاه کنید که چقدر راحت شکست می خورد؟

گورسکی: این موضوع احتیاج به بحث طولانی دارد. همیشه قدر میگویم که ما به تیم ملی خود ارزش فراوان میدهم. اما این دلیل نمیشود که باشگاه های ما ضعیف باشند. شاید سازندگی و تدارک آنها خوب نیست و شاید هم در راه فوتبال مدرن گام برنمی دارند. در هر حال تیم ملی مقصر نیست. در انگلستان شما تیم های باشگاهی قوی میبینید که هر کدام اعتبار ویژه ای در دنیای فوتبال دارند اما تیم ملی انگلستان خیلی بدترت موفق و پیروز بوده است. آیا در آجا هم باشگاه ها تیم ملی را تحت تأثیر قرار داده اند؟

— شما گفتید فوتبال مدرن، این چه نوع فوتبالی است و تابع چه قواعد و چه آرایشی است و روش های کدام مربی

مدرن را می پسندید؟
گورسکی: فوتبال مدرن یک لغت تازه است که هر مربی از یک دیدگاه تعریف میکند. شخصاً معتقدم که فوتبال مدرن یعنی ۹۰ دقیقه کوبیدن در تمام زوایای زمین و شرکت در همه عملیات دفاعی و تهاجمی با نیروی دینامیک و قوی بدون ایستادن و توقف. از نقطه نظر آرایش های فوتبال نیز، من ۳-۳-۱، ۴-۳-۱ و ۴-۲-۲ را می پسندم.

— اگر همین امروز شما بگویند که تیم منتخب فوتبال دنیا را معرفی کنید، چه کسانی را انتخاب میکنید؟
گورسکی: امیدوارم که هیجوت این سعادت نصیب من نشود؟! زیرا انتخاب چنین تیمی بیشتر ملاحظه کاری است و به سلیقه مربی مربوط نمیشود. اما برای اینکه دل شما نشکند می گویم که کروئیف، بکن باوئر، ما رودزناچ در هر تیم دنیا قابل پسند هستند و بقیه را باید در زمان انتخاب شناخت. اگر حال ما مجبوری این کار کنند از تیم لهستان کسی را معرفی نمیکنم، ولی اگر بعد از بازیان جام جهانی مونیخ بود، دینا، گاد ویشا و لویخت انتخاب شدن داشتند.

— آیا پیروزی تیم فوتبال لهستان در جام جهانی مونیخ تصادفی نبود؟
گورسکی: دارید شوخی میکنید؟ چه تصادفی؟ ما از بازیهای المپیک ۱۹۷۲ تیم خود را تقویت کردیم و در نهایت آمادگی به مونیخ رفتیم و نتیجه گرفتیم. مطمئن باشید هر تزی آمادگی ما را داشت، دست خالی از مونیخ بر نمیگشت.

جان استریسی عنوان قهرمانی اش را از کف داد

در آخرین دور مسابقه را قطع کرد. استریسی سال پیش با پیروزی برخوزه نا پوتز قهرمان جهان شد. در تالار سلطنتی ویسلی فقط ۸۰۰ تماشاگر شکست استریسی از حریف ۶ ساله اش در دوازده دوره توانایی بودند. پالومینو از همان دوران با حریف ۲۵ ساله تاخت و تیرسی چیزی که هوک چپ سنگین در اوایل مسابقه دیگر نتوانست ضربه‌ی کاری به حریف بزند.

ویسلی - «کارلوس پالومینو» مشتزن مکزیک - آمریکائی در یک مسابقه پرشور دوازده دوره‌ی جان استریسی قهرمان نیم وزن جهان از بریتانیا را شکست داد و قهرمان این وزن شد.

پالومینو با سرنگون کردن استریسی دوبار داور را مجبور به شمارش کرد. استریسی در دوره‌های هشتم و دوازدهم به زانو درآمد. استریسی کجی بنظر می‌رسید و او بریتانیایی

کناره گیری بسکتبالیستهای

کره شمالی

هایلون - تیم بسکتبال بانوان کره شمالی از مسابقات دوازده روزه مقدماتی المپیک در هاپلتون خودداری کرد. برای این کناره گیری هیچ دلیلی ذکر نشده. در مورد این مسابقات کره‌یی‌ها به مانند فوتبالیستان در جام ملت‌های آسیا، فقط بیستاد و یک تلگرام قناعت کردند و مقامات برگزارکننده مجبور شدند برنامه مسابقات را تغییر دهند.

آلتلیکومادرید قهرمان اسپانیا شد

مادرید - آلتلیکومادرید در مسابقه نهائی جام حذفی فوتبال اسپانیا، تیم زاراگوزا را یک بر صفر مغلوب کرد و به مقام قهرمانی رسید.

غذای آماده سیهامنی - عالی و ارزان

۲۰ نوع غذای خوب. انواع سالاد. دسرهای خوشمزه با سفارشات برنسی محول ویدنرانی در برنسل - مئس ۶۶۶۶۵

تکدریس ششم پیشگام تجریش

شیمی : احمد ناصری
فیزیک و مکانیک : مهندس پرفروغ - شکرانی
جبر و مثلثات : قمیسی - نظری - حقیقی

تلفن ۲۷۴۴۶۴

تشریفات بی نظیر استقبال
فلمبرداری رنگی
سالن‌های مجلل
دیسکوتک استریو فونیک
۱۴۹۹ ریال
همگی مجالی
تلفن ۶۶۲۶۲۵

بچه‌های کرمانشاه روی تشک لودز

بقیه از صفحه ۱۵

چندان مشکل ساخته است. در این وزن هم ۱۲ کشتی گیر شرکت داشتند.

۹۰ کیلو : علی جوهری کشتی‌گیر کرمانشاهی که در شرایط عادی در ۸۲ کیلو کشتی می‌گیرد در این مسابقه با بنهاره ۹۰ کیلو آمد. جوهری درلود سه کشتی گرفت. یکی را برد و دو تا را باخت و در رده بندی انفرادی ششم شد. در مجموع می‌توان گفت که جوهری علیرغم وزن کم خوب کشتی گرفت. ۱۰۰ کیلو : مصطفی کیانی در این وزن هیچ شانس نداشت و با دو شکست بی‌دری و مطابق انتظار حریف شد. کیانی هم در برابر غولان این وزن از نظرون وقد امتیازی نداشت. در ۱۰۰ + کیلو هم کرمانشاهیها شرکت کننده نداشتند.

این توضیح ضروری است که لهستانیها تنها به رده بندی انفرادی و حقیقی امتیاز دادند و رده بندی تیمی برایشان مطرح نبود.

به مدال طلا رسید. محبی در همین وزن پاتنها باخت در برابر سیدعبلی دوم شد. در ۸۰ کیلو ۱۴ کشتی‌گیر حاضر بودند.

۷۶ کیلو : محمد هجی کشتی‌گیر ایران در این وزن با وزن وقد کمتر از حریفان خود کاری از پیش نبرد و با دو شکست از حریفان سوئد و آلمان شرقی حلف شد. هجی که این آخرین کشتی‌های او بود، تلاش بسیار داشت اما در برابر کشتی‌گیران بهتر این وزن توان کافی نداشت.

۸۲ کیلو : محمد حسن محبی کشتی‌گیر انتخابی ایران جهت شرکت در المپیک مونترال در اوایل آرمایش خارجی خود ناموفق بود و دو شکست از کشتی‌گیران لهستان از جدول ۸۲ کیلو خارج شد. محبی هنوز فاقد نیرو و تجربه کافی است و برای المپیک نباید با او امید بست. بخصوص اینکه قویترین کشتی‌گیران دنیا در ۸۲ کیلو هستند و این کار سعی جوان را مد

تاریخچه المپیک‌ها

بقیه از صفحه ۲۵

پانحدوم. امتیاز از تیم دوم (فرانسه) پشی داشت از دریافت مدال طلا محروم شد. چون یکی از اعضای پیش فردی غیر نظامی بود. (این قانون بعدها حذف شد.)

شش سرباز از زنان و سردان، در جمع بیشترین تعداد شرکت کننده را نسبت به رشته‌های دیگر داشت. و برنامه مسابقات این رشته بعدی فشرده بود که در هر سیزده روز مسابقات، از صبح تا شب اجرای مسابقات جریان داشت. در این رشته فرانسه و مجارستان هر کدام سه طلا و ایتالیا یک طلا دریافت کردند. مسابقات فوتبال در المپیک لندن، یکی از پوشکوفترین و پر ارزشترین مسابقات فوتبال، تا آن دوران بود. تیم فوتبال در المپیک لندن، اوج رقابت و هیجانات فوتبال را ترسیم کردند و سرانجام دو تیم سوئد و یوگسلاوی به سینه نهائی رسیدند که نتیجه آن ۳ بر ۱ سوئد بود. تیم فوتبال سوئد در آن دوران حقیقتاً یکی از تماشائی ترین تیمهای فوتبال بود که همیشه بیشترین تعداد گل را می‌زد و کمترین تعداد گل را دریافت می‌کرد. سوئدیه‌ها در المپیک لندن ۲ گل وارد دروازه کرده و تنها ۳ بار دروازه شان باز شد.

انواع مسابقات فایترانی، پاروژنی و کانون رانی، قسمتی بر روی رودخانه تایمز و قسمتی بر روی دریاچه‌های مخصوص، نمایشگر رقابتی‌های دیدنی و جالب بود و انگلستان که برگزار کننده بازیها بود سه مدال طلا از جمع چهار مدالی را که به دست آورد در این رشته‌ها تصاحب کرد.

بطور کلی در این المپیک از جمع ۵ ملت شرکت کننده، ۲۰ ملت حداقل یکی از شرکت کنندگان شان در بین ۴ نفر اول قرار گرفت که این دال بر جهانگیر شدن ورزش بود. آمریکا در المپیک لندن با دریافت ۴ مدال طلا، موفق ترین ملت‌ها بود و سوئد با ۱۳ طلا در ردیف دوم قرار گرفت.

المپیک ۱۹۰۸ لندن در تاریخ المپیکها، دوره‌ایست بسیار با ارزش و این‌تنه به خاطر رکورد هائیتست که بهبود بخشیده شد ویا مدالیهایی که افراد و ملتها به دست آوردند. بلکه بخاطر نقش ستودنی است که نهضت المپیک در گردهم آوری ملت‌های جنگ زده و بی‌اکنی دوستی‌های بین المللی مجدداً ایجاد کرد.

خوبیها و کفنه

از- عبدالسیبنا

کشتی انتخابی بین سنگین وزن ها وسط ساقه نوجوانان
برگذاز شد و در همان سوغ بود که ایوب تهر کرد!



کشتی گیر کوچولو به ایوب: بلند شو با جون..!! قهرمال بچه هاس..
بلند شو آفرین پسر خوب!!

مهاجرانی گفت بنظر من حفظ توپ خودش یک هنر است حالا به هر شکل که باشد!



این به اون: خیلی فوتیایست هنرمند به یک ریج ساخته که تونسته توپو بوسیله گاو صندوق حفظ کند!!

در ماقبل تاریخ در کوه و خیابان بازی میکردند



— طفلی ها هنوز دارن ست ماقبل تاریخ بازی میکنن !!

ورزشکاران اردو پایه های نیلا فروهر هنر نمائی کردند



نیلا: بابا یک مقدار از هنرها تونو هم بذارین توی المپیک ازش استفاده کنین !!

ده دانش آموز دختر و پسر شایسته برای دیدن بازیهای المپیک به سوئیتال میروند



اینا که ظاهرشون نشون میده شایسته نیستن؟
— بله قربان عوضش تا دلتون بخواد دک و فامیل شایسته دارن !!

برادرشماعی زاده نویسنده کیهان ورزشی شده است



عبداللهی نیا به شماعی زاده: آکه دنبال کار برادرت میرفتی
نون و آبش بیشتر بود!



هلندی ها در حد جام جهانی نبودند

تیم ملی فوتبال هلند بعد از کسب مقام نایب قهرمانی جام جهانی در خاک آلمان و پذیرفتن شکستی از آلمان در پداری تقریباً با پای و بسیار تماشائی - این بار تیم پیروز جام جهانی نبود. هلند که در دور مقدماتی هم از لهستان صفر برسه شکست خورده بود، این بار در نیتجه نهائی نیز یک برسه شکست از چکسلواکی و دیگر شرقی اروپا را پذیرفت. این شکست در حال نصب هلند شد که همه بزرگان از جمله کاپیتن کرونیف (نروسط، نشسته) حضور داشتند. در مسابقه رده بندی هلند بدون بزرگانش تیم بوسلایوی راسه بر دوبرد.

بنام خدا و در پرتو توجهات ولی عصر (ع) و به میمنت برگزاری جشنهای پنجاهمین سال شاهنشاهی نمایشگاه اتومبیل اتوتاپ

از این تاریخ افتتاح و آماده امور خرید و فروش اتومبیل میباشد

خیابان کورش کبیر پل رومی جنب بوسالینو
تلفن ۳۶۶۴۰۱ - ۳۶۲۱۷۰ - ۳۶۴۳۷۰
غلامحسین شهاب - کریم حمیدی

کنگره فدراسیون کشتی ایران رای و گداری جام

دکتروکل:

باشگاه تاج اتفاقاً امتیاز بیشتری نسبت به سایر باشگاهها دارد زیرا در تمام مسابقات باشگاههای سراسری ایران در سایر ورزشهای دیگر، هم شرکت داشته و هم به پیروزیهای خوبی دست یافته است و کار کشتی هم نمیتواند اشکالی برای باشگاه تاج بوجود آورد زیرا باشگاه تاج در حال حاضر با در اختیار داشتن هفت دستگاه تشک کشتی و چند تن مربی کار کشته در نقاط مختلف تهران، بهترین پایگاه سازندگی رانندگی بدست آورده و محققاً هیچ گونه دشواری در این باره نخواهد داشت.

امیرحمیدی (عضو کمیته فدراسیون):
چه مانعی دارد که باشگاه تاج برای کشتی سالیانه ۲۰۰ هزار تومان خرج کند زیرا همه از باشگاه تاج همین انتظار دارند.

دکتروکل:

مطمئن باشید اگر جام نخست بیدرستی شکل بگیرد ویا برنامه ای صحیح بکار خود ادامه دهد، از سال آینده ضمن آنکه هیچ باشگاهی در این راه ضرر نمیکند، ما مجبور میشویم بعلت استقبال مردم ورزش دوست در مورد یک ورزشگاه ۱۲ هزار نفری اقدام کنیم.

منصور تیریزی (نماینده باشگاه ذوب آهن اصفهان):

کارشناسان مالی ذوب آهن بررسی کرده اند که حدود ۷۰۰ هزار تومان خرج تیم کشتی ذوب آهن اصفهان در اولین دوره مسابقات باشگاهها خواهد شد. حالا باید دید فدراسیون کشتی برای کمک به ما چه تصمیمی بگیرد.

دکتروکل:

فکر نمیکنم اینطور باشد زیرا این رقم غیر قابل تحمل است و مطمئن باشید فدراسیون کشتی هر موقع احساس کند که تیمی احتیاج به کمک دارد بهر وسیله که شده او را باری میکند.

محمود بیات مختاری (نماینده باشگاه برق منطقه ای خراسان):

در آئین نامه مسابقات به کمک های فدراسیون اشاره نشده است.

دکتروکل:

حتماً این موضوع در طرح آئین نامه کنیاچیده خواهد شد و اصولاً آئین نامه مسابقات بهمن دلیل مورد بررسی مجدد قرار میگردد تا اشکالاتش برطرف شود.

نصرت الله سلطانی نژاد (نماینده باشگاه دخانیات تهران):

ما خوشحالیم که به کمک مدیر عامل شرکت دخانیات ایران در این مسابقات شرکت میکنیم و امیدواریم که مانند و ایلیال جام پاسارگاد - آکه در آن تیم ما بمقام قهرمانی نائل آمد

در این مسابقات بزرگ هم موفق باشیم تا بدین ترتیب کمکی به کشتی ایران کرده باشیم. در اینجا باید بگویم که صحبت های گرم و توأم با تعصب امیر حکیم زاده پیش کسوت کشتی چنان در من اثر گذاشت که الان این آمادگی را در خود می بینم که دوباره به تشک کشتی برگردم و اینک آرزو دارم که همگی باشگاهها در این مسابقات بزرگ موفق باشند.

دکتروکل:

ما اگر کار صحیح به مردم ارائه کنیم حتماً موفق میشویم ولی اگر بجای کار و برنامه درست «بیرکاغذی» تحویل همین مردم ورزش دوست بدهیم بطور یقین ناموفق خواهیم بود.

علیرضا زرنگی (نماینده باشگاه صنعت نفت کرمانشاه):

بنظر من تعداد امتیازاتی که برای پیروزی کشتی گیران و رده بندی تیمی در پایان دوره نخست جام در نظر گرفته شده قابل بررسی و تجدید نظر است. زیرا اگر ما بخواهیم نمرات منفی کشتی گیران را - که برابر مقررات بین المللی به بازندگان تعلق میگیرد - (۳- / ۵- / ۳-) بطور معکوس بعنوان امتیاز مثبت در حق بردگان منظور داریم، در اکثر موارد مخصوصاً به اخطار کردن و یا عدم حضور کشتی - گیران و یا سایر موارد دیگر، تئانی هائی بوجود میآورد که این تئانی ها متأسفانه

- در کارصعود و نزول تیم ها در رده بندی تیمی اثر فوق العاده ای می بخشد. لذا برای اینکه حقیقت جام از لحاظ این گونه جنجال ها و دسته بندیها محفوظ باشد، من شخصاً پیشنهاد میکنم که فقط یک امتیاز برای پیروزی هر کشتی گیر در هر شرایط در نظر بگیریم تا خدای تکرده نه کشتی گیرونه سرپرست باتوجه به نارسائی این ماده از آئین نامه نتوانند به دسیسه بازی و تئانی روی آورند و حتی را از کشتی گیر و یا تیمی ضایع کنند. این پیشنهاد پس از مشورت های لازم با اتفاق آرا تصویب گردید و در آئین نامه کنیاچیده شد.
- آنگاه استاد بلور محمد اسفندیاری و منصور رئیس هر یک در زمینه های مختلف اظهاراتی کردند و سپس طی مراسمی قرعه کشی بعمل آمد و نتایج بشرح زیر اعلام شد:
- ۱- باشگاه نیروخوزستان
- ۲- باشگاه برق ما زمران
- ۳- باشگاه ذوب آهن اصفهان
- ۴- باشگاه صنایع الکترونیک تهران
- ۵- باشگاه تاج تهران
- ۶- باشگاه صنعت نفت کرمانشاه
- ۷- باشگاه راه آهن تهران
- ۸- باشگاه ماشین سازی تبریز
- ۹- باشگاه شرکت دخانیات تهران
- ۱۰- باشگاه مسافران آب تهران
- ۱۱- باشگاه کارگران تهران
- ۱۲- باشگاه برق خراسان

قیمت از صفحه ۱۶

انگلیسی مقدماتی عالی

در منزل یا محل کار تلفن
۶۵۵۷۰۵

نیازمندیهاک تنها

دفتر هنرمندان

رابط کلیه هنرمندان جهت جشنها - عروسیها و ضیافتها خیابان شاه مقابل نیاگا را
تلفن های ۱۳۲۲ - ۶۴۱۳۲۲ - ۶۴۲۶۳۳

وام

روی سند اتومبیل . تلفن

ملک

۲۵۷۵۳۵
۲۵۷۲۹۴

د کتروریف قهرمان المپیک در. ۶ - ۱۹۵۶ میگوید:

با حدنصاب‌های برلن کسی قهرمان المپیک نمیشود!

قوتیر بود و همین باعث شد که عنوان قهرمانی را همراه با دست‌آوردن رکوردهای جدید جهانی مال خود سازد.

آمادگی روحی و زنده برداران ماهیچون آمادگی فنی و بدنی آنها در سطح عالی قرار داشت. در میان آنها سعید الله اف و پرویشین سستی بودند. آنها اگرچه قادر هستند حدود ۲۰ کیلو بر رکوردهای خود بیفزایند، اما هنوز با پدافصول فنی جدید پیشرفته را یاد بگیرند. بعضی از مربیان تصور میکنند که فتح این مسابقه، مقسمه پیروزی در المپیک مونترآل و نتایج بدست‌آمده بسیار مهم است. من با این نظر مخالفم.

برای توفیق در المپیک لازم است وزنه بردارهای ما در چندین مسابقه دیگر رکوردهای خود را ترقی بدهند بنظر من رکوردهای مسابقه‌های برلن برای فتح عنوان قهرمانی المپیک کم خواهد بود. و احتمالاً لازم میشود که وزنه برداران مانچ آید که کیلوگرم حدنصاب‌های خود را ترقی بدهند و من اطمینان دارم که قادر خواهند بود این مسأله را حل بکنند.

مسابقات با در نظر گرفتن امکانات وزنه برداران و رقابت آنها، داشتن تاکتیک هوشمندانه‌یی است. مربیان شوروی برای حصول موفقیت بررسی دقیقی از مسایل تاکتیکی بعمل آوردند. اما هنوز هم حوادث در کمین وزنه برداران جوان و کم تجربه هست با وجود آمادگی چه از نظر تکنیکی و چه از نظر بدنی نتوانند با آمانه‌های خود برسد. برای مثال پوسو عضو جدید دسته سبک‌وزن در اوج آمادگی نتوانست وزنه ۱۸۰ کیلو را که هم‌عنوان قهرمانی و نیز عنوان رکورددار جهان را در حرکت دوزرب باومی بخشید. در حرکت دوم دوزرب از دست داد. کولسینکوف در دسته پروژن دیوال بی‌دربی نمی‌توانست بر رقبای بلغاری خود چیره گردد. در این مسابقه‌ها اگرچه در حرکت یکم و دوم توفیقی نداشت ولی توانست در حرکت دوزرب بر رقبای خود فایز آید و عنوان قهرمانی اروپا را که نتیجه پیروزی روحی او میباشد، بدست آورد.

در مورد آکساندر واورین باید گفت که او در این مسابقه‌ها از رقبایش بسیار



↑ در عکس دکتر آرکادی وریف قهرمان المپیک در سالهای ۱۹۵۶ - عضو کمیته فنی فدراسیون بین‌المللی وزنه برداری دورین بست در کنار «شودل» رئیس فدراسیون بین‌المللی وزنه برداری دیده میشود. پشت سر وریف پرژبولسکی لهستانی رئیس فدراسیون وزنه برداری اروپا دیده میشود.

فشرده‌گی مسابقه‌ها بدی بود که در هر وزن دوسه نفر مبارزه شانه‌بشانه‌یی برای قهرمانی داشتند چون لازمه پیروزی در این گونه

بعد از خاتمه مسابقه‌های وزنه برداری قهرمانی اروپا ۱۹۵۶ در برلن شرقی، آرکادی وریف قهرمان المپیک‌های ۱۹۵۶، مبلورن و ۱۹۶۰ رم و برنده مدال برنز بازیهای المپیک ۱۹۵۲ هلسینکی، عضو کمیته فنی فدراسیون بین‌المللی وزنه برداری و مفسر ورزشی خبرگزاری «تاس» مسابقات برلن را برای خوانندگان تفسیر کرد. او این مسابقه‌ها را از جهت رکوردهای بدست‌آمده بسیار ستود و گفت: «تقریباً در تمام وزن‌ها برای قهرمان شدن لازم بود که رکوردهای جهانی مجموع در حرکت تکرار وحی شکست شود. بعلاوه

بر اوزان وزنه برداری همیشه بنفع ما بوده و درخشش وزنه برداران ما در گذشته دورو نزدیک بیشتر بخاطر تغییر اوزان بوده است. برای مثال اگر دسته جدید سنگین وزن از ۹ کیلو بالا تا ۱۰ کیلو برسم شود، علی‌ولی و هوشنگ کارگر نژاد - که با وزن بدن ۱۰۰ و ۱۱۰ کیلو - بچنگ غولان میروند آسوده‌خاطر با هم‌وزن‌های خود بسیار خواهند کرد و به موقعیت بهتری در سطح جهان دست خواهند یافت.

مسابقه‌های دسته ۵۲ و ۱۱۰ کیلوگرم در بازیهای المپیک مونیخ نیز مورد توجه قرار گرفت. در مکزیک وزن زیموند اسمالجر قهرمان جهان در سالهای ۱۹۶۱ - ۱۹۶۰ نخستین مدال طلای المپیک این وزن را با مجموع ۳۳۷/۵ کیلو به‌کردن آویخت. بدین ترتیب عنوان نخستین قهرمان و رکورددار این دسته در المپیک به زیموند اسمالجر معلم ۲۷ ساله لهستانی تعلق گرفت. تاج قهرمانی دسته سنگین‌وزن جدید را نیز بان‌تالس از شوروی تصاحب کرد. او با مجموع ۴۸۰ کیلو (ده کیلو کمتر از رکورد جهان) برنده مدال طلا شد.

برداری افزوده شد و در هلسینکی مسابقه‌های وزنه برداری در هفت وزن برگزار شد. این هفت وزن مدت ۱۵ سال ثابت باقی ماند تا سرانجام در مکزیکو پس از بحث‌های شورا نیکز مفت وزن به نه وزن تغییر کرد و دو وزن جدید که به اوزان هفتگانه سابق وزنه برداری افزوده شد، مکزیکوزن تا ۵۲ کیلو و به اضافه ۱۱۰ بود.

در مسابقه‌های وزنه برداری بازیهای المپیک مونیخ مسابقه‌های دسته ۵۲ کیلو ۱۱۰ کیلو برای اولین بار برگزار شد. گفته میشود که در اجلاس قبل از مسابقه‌های وزنه برداری که در مونترآل یکی از پیشنهادات مهم افزودن یک وزن بر اوزان نه‌گانه فعلی است کمیابسی از دسته سنگین جدا شود.

در مسابقه‌های وزنه برداری اتحاد جماهیر شوروی ایندسته یعنی ۹ تا ۱۰۰ کیلو مدت هاست آزمایش میشود و با توجه به نفوذ این کشور با افزایش در کمیته‌های مختلف وزنه برداری هیچ بعید نیست که اوزان وزنه برداری به‌ده وزن افزوده شود که البته بنفع وزنه برداری ما نیز هست اما معلوم نیست‌رأی مسؤولان وزنه برداری مادر این مورد چه خواهد بود؟ فقط می‌خواهیم یادآوری کنیم که افزودن



از: هنریک تمرز

وزن اول: پروژن تا ۶ کیلوگرم.
وزن دوم: سبک‌وزن از ۶ کیلو تا ۶۷/۵ کیلوگرم.
وزن سوم: میان‌وزن از ۶۷/۵ کیلو تا ۷۵ کیلوگرم
وزن چهارم: نیم‌سنگین از ۷۵ کیلو تا ۸۲/۵ کیلوگرم
وزن پنجم: سنگین‌وزن از ۸۲/۵ کیلو تا بی‌نهایت.
در بازیهای المپیک لندن (۱۹۴۸) مسابقه‌های وزنه برداری در شش وزن انجام شد و بدین ترتیب دسته خروس‌وزن تا ۵۶ کیلوگرم به ابتدای اوزان وزنه برداری افزوده شد. در بازیهای المپیک هلسینکی (۱۹۵۲) دسته میان‌سنگین از ۸۲/۵ کیلو بالا تا ۹۰ کیلو.

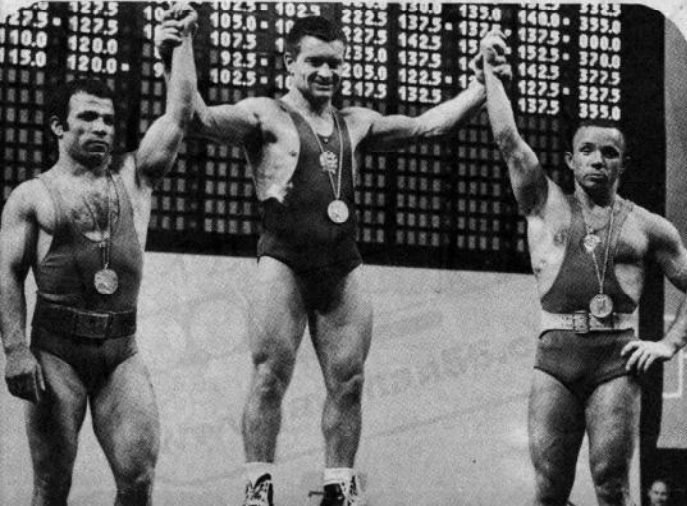
پس از سه سال آزمایش بر اوزان وزنه -

در اجلاس مسابقه‌های وزنه برداری - که در نوزدهمین دوره بازیهای المپیک مکزیکو، تشکیل شد - بنا به تصمیم هیأت رئیسه و کمیته فنی فدراسیون بین‌المللی وزنه برداری دو وزن بر اوزان هفتگانه وزنه برداری افزوده شد تا در مسابقه‌های جهانی سالهای مابین دو المپیک ۷۲ - ۱۹۶۸ مورد آزمایش قرار گیرد و در صورت موفقیت بطور رسمی در جریان بازیهای المپیک ۱۹۷۲ مونیخ گنجانده شود. این دو وزن - سنگین‌وزن ۱۰۰ کیلو و میان‌سنگین‌وزن ۸۲ کیلو، بسیار شورانگیز بدگذاشت و ده‌ها بار رکوردهای نوین‌یادی آنها زیرورکدید و رکوردهای ارزشمندی در سه حرکت المپیک به‌ثبت رسید.

با کوسوسکی وزنه بردار سنگین‌وزن شوروی مجموع ۵۹۰ کیلو را برپا کرد و در مکزیکوزن هوارتر از آن از مجارستان مجموع ۳۴۲/۵ کیلو را به‌ثبت رساند.

با حذف حرکت پرس از حرکات کلاسیک وزنه برداری و تقلیل آنها به دو حرکت یکضرب و دوزرب ایندور کورد را جاودانه کردند. در هفته‌های اول این سلسله مقالات تحقیقی آمد که اوزان وزنه برداری و مسابقه‌های آن در بازیهای المپیک محدودی نداشت و وزنه برداران بدون در نظر گرفتن وزن بدن رقابت میکردند!

در بازیهای المپیک ۱۹۲۰ اتورپ بلژیک برای اولین بار شرکت کنندگان به پنج وزن تقسیم شدند. بدین‌ترتیب:



← محمد نصیری قهرمان المپیک مکزیکو در دسته خروس‌وزن در المپیک مونیخ (۱۹۷۲) تلاش بسیار کرد. تا مقام قهرمانی خود را حفظ کند اما اینبار ایبرفولدی وزنه بردار کهنه کار مجاری به تمام بدالبانی‌های گذشته‌اش جواب داد و روی سکوی قهرمانی ایستاد. در عکس او را آن بالا با لاه و محمد نصیری را در سمت چپ روی سکوی دومی و گنادی چنین قهرمان معروف شوروی را روی سکوی سومی می‌بینید.

وزنه برداری ایران میخواید

سه نماینده در فدراسیون بین المللی داشته باشد :

برومند، صادقی و کدخدازاده

در کنگره فدراسیون بین المللی وزنه برداری نه در بازیهای المپیک مونیخ تشکیل شد و دو ساعت طول کشید، تغییرات عمده‌یی در قوانین بین المللی وزنه برداری بعمل آمد و تصمیمات جدیدی اتخاذ گردید که مهمترین آنها حذف حرکت پرس از سه حرکت اصلی وزنه برداری بود که با ۳۳ رأی موافق و ۳ رأی مخالف بعمل نزدیک شد. و اما مهمترین مسأله‌یی که موجب دسته بندی و نزدیکی شد، انتخاب رئیس جدید در فدراسیون بین المللی وزنه برداری بود که هر چهار سال یکبار صورت میگردد. در مونیخ برای احراز ریاست، دو تن سخت بهم پیچیدند و سرانجام «گوتفرد شولد» اهل اتریش که مدت هشت سال در هیأت رئیس فدراسیون بین المللی عضویت داشت با ۳۳ رأی بر کلان رئیس جانسون آمریکائی رئیس سابق پیروز شد و میدانیم که مدت چهار سال است که این سمت را برای خودش حفظ کرده است. در کنگره بازیهای المپیک مونترآل نمایندگان ملت های حاضر در

در هفت وزن سابق، وزنه برداران بلغاری سخت با بچ وزنه برداران شوروی (۹ تهران المپیک) بودند و در پایان مسابقه سه مدال طلا (۳ طلا، یک نقره و یک برنز) دریافت کرده بود. شکست دادند و تیم مجارستان با یک مدال طلا، یک نقره و سه مدال برنز سوم شد. تیم ایران با یک مدال نقره - که محمد نصیری در دسته خروس - همراه تیمهای لبنان و آلمان غربی مشترکاً کشمش در رده بندی تیمی از لحاظ امتیاز وزنه برداران بلغاری در رأس قرار گرفتند. آنها ۷۲ امتیاز برنده جام قهرمانی جهان ۱۹۷۲ شدند. وزنه برداران شوروی با ۵ امتیاز سوم شدند و مجارها نایب قهرمانی جهان را با ۴ امتیاز چنگ آوردند و ایران با ۱۵ امتیاز دهم شد!

در حال حاضر نیز وزنه برداری جهان در دست گوتفرد شولد اتریشی رئیس فدراسیون بین المللی و دوستانش پزدپلسکی وزنه برداری بود.

بقیه در صفحه ۴۶

در عکس گوتفرد شولد رئیس فدراسیون بین المللی وزنه برداری از اتریش همراه آسن استایف دبیر کل فدراسیون بین المللی قاره اروپا از بلغارستان دیده میشود.



دکتر منسن صالحی



اسماعیل کدخدازاده



دکتر مسعود برومند



برزدپلسکی رئیس فدراسیون بین المللی اروپا همراه آسن استایف دبیر کل خود

- ۲- نوربرت اوتو میکل هستان ۴۹۷/۵ (۱۶۵ + ۱۸۷/۵ + ۱۴۵)
- ۳- گورگی هوروات مجارستان ۴۹۵ (۱۶۰ + ۱۹۲/۵ + ۱۴۲/۵)
- میان سنگین ۹۰ کیلو
- ۱- آندون تیکولف بلغارستان ۵۲۵ (۱۸۰ + ۱۶۰ + ۱۵۵)
- ۲- آتاناس شاپوف بلغارستان ۵۱۷/۵ (۱۸۰ + ۱۹۲/۵ + ۱۴۵)
- ۳- هانس بتم بزرگ سوئد ۵۱۲/۵ (۱۸۲/۵ + ۱۸۵ + ۱۴۵)
- سنگین وزن ۱۱۰ کیلو
- ۱- یان تاتس شوروی ۵۸۰ (۲۱۰ + ۲۰۵ + ۱۶۵)
- ۲- الکساندر کراچیف بلغارستان ۵۶۲/۵ (۲۰۲/۵ + ۱۶۲/۵ + ۱۹۷/۵)
- ۳- استفان گروژنر آلمان شرقی ۵۵۵ (۳۰۷/۵ + ۱۶۲/۵ + ۱۸۵)
- مافوق سنگین ۱۱۰ کیلو
- ۱- واسیلی آکسیف شوروی ۶۴۰ (۲۳۵ + ۲۳۰ + ۱۷۵)
- ۲- رودولف مانگ آلمان غربی ۶۱۰ (۲۱۵ + ۱۷۰ + ۲۲۵)
- ۳- کرد بونگ آلمان شرقی ۵۷۲/۵ (۲۰۰ + ۲۱۷/۵ + ۱۵۵)

- ۱۰۷/۵ + ۱۴۰ + ۱۰۰ کیلو
- ۱- نورایر نوریکیان بلغارستان ۴۰۲/۵ (۱۵۷/۵ + ۱۱۷/۵ + ۱۲۷/۵)
- ۲- دیتو شاینده شوروی ۴۰۰ (۱۲۷/۵ + ۱۲۰ + ۱۵۲/۵)
- ۳- یانوس بنه دک مجارستان ۳۹۰ (۱۲۵ + ۱۴۵ + ۱۲۰)
- سبک وزن ۶۷ کیلو
- ۱- سوخاری گیزینف شوروی ۴۶۰ (۱۴۷/۵ + ۱۱۷/۵ + ۱۳۵ + ۱۲۰)
- ۲- ملادین کویچف بلغارستان ۴۵۰ (۱۶۷/۵ + ۱۲۵ + ۱۵۷/۵)
- ۳- زینکین کاژمارک لهستان ۴۳۷/۵ (۱۶۷/۵ + ۱۲۵ + ۱۴۵)
- ۵- نصرالله دهنوی ایران ۴۳۵ (۱۵۰ + ۱۶۰ + ۱۱۵)
- میان وزن ۷۵ کیلو
- ۱- یوردان ییکوف بلغارستان ۴۸۵ (۱۶۰ + ۱۸۵ + ۱۴۰)
- ۲- محمد ترابلسی لبنان ۴۷۲/۵ (۱۶۰ + ۱۷۲/۵ + ۱۴۰)
- ۳- آتسملو سیلوینو ایتالیا ۴۷۰ (۱۵۵ + ۱۷۵ + ۱۴۰)
- نیم سنگین ۸۲/۵ کیلو
- ۱- لایف بن نروژ ۵۰۷/۵ (۱۷۲/۵ + ۱۸۵ + ۱۵۰)

کیلو با صد گرم سنگینی وزن بدن به مقام دوم برسد.
در دسته خروس وزن فولدی قهرمان المپیک مقام خود را حفظ میکرد اما نصیری نایب قهرمان به مقام پنجم سقوط میکرد! لطفاً نتیجه بقیه اوزان را هم خودتان حساب کنید!

قهرمان المپیک مونیخ با مجموع دو حرکت

- ۵۲ کیلو: آنگ برنه ۲۵۵ (۱۲۰ + ۱۰۵)
- ۵۶ کیلو: فولدی مجارستان ۲۵۰ (۱۰۷/۵ + ۱۴۲/۵)
- ۶۰ کیلو: نوریکیان بلغارستان ۲۷۵ (۱۱۷/۵ + ۱۵۷/۵)
- ۶۷/۵ کیلو: گیزینف شوروی ۳۱۲/۵ (۱۷۷/۵ + ۱۳۵)
- ۷۵ کیلو: ییکوف بلغارستان ۳۲۵ (۱۸۵ + ۱۴۰)
- ۸۳/۵ کیلو: بنی سن نروژ ۳۳۵ (۱۸۵ + ۱۵۰)
- ۹۰ کیلو: نیکولوف بلغارستان ۳۴۵ (۱۹۰ + ۱۵۵)
- ۱۱۰ کیلو: گروژنر آلمان شرقی ۳۷۰ (۱۶۲/۵ + ۲۰۷/۵ + ۱۱۰)
- ۱۱۰ کیلو: آکسیف شوروی ۴۰۵ (۱۷۵ + ۲۳۰)

مکس وزن ۵۲ کیلو

- ۱- زیگموند اسمالجر لهستان ۳۳۷/۵ (۱۲۵ + ۱۰۰ + ۱۱۲/۵)
- ۲- لاگوس ژوس مجارستان ۳۳۰ (۱۰۷/۵ + ۱۲۷/۵ + ۹۵)
- ۳- ساندور هولزراوتر مجارستان ۳۲۷/۵ (۱۲۲/۵ + ۹۲/۵ + ۱۱۲/۵)
- ۱۰- محمد ناصحی ایران ۳۰۵ (۹۰ + ۹۵ + ۱۲۰)

خروس وزن ۶۵ کیلو

- ۱- ایمره فولدی مجارستان ۳۷۷/۵ (۱۲۷/۵ + ۱۴۲/۵ + ۱۰۷/۵)
- ۲- محمد نصیری ایران ۳۷۰ (۱۲۷/۵ + ۱۴۲/۵ + ۱۰۰)
- ۳- گنادی چیتین شوروی ۳۶۷/۵ (۱۲۰ + ۱۴۰ + ۱۰۷)

رده بندی ملت ها	طلا	نقره	برنز	مجموع
۱- بلغارستان	۳	۳	۶	۱۲
۲- شوروی	۳	۱	۵	۹
۳- مجارستان	۱	۱	۳	۵
۴- لهستان	۱	۱	۱	۳
۵- نروژ	۱	۱	۱	۳
۶- ایران	۱	۱	۱	۳
لبنان	۱	۱	۱	۳
آلمان غربی	۱	۱	۱	۳
۹- آلمان شرقی	۱	۱	۱	۳
۱۰- سوئد	۱	۱	۱	۳
۱- ایتالیا	۱	۱	۱	۳



پهلوانک‌های ایران

اختتام مسابقات

در مراسم اختتام مسابقات که با حضور دکتر محمدتوکل رئیس فدراسیون کشتی ایران و عده کثیری از علاقمندان انجام شد، قیلا محمداسفندیاری دبیرفدراسیون کشتی ایران از تماشاگران و سرپرستان و مربیان بخصوص از صاحب مؤسسه کیهان و از کاظم کیلان پور سردبیر کیهان ورزشی اظهار تشکر کرد و اجرای مسابقه‌های نوجوانان را که با همکاری کیهان ورزشی انجام میشود یک برنامه اصولی و پراهمیت تلقی کرد. آنگاه رئیس فدراسیون کشتی ایران با توافق قهرمانان تیم ملی کشتی آزاد ایران - که شاهد مبارزات پرشکوه پهلوانک‌ها بودند - مدال و حکم قهرمانی و همچنین ۴۲ جام نفرت اول تا سوم هر روز را که از طرف کیهان ورزشی تهیه شده بود به برندگان اهداء کرد. در پایان جام انصاف به تیم استان زنجان و جام اخلاق به همایون فتاحی پهلوانک چهارمعال بختیاری داده شد. در مجموع احوالات نیمی، بدون در نظر گرفتن امتیاز تهران و استان مرکز، مازندران با ۵ امتیاز اول، خراسان با ۲۸ امتیاز دوم و کرمانشاه با ۲۵ امتیاز سوم - زنجان با ۲۱ امتیاز چهارم، اصفهان با ۱۸ امتیاز پنجم و لرستان با ۴ امتیاز ششم شدند. مربیان این تیم ها نیز جامهای اول تا سوم را از رئیس فدراسیون و قهرمانان تیم ملی دریافت داشتند.

حضور کاظم کیلان پور سردبیر کیهان ورزشی در تالار مسابقات باعث شد که عده‌ای

دوین دوره مسابقه‌های کشتی آزاد قهرمانی نوجوانان ایران که از ساعت ۹ بعد از ظهر هشتم تیرماه در تالار ورزشی محمدرشاه آغاز شده بود، پنجشنبه شب گذشته به پایان رسید. اولین دوره مسابقه‌های نوجوانان در سطح کشور تحت عنوان جام کیهان ورزشی سال گذشته برگزار شدو در دومین دوره مسابقات ۲۵۵ کشتی گیر از ۲۲ استان و فرمانداریکل شرکت داشتند که با مقایسه با سال قبل گرایش نوجوانان بخصوص شهرستانیها باین رشته ورزشی سنتی قابل بشارت است.

پته‌مطلبان به آب افتاد

متأسفانه در این مسابقات باز عده‌ای که از مرز جوانی هم گذشته اند با دستکاری در شناسنامه هایشان خود را نوجوان جا زنده و امتیازاتی کسب کردند و حق سایر نوجوانان را پایمال نمودند.

اکنون که فدراسیون کشتی می رود بنا به ریزی برنامه های امرولی ورزش سنتی ما را باوج خود برساند باید با قاطعیت تمام جلو اینگونه اعمال را بگیرد تا باعث نوبیدی و دلسردی نوجوانان واقعی نگردد. از جمله کشتی گران که بچارت میتوان گفت از مرز جوانی نیز گذشته اند، عبارتند از باقرکلاهی، محمودساموران، محمود پرده یاقوت، حمید بهدادوندی، قنبر کاویان، کرامت لهروری، محمدعلی کریمی و اصغر اصغری.

بعضی از آنها آفتدر ریش و پشم داشتند که حریفان نوجوان از آنها وحشت میکردند!

از کشتی گران و مربیان با او درددل کنند. از جمله عده‌ای از مربیان شهرستانی از کمبود امکانات نالیدند و سردبیر کیهان ورزشی قول داد که نیازهای آنان را با مقامات ورزش در میان بگذارد.

نتایج انفرادی مسابقات

پس از طی ۹ دوره مسابقه و با انجام ۴۷۵ کشتی نفرت اول تا ششم هر روز بشیخ زیر معرفی شدند:

۲۳ کیلو: ۱- اسماعیل آقاهاادی از تهران
۲- یعقوب مدانلو از مازندران ۳- محمدرضا اسدی از خراسان ۴- علی اشرف طیبی از کرمانشاه ۵- حسین صادقی از لرستان ۶- علی محمد فتاحان از ایلام.

۲۶ کیلو: ۱- محمود حیدری از استان مرکز ۲- مجید ترکان از مازندران ۳- رضابو جاری از همدان ۴- عبدالعلی حسینی از خراسان ۵- نجات علیزاده از تهران ۶- کاظم دیرین از آذربایجان شرقی.

۲۹ کیلو: ۱- محمد فیض الله زاده از استان مرکز ۲- جعفر کبری قره خواز کرمانشاه ۳- ابرج همتی از خوزستان ۴- احمد مدعی از اصفهان ۵- یوسف شریتی از مازندران ۶- محمود میرحسینی از یزد.

۳۳ کیلو: ۱- رضا فرخ زاد از مازندران ۲- محسن شهباز از خراسان ۳- احمد مرادی از کرمانشاه ۴- محمد علی حفاری از استان مرکز ۵- رضا ادب زاده از تهران ۶- حسین بنیادی از کیلان.

۳۵ کیلو: ۱- یعقوب نجفی جویباری از مازندران ۲- عباس اعتصامی از تهران ۳- فرهاد فضائی از خراسان ۴- ناصر نژاد از خوزستان ۵- رسول اسماعیل دانالونی از آذربایجان غربی ۶- محمد فاتح از فارس.

۳۸ کیلو: ۱- اکبر بابائی از مازندران ۲- محسن کاوه از تهران ۳- محمد شهسواری از همدان ۴- ابوالقاسم عوشار از استان مرکز ۵- اسدالله رضائی از لرستان ۶- جلال حسینی از کرمان.

۴۲ کیلو: ۱- ناصر حسین پور از مازندران ۲- ناصر خلیلی از لرستان ۳- یدالله عزتی از زنجان ۴- علی حسینی حسینی از آذربایجان- شرقی ۵- رضاملانی از کرمانشاه ۶- ناصر جواهری از کردستان.

۴۶ کیلو: ۱- جمشید شکرپانی از تهران ۲- رسول زارعی شمس آبادی از اصفهان ۳- محمد شهیدی آقائی از استان مرکز ۴- غلامرضا صلواتی از استان ساحلی ۵- رسول منصور از زنجان ۶- حسینعلی حسوندا از لرستان.

۵۰ کیلو: ۱- علیرضا میری الیاس از کرمانشاه ۲- رضاشاه جری از زنجان ۳- حسن ابنائی از خراسان ۴- اصغر فرخ زاده از تهران ۵- حسین قربانی از استان مرکز ۶- علی قاسمی از آذربایجان غربی.

۵۵ کیلو: ۱- اصغر سلیمان ریزی از اصفهان ۲- محمدرهنکی از تهران ۳- احمد یاری از استان مرکز ۴- محمدرادفر از کرمان ۵- محسن دارائی از کرمان ۶- احمد سلیمان یون از زنجان.

لطفاً ورق بزنید

گروه فرهنگی آذر

از نهم تیرماه صبح و عصر کلاسهای زیر را تشکیل میدهد.

- ۱- کلاسهای تجدیدی پنجم و ششم ریاضی و طبیعی و نظام جدید (نظری).
 - ۲- کلاسهای تقویتی ششم ریاضی و طبیعی و کلاسهای نظام جدید (نظری).
- علاقمندان برای ثبت نام میتوانند همه روزه از ساعت ۸ صبح الی ۱۲ و از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۸ به محل های زیر مراجعه کنند.

- ۱- دبیرستان شماره ۱ آذر خیابان نادری چهارراه قوام السلطنه تلفن ۶۷۱۷۰-۶۴۳۴۴۲
- ۲- دبیرستان شماره ۲ آذر میدان بهارستان خیابان صفی علیشاه تلفن ۳۰۱۱۰-۳۱۸۴۸۱
- ۳- دبیرستان شماره ۳ آذر کریم خان زند تقاطع بهجت آباد تلفن ۸۹۴۰۱۵-۸۹۴۶۷۱

تسلیمت

محمد بلوری همکار کیهانی ما هفته گذشته عزادار بود.

صمیمانه تسلیم می گویم و برای آنها سلامت و طول عمر از وی تمیمن.



هفته گذشته سرهنگ فریدون صادقی مدیر باشگاه پاسبان تهران در سرگ یکی از عزیزان خود سوگوار بود.

هیات تحریر کیهان ورزشی صمیمت و اراده را به سرهنگ صادقی و خانواده های وابسته تسلیم می گوید و برای آنها صبر و شکیبایی و عمر دراز آرزو میکند.



هفته گذشته با حضور دکتور هوشنگ نهاوندی رئیس، شاهرخ امیر ارجمند معاون و اساتید و دانشجویان دانشگاه تهران پایان سال ورزشی این دانشگاه جشن گرفته شد. این مراسم در باشگاه دانشگاه تهران برگزار شد و ضمن تقدیر از ورزشکاران رشته های مختلف، دکتور تقی زکری رئیس باشگاه کمیته ملی المپیک ایران نیز به سبب سوابق و افتخاراتی که طی سال گذشته از ورزشکاران دانشگاه به عمل آورده بود یک لوحه یادبود دریافت کرد.

آقایان بهمن - حسین و رضانسیم

مصیبت وارده را از طرف شاگردان خوزستان تسلیت عرض نموده بقی عمر با نامزدگان را آرزو مندیم.

هیاتشای خوزستان - قزلباش

کیهان ورزشی یک میلیون ریال جایزه میدهد

و یک شرکت کننده را به مونت رآل میفرستد

جایزه یی میدهد که از میان کسانی که سوالات ویژه برداری و کشتی پاسخ درست بدهند بحکم قرعه یک بلیت رفت و برگشت به مونت رآل و بلیت تماشای مسابقات این دو رشته داده شود و پاسخ درست بدهد آن کس که بهتر از دیگران جواب داده است برنده این جایزه شود و به همین دلیل ما جوایز مربوط به پیش گوئی این دو رشته را حذف کردیم تا برنده خوشبخت این جایزه پیش از شروع المپیک معلوم شود. بدیهی است جوایز پندی کیهان ورزشی برای هر سؤال و برای کسی که همه سوالات هر رشته درست جواب داده باشد نیز محفوظ است.

تا کنون پاسخ سوالاتی از فوتبال و وزنه برداری که مهلت آنها بسر آمده در کیهان روزانه چاپ شده و جوایز چندین از برندگان خوشبخت هم داده شده و نام آنها در کیهان منعکس گشته است و از امروز سابقه ما در رشته کشتی آغاز میگردد.

نخستین سؤال کشتی از ابقراست.
* نخستین کشتی گیر فرنگی کار ایران که در بازیهای المپیک مدال گرفت کیست؟

وزنی که او کشتی بگیرد، نوع مدال و سال المپیک را ذکر کنید. بطور کلی بنویسید که ایران تا کنون چند مدال المپیک در کشتی فرنگی گرفته است.

جایزه این سؤال چند هزار ریال است.

روش اجرا میشود. در هر یک از رشته هایی که مسابقه گذاشته شده قسمتی مربوط به بازیهای المپیک گذشته است و قسمتی هم پیش گوئی درباره نتایج المپیک مونت رآل میباشد. جایزه سوالاتی که جواب آن مربوط به بازیهای مونت رآل میشود پس از پایان مسابقات آن رشته توزیع میشود اما جوایز سوالات دیگر را برندگان میتوانند روز بعد از انتشار نتیجه، از کیهان ورزشی دریافت کنند. برای پاسخ دادن به هر سؤال چهار روز تمام مهلت داده شده است. باین ترتیب خوانندگان که تا کنون شرکت نکرده اند میتوانند شماره روزنامه های هفته گذشته را از دفتر موسسه کیهان (خیابان فردوسی - کوچه اتابک) بخرند و آنرا بر کرده و برای ما بفرستند.

توجه داشته باشید که به شرکت کنندگان در این مسابقه از طرف کیهان ورزشی شماره یی داده میشود که تا پایان مسابقات دارای همان شماره خواهند بود و این مورد کارما را برای بررسی جوایز رسیده یی اندازه تسان می کند. خواهشمندیم حتما شماره های را که به شما میدهد و روز بروز در کیهان چاپ میشود در روی پاکت و رویه، کوبین بنویسید.

جایزه بزرگ یک ورزش دوست

یک بازرگان ورزش دوست که اصرار دارد بهیچوجه نامش گفته و نوشته نشود، چون به رشته های وزنه برداری و کشتی علاقه مند است

سابقه بزرگ کیهان ورزشی برای خوانندگان مورد چنان استقبالی واقع شده که کیهان ورزشی را ناچار به استفاده از چند تن خارج از کادر خود کرده است.

کیهان ورزشی همیشه در آستانه رویداد های بزرگ یک نوع مسابقات ورزشی میان خوانندگان خود ترتیب میدهد و جوایز بزرگی هم برای برندگان آن تعیین میکند. این بار نیز در آستانه بازیهای المپیک مونت رآل مسابقاتی در رشته های وزنه برداری، فوتبال، کشتی، دو و میدانی و مشت زنی ترتیب داده است که از جنبه گذشته شروع شد و پنجشنبه پیش قسمت فوتبال و وزنه برداری آن پایان یافت و از امروز مسابقات کشتی آغاز میشود.

مسابقات در مجموع یک میلیون ریال جایزه نقدی و چندین جایزه دیگر دارد و هفته گذشته نیز یک بازرگان شیفته ورزش حاضر شد جایزه بزرگی به بهترین فرد شرکت کننده بدهد. این بازرگان مایل نیست نامش فاش شود.

مسابقات به این ترتیب است که در هر رشته شش سؤال مطرح میگردد و روزی یک سؤال در کیهان چاپ میشود. هر سؤال یک جایزه جداگانه دارد که در مورد فوتبال، جودو، جودو، کشتی و سایر رشته ها می باشد و به یکی از کسانی که به همه سوالات جواب درست داده باشد نیز مبلغ پنجاه هزار ریال جداگانه داده میشود. در چهار رشته ورزشی دیگر نیز همین

زنانه لیست از آلمان شرقی مساوی کند. «اینکه هلتن» ۲۵ ساله - که در هفته پیش با زمان سنخ الکترونیکی رکورد جهانی ۱۰/۹ ثانیه را بجا گذاشته بود - با ۹/۴ ثانیه دوم شد.

در دو ۱۰۰ متر بارکورد ۱۰۰ متر با تاون جهان مساوی کرد او با زمان سنخ دستی این مسافت را در ۸/۱۰ ثانیه طی کرد. بیشتر ۲۵ ساله در حالیکه مخالف باد شدید می دید توانست بارکورد سه ساله

هدف اول فوتبال عربستان سعودی تیم ایران است که در مقدماتی جام جهانی رقیب شماره یک بشمار می رود. **تساوی بار کورد ۱۰۰ متر جهان** آلمان غربی - خانم آنکرت بیشتر از آلمان غربی

بیل مک گاری مربی تیم ملی فوتبال عربستان شد

لندن - بیل مک گاری مربی انگلیسی فوتبال قرارداد دو ساله مربیگری تیم ملی فوتبال عربستان سعودی را بعد از دیداری از این کشور قبول کرد. اوایل سال ۱۹۷۶ مک گاری از مدیریت تیم فوتبال وولورهمپتون معزول شد زیرا تیمش به دسته دوم سقوط کرد. مک گاری از افزایش حقوق ماهیانه اش خودداری کرد ولی حلسی زده می شود حدود چهل هزار لیره انگلیسی (حدود نیم میلیون تومان) باشد. مک گاری گفت که عربستان سعودی قصد دارد بهترین تسهیلات فوتبال را برای جوانانش بوجود آورد و ضمن آن یک تیم ملی نیرومند نیز بسازد. او افزود: اگر آنان به نیمی از هدف خود برسند، برای سالهای بعدی تیم های نیرومندی خواهند داشت. قرارداد مک گاری - که از ماه آینده موعود آن شروع می شود - به توصیه جیمی هیل شخصیت تلویزیونی فوتبال انگلستان پایه گرفت.

چندی پیش جیمی هیل با قراردادی پنج ساله و بسیار کلان به سمت مشاور فوتبال عربستان سعودی منصوب شد تا فوتبال این کشور را به روی نقشه فوتبال جهان بیاورد.

آقای مرتضی عزیزی

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به سر کار تسلیت گفته و برای بازماندگان آن سعید قید صبر و شکیبائی آرزو نمینماید
باشگاه ورزشی پرسپولیس

آقای مرتضی عزیزی

با کمال تأسف و تأثر فراوان مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترمان تسلیت گفته، برای بازماندگان آن سعید قید از خداوند متعال معادلت و سلامت آرزو نمینماید
مجید رضائی خیا بانلو - امینیان - فهیمی

فرخ آباد آزاله تعال با کوه نهران
آرایش جلیپا
مردانه
باجد به ترین مند و با وزیده ترین
آرستارن به زبانی موی شامی افزایه
فرشته زکرم زهر تخمین فر
تلف ۳۳۱۲۳۱

پیکاه
برای کلاسهای تجدیدی، تقویتی - چهارم، پنجم و ششم طبعی، ریاضی، ادبی - نظری و انبساطی تحصیل
همه روزه از ۸ صبح الی ۹ شب ثبت نام میکنند.
مخبر الدوله - سعدی شمالی - کوچه جنوبی بمیه - تلفن ۳۹۳۰۸۵



از: داود الماسی

باتیم ملی کشتی تا آبشا

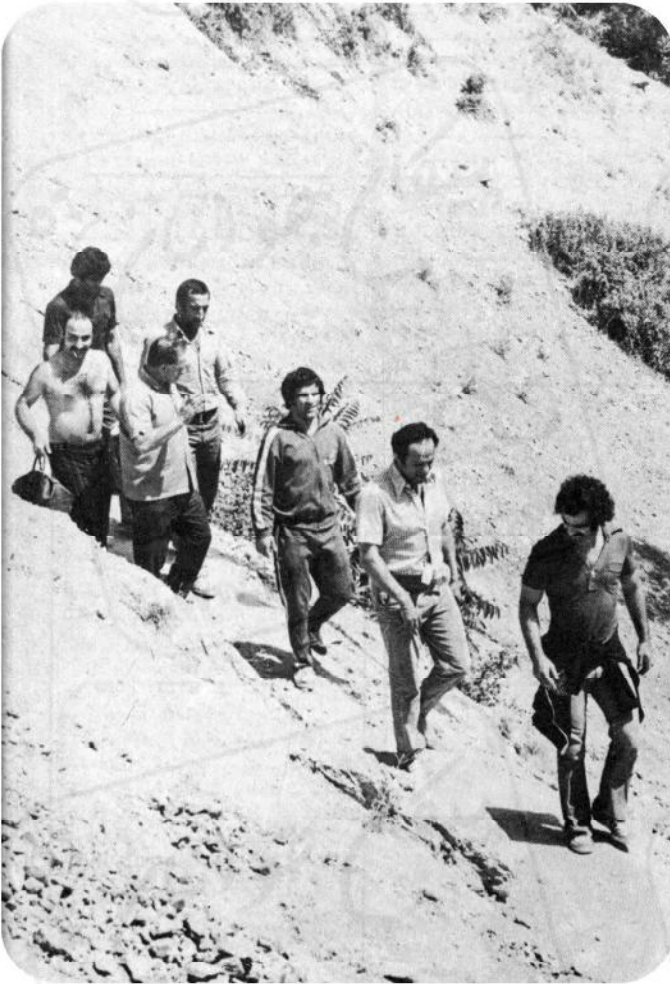
آیاسوخته سرایی ♦♦

گله صنعتکاران و عاشقی سوخته سرایی!

نفتی - آی نفتی!

این، موضوع اصلی شوخی و گفت و گوی چند ساعتی کشتی گیران تیم ملی ایران در صعود از دربند تا پس قلعه بود و البته تا اواخر این برنامه نفریحی هیچکس سراز قصبه در نیارود تا بالاخره یکی از کشتی گیران راز عشق و دلدادگی طالقانی و سوخته سرایی را فاش کرد!

در این کوه پیمایی نیم روزه، کشتی گیران ده هندوانه، پنجاه تخم مرغ، دو کیلو عسل، بیست نان بربری چند کیلو خرما و نبات خوردند و مقدار زیادی اکسیژن خالص استنشاق کردند. چیزی که در شهر و دگر گرفته ماحکم کیمیا دارد.



نوانی با دلخوری صنعتکاران را مخاطب قرار داده و میگوید: آقا این بود پیک نیکی که اینه از آن تعریف میکردی! عجب تر: فرح وشی، جهان شاه کریمی، سعادت (دستیار صنعتکاران) و بزرگز دیده میشوند.

در مسیر صعود صنعتکاران مرتب عجب جلوبیکند و به گروههای مختلف بچه ها سرزنند. ششم هر چند لحظه بایک گروه، از کوه بالا میروم. بزرگز، روحی و طالقانی باهمند. بزرگز از فرصتی که پیش آمده خیلی خوشحال است. بمن میگوند: « آقا عجب هوای خوبییه. این آقا صنعت یک هفته است به همه میگه میریم صفا، میریم پیک نیکی. مطمئن هستیم که آقا از

صن هر کس اضافه وزن داره میتونه یک هندونه بغل کنه و بالا بره. قبل از کوهنوردی هیچ کس حق نداره جز یک لیوان شیر چیزی بخوره. آقای سعادت، پدر جون! توهم آذوقه هارو به یکی از قهوه خونه های سر راه ببر تا در رکشت مصرف کنیم. بچه ها هر کی دوست داشته باشه میتونه به آقای سعادت کمک کنه. همه کشتی گیران با هم: آقا دست خوش، کسی تخفیف بدین!

طالقانی و کریمی (کشتی گیران تعریفی اردو) آقا مانه اضافه وزن داریم نه قراره مونترال بریم همینجا نموناشیم. می خوامیم! صنعت کاران: بله اصلا احتیاجی نیست ولی شش دونفر مأمورین تمام خوردنی ها و نوشیدنی ها را با کمک سعادت بیارین بالا! بزرگز: آقا بمن دوست دارم به سعادت کمک کنم.

صنعت کاران: یک چیزی بغل کن برو بالا. بچه ها هر کت. فرار ما زیر آفتاب و قفلو. اونجا به قهوه خونه ای هست که باید صبحونه بخوریم یا الله، بچنین.

خدر: آقا صنعت، بزرگز دو پینگ کرده که فقط یک جعبه مقواتی خالی با خودت بره بالا؟! بزرگز: نه جون شما آقا صنعت، پراسباب انا نیس.

خدر: آره جون خودت. یک سرسوزن هم توش نیس.

سوخته سرایی: آقا جیغاً یک دوسه. همگی با هم: « نفتی آی نفتی! »

صنعتکاران: راستی سوخته سرایی، یادت باشه کوه شوخی بردار نیس ها.

سوخته سرایی: آقا من خودم ببر کوهستانم!

صنعتکاران: اینو باید تو مونترال ثابت کنی. آقا اونجا نیمه پاشی مبدال میبیری! لفظه من بعد طین دادودقاسی، آواز سوخته سرایی و فریاد جمعی کشتی گیران در کوههای البرز می پیچد که با هم دم داده اند: « نفتی آی نفتی! »

ساعت ۶ با مبادا روزه سینه صنعت کاران مری تیم ملی کشتی آزاد همد کشتی گیران را از خواب بیدار میکند و از رستوران اردو خبر میدهند که آذوقه آماده است. کاروان آماده حرکت است و لحظه ای بعد بایک صلوات بلند انبوس بطرف شمال شهر بره میاتند، چدها اندک اندک خماری از سرشان می برد. اول سوخته سرایی شروع میکند و میگوند: آقا صنعت تورا یخدا به جانی بریم که ساز و ضرب داشته باشه! صنعت کاران در جواب میگوند: بریم سریند.

بزرگز: آقا بی حاشی که صفا داشته باشه. صنعت کاران: با پا شما خودتون همه صفا دارین این همه صفار! نجابیریم؟ یکی از کشتی گیران از ته مینی بوس: آقا

کرتیم هرجا که شما بیرین. حبیب فتاحی: آقا آکه فقط دو تا باتری برای این ضبط صوت. من بخون تا نوار داودقاسی را بچش کنه، هرجا که بگین می آیم. محبی: آقا مو نوار کرمانشاهی مو نیارودوه.

سلیمان: اصلا آقا یک، دو، سه. همگی با هم: نفتی آی نفتی!

همه بچه ها دم میدهند: نفتی آی نفتی! مینی بوس به میدان تخریش میرسد صنعت کاران به راننده دستور میدهند که بطرف دربند حرکت کنه.

فرح وشی: آقا صنعت مثل اینکه راستی راستی به جاهائی میریم شجا که گفتین میریم پیک نیکی؟

صنعت کاران: شبسه یک دقیقه دندون رو جیگر بردارین؟ فتاحی بیا برو باتری بخر. به نفر اون توانی تیل رو از خواب بیدار کنه.

بهر صورت کاروان به سریند میرسد. اینجا صنعت کاران سخن رانی کوتاهی میکند که همه دمع میشوند. معلوم میشود که از پیک نیکی خبری نیست. صنعت میگوند: « بچه ها حیفه از این هوای صبحگاهی استفاده نشه. پس برنامه پیک نیکی تغییر پیدا میکنه و به کوه سیرنیم. در

رد و قلو

کیلویی عاشق یک دختر ۶۰ کیلویی فیلی پنی شده؟!!

اول گفته بود صبح به این زودی میانیم کوه، صدمه دیده و مریض در اردو زیاد میشد. بعد صنعتکاران سر درد دل روز با میکنه و همونطور که هن میکنه صحبت هم میکنه. در همین موقع صنعتکاران به گروه ما سرسید و میگود:

منصورخان ایقدر حرف نزن از رقا عقب سونی!

مری تیم ملی وقتی میفهمد صحبت از چیست تازه سردردش با میشود و میگود: تنمورخان، برو سوناب چدها باش. تا بن چند کلمه حرف حساب بزنم بگم خود شما صدار در نوشته هاتون اعلام نکردین که از بردن همراهان بی ثمر خود داری کتین؟ مگه این آقایون که هر روز به ما مینازن گوشه نشون کوه؟ شخص اول مملکت میفرمایند به جوونا امکان بدین. ماچه کردیم؟ ما اومدیم از سروس پور کسه سربى شایسته بی است خواهش کردیم تاجشوبه جووتراها بده و به جای او جوادى رو می بریم. من از شما می پرسم که جوادى بیشتر به ورزش مملکت ما کمک کرده یا سروس پور؟ جوادى در آینده برای ما میتونه شترنمر باشه یا سروس پور؟

مگه نوانی مال این مملکت نیسی؟ در این لحظه نوانی که یکبار به پایگاه اصلی رفته و برگشته بما سرسید و اعتراض میگود: آقا صنعت بدو، طالقانی و سعادتى پروای هندونه ها، خیمه زدن! اگر دیر برسین هندونه ها و وضربه میکنن!

صنعتکاران به دو به پایگاه اصلی میروند و نوانی میگود:

« آقا به تمام مقدسات قسم آگه من حرفی نداشته باشم. این سید آبروی منو همجا برده به جون مادم. قسم بعد از اینکه اون ضربه کردم در تختن تالار محمد رضا شاه پیش اون رفته و گفتم: «سیدجون تو استاد منی. توشایسته تری، تو بزرگ کشتی منی، حتی میخواستم دستشو بیوسم اما این مرد رفته پیش دکتر توکل و گفته نوانی بعد از پروزی اومده پیش من و منو به فحش گرفته! خدرا شکر که بچه هائی که اونجا بودن اومدن به دکتر گفتن سید چاخان میگه. برای دوستداران سید هم یک پیغام دارم: من چه بی برمتی به سید کردم که باسن پدرتاری میکنن. من قسم خورده بودم که در اینمورد حرفی نزنم. اما آگه نمیگفتم برام عقده میشد. دیدید که بعد از کشتی، هم سید رو بوسیدم و هم به طرفدارانش که کاری جز هو کردن من نداشتن - تعظیم کردم. این آقا سید که برای رفتن به مونترال از هیچ کاری در حق من کوتاهی نمیکند...»

نوانی را با درد دل هایش میگذارم و سراغ بقیه میروم.

صنعت کاران: این کشتی گیرها فقط وقتی دست از غذا خوردن بر میدارن معلوم میشه که چکار کردن نگاه کتین تنها چیزی که مونده آب رودخونه! بی انصافا! ۵ کیلو هندونه خوردن.

بزرگ: یک، دو، سه: «فتی آی فتی!» نشد... هر کی نگه انشاءالله تورا پائینی دربند برت و پلا بشه و به مونترال ترسه! یک... دو... سه: «فتی آی فتی!»

طالقانی: منصورخان جون اون مدالی که قراره تو مونترال بگیری بسه دیگه. اینم شد حرف؟ دلمون از این فتی... فتی بهم خورد.

روحی: آره بابا، پس یک... دو... سه. همکی با هم: «فتی آی فتی!»

و فتی درباره جمله ای که چندین بار از دهان کشتی گیران خارج شده تحقیق می کنم... روشن میشد که طالقانی در نفت فروشی محله داوودیه با یک دختر آشنا شده و همین روزهاست که ازدواج آنها سر می گیرد و حالا بچه ها سرش میذارن.

حبیب فحاسی: فکر میکنم طرف از کلفت های اعیان و اشراف باشه. آگه مثل من آدم درست و حسابی بود که تو نفت فروشی کاری نداشت؟!!

محمی: (با لهجه کرمانشاهی) بابا، به خورده حیا هم خوبه! میکن، طرف تشنگه؟ خلدو: خوب اومده نفت فروشی نعت بخوره، مگه عیبی داره؟ خلدو: آگه لیلیپنی باشه بدنیسن!

بزرگ: نه آقا صنعت جون شما دختره دانشجوی سال دوم علم و صنعته اومده نفت - فروشی تا با طالقانی تلفن بزنه!

نوانی: آقا صنعت، جون تو، و جون این جوانای مرد چکنه طرف کار دست خودش بده؟

صنعت کاران: نوانی، تو که ناسه طرف رو قاپیدی و خوندی چه جور بود؟ آگه خطش مثل خودش باشه. وای بر طالقانی!

نوانی: خط دختره نشون سیده که باید به چیزی باشه. کلفت نیسن.

طالقانی: آقا بسه دیگه! سوخته سرائی... کیلویی با کلفت... کیلویی لیلیپنی دوستشده هیشکی هیچی نمیکه. اما همه واسه مادس گرفتن!

بزرگ: بابا نموم کتین دیگه، مخمون باد کرد... کشتی گیران پس از یک صعود مفید و شادی بخش به اردو رفتند که قول خودشان راحت بخوابند. به آنها گفتم خوابهای خوش ببینند. خواب مدال طلا!

پهلوانک های ایران

علی عظیم زاده از تهران ۳ - اصغر صغری از مازندران ۴ - باقر کلانی از استان سرگز ۵ - زاهد سرداری از آذربایجان غربی ۶ - علیرضا صدیق مجرد از خراسان

۶ کیلو: ۱ - رحیم احمدی از خوزستان ۲ - بهروز ترابی از زنجان ۳ - اسماعیل عبدالله زاده از آذربایجان غربی ۴ - علیرضا شیرانی از اصفهان ۵ - مرتضی ناهید سیمعی از لرستان ۶ - بهزاد صیفی خانی از گیلان

۵ کیلو: ۱ - محمود برنده باقوت از تهران ۲ - قنبر کویان از مازندران ۳ - محمدعلی کریمی از زنجان ۴ - محمد رضا عفت دار از خراسان ۵ - محمود بهدادوندی از لرستان ۶ - عباس زراعتی از اصفهان

۷ کیلو: ۱ - محمود ماموران از تهران ۲ - محمود اسکندری از استان سرگز ۳ - حسین لطفه گوی از خراسان ۴ - علیرضا فرسی جو کاراز کرمانشاه ۵ - ایرج کلایی از آذربایجان غربی ۶ - یژن شی از آذربایجان ۷ - سید رحیم نزول از گیلان ۲ - ۷ کیلو

مهدی شیرگر، محمود عزیزی پور، اصغر حسینی کشتی بزرگسالان

مرحله دوم مسابقات کشتی آزاد بزرگسالان از ساعت ۵ بعد از ظهر امروز در تالار محمدنصیری آغاز خواهند شد.

مهدی رابط

کادر قوی آموزش قابستانی

با ثبت نام در کلاسهای تجدیدی

و تقویتی دبیرستانهای امید

ایران و هخامنش قبولی خود را تضمین نمایید.

دبیرستان هخامنش آیزنهاور بین نواب و رودکی تلفن ۹۴۹۱۶۵
دبیرستان امید ایران حشمت الدوله باستان تلفن ۹۳۲۸۳۱

کلاسهای تجدیدی، تقویتی، تکدیس دبیرستانهای

زاگرس و فیروز

چهارم - پنجم - ششم اول - دوم - سوم

راهنای و نظری

طبیعی و ریاضی

همه روزه صبح و عصر ثبت نام میکنند

کادر آموزشی:	حبر	گلشن مصطفوی برندی نژاد	شاه	آریزفر مصطفوی شیراندی
ششم ریاضی:	صاب	رچنجی - طالبی - دغانی	دورچی	بنائی حقیقی - موسوی
	فرید	خانپور شهبازی - قلی	سایک	سهندی - شهبازی - قلی
	شیمی	میش - گودزری - میرحکاک	زبان	امیری - راحت - میوردی

ششم طبیعی:	شاه	جوهری - رضائی - کلشن	فرید	خانپور - شهبازی - قلی
	شیمی	میش - گودزری - میرحکاک	زبان	امیری - راحت - میوردی

کلیه وجوه دریافتی به سرودیت امتحانات شبانه مسترد خواهد شد.

واحد شماره ۱ خیابان سیمتری - بین محمد شاه دبیرستان زاگرس تلفن ۹۲۰۰۸۲

واحد شماره ۲ خیابان آریزنهاور بین نواب سبلی دبیرستان فیروز تلفن ۹۲۸۹۲۱



تورالمپیک

مونترال

طنین تشویق‌های شما در المپیک مونترال قهرمانان وطن را به شوق می‌آورد.

هنگامیکه میلیونها مردم در سراسر جهان در آرزوی دیدن المپیک مونترال میباشند شما در قلب دهکده المپیک از نزدیک شاهد تمام مراسم و رویدادها هستید.

۲۲ روز ۱۲۰۰۰ تومان

باصبحانه آمریکایی. حرکت ۲۴ تیر

دیدار از زوربخ - مونترال
(۱۷ روزه دیدار از مراسم باشکوه بازیهای المپیک) پاریس.

شامل بلیط رفت و برگشت هواپیما و اقامت در هتل‌های دولوکس و درجه یک.

گروه تورهای ایران

همسفر شما، درگشت‌های ورزشی

آژانس‌های مسافرتی گروه تورهای ایران برای تهیه بلیط و رزرو جا

ارسی خهبان سپهبد زاهدی خهبان سهند	تلفن ۹۰-۸۶-۸۱۲۰۸۶
ایران تور خهبان نادرتا محبت خهبان کامکار نلفن	۸-۸۲۲۲۱۷
اینترنا خهبان ویلا شماره ۱۸	تلفن ۹-۸۲۴۸۵۸
ایران اکسپرس خردمند شمالی شماره ۱۳۵	تلفن ۳-۸۲۲۰۷۱
بلموند خهبان ویلا چهار راه ناصر	تلفن ۸-۸۹۴۲۷۵
پرسپولیس خهبان ویلا شماره ۱۰۰	تلفن ۳-۸۲۱۰۱۱
پرسیده آبی میدان ونک اول خهبان بزریل	تلفن ۱-۶۸۲۰۰۰
دور دنیا خهبان ویلا شماره ۹۴	تلفن ۶۲ و ۵۹-۸۲۹۶۵۹
سانی روزولت بین تخت جمشید و نوبا	تلفن ۵-۸۳۵۰۴۱
سورس خهبان ایران شهر شماره ۲۸۰	تلفن ۹-۸۲۹۱۴۵
سفرن خهبان سپهبد زاهدی شماره ۲۳۰	تلفن ۸-۸۲۹۹۸۷
سپروس تراول خهبان سانی شماره ۳۳	تلفن ۳-۸۳۰۶۵۳
پرش گلف آجنسی تخت طاوس اول میرعماد نلفن	۵-۸۵۸۲۷۱
لوانت اکسپرس خهبان سعدی ۴۴۷	تلفن ۵-۳۰۴۹۳۱
یونورسال خهبان شاه بین لاله و بیغ شماره ۹۵	تلفن ۸-۶۶۶۹۶۵
آهیکو شاهرضا نبش خهبان راسر شماره ۴۵۰	تلفن ۱۰-۸۲۸۹۱۰

ورنه برداری ایران سنجواهد... قبه از صفحه ۴۱

برای حفظ موقع خود چه کار باید بکنیم؟

این سئوالی است که بارها شده و جواب ما اینست که تخت فدراسیون وزنه برداری را از کسانی که خاک تخنه وزنه برداری را نخورده‌اند پاک کنیم و بعد این را آویز به گوش خود سازیم که هر کس در کمیته‌های مختلف پذیرفته میشود این نام « ایران » است که آنها را مقبول مینماید. اما عدم حضور مستجابان در مسابقات، دوستان ما را در کمیته‌های مختلف رنجانیده و این بسیار سخت است که سمت‌های خود را در مجامع بین المللی حفظ کنیم مگر اینکه پیشرفت‌های عظیم ما در سایر شئون، زیر دست و پال نامتادگان ما را بگیرد.

گفته میشود که امیرسعود برومند از ایران بعنوان نازد عضویت در هیأت رئیسه فدراسیون بین المللی معرفی شده و ما بسیار امیدواریم که با انتخاب شدن او موقعیت ایران در هیأت رئیسه حفظ شود و این بستگی دارد به طرز کار نماینده مادر المپیک مونترال که چگونه و با چه روشی ما سایر نمایندگان بسازد و بچویند. البته عدم حضور تیم وزنه برداری ایران در مسابقات‌های قاره آسیا تا اندازه زیادی به ما لطمه زده است. ما در مسابقات‌های جهانی موقعیت خود را از دست داده ایم. متأسفانه گروهی که از ایران در کنگره مونترال شرکت میکنند یک پارچه نیستند و این به ضرر ایرانست.

بخت اسماعیل کدخدازاده برای راه یافتن به کمیته فنی فدراسیون بین المللی زیاد است و سمت او بعنوان دبیر فدراسیون آسما ممکن است باو باوری کند بخت دکتر محسن صادقی هم در کمیته پزشکی فدراسیون بین المللی بسیار بلند است و احتمالاً، بسیار است که برای چهار سال دیگر در این کمیته انتخاب شود. ما این هشدار را به افرادی که در مونترال جع خواهند شد میدهم که اختلافات خود را کنار بگذارند و این را هیچوقت فراموش نکنند که حسن و حسین در کمیته‌ها عضویت در نمی‌آیند، بلکه این نام ایرانست که در کمیته‌بی انتخاب میشود و بعد طرز کار آن شخص است که موقعیت ما را در کمیته‌ها حفظ میکند.

گروه فرهنگی خزائلی

کلاسهای تجدیدی و تقویتی - پسرانه و دخترانه

گروه فرهنگی خزائلی برای کلاس‌های زیر ثبت نام مینماید:

- ۱- ششم ریاضی - طبیعی و ادبی - تجدیدی و تقویتی در دو نوبت صبح و بعد از ظهر
- ۲- چهارم و پنجم ریاضی - طبیعی و ادبی
- ۳- سالهای اول و دوم نظری (نظام جدید)
- ۴- سالهای اول - دوم و سوم راهنمایی

تاریخ شروع : کلاسهای صبح ۱۲ تیرماه - کلاسهای بعدازظهر ۱۵ تیرماه
کادر آموزشی :

ریاضیات: فیروزگان - صدوق - حقیقی - نظری - بدیعی - مستقیم کشیشیان - خانم غیاتی - شکرچی - صحیحی

فیزیک و شیمی: خسروی - افشارپور - نیکپور - اسکندری - سعیدی - عربشاهی - پورحمیدی - خدابخش

زبان: عطیعی - مصلح - دکتر رضایور - تنی - خانم رضوانپور

دروس رشته ادبی: میرمیرانی - همرسی - ابطعی - سعیدی

آموزشگاه پسرانه خزائلی - شاه‌آباد - کوهجمعی تلفن ۳۱۸۰۰۶۹۳۱۸۸۱

آموزشگاه دخترانه خزائلی - شاه‌آباد - اول ظهر الاسلام تلفن ۳۱۷۳۲۷



کوین کیگان مرد طلایی فوتبال اروپا

مجله «اونز» فرانسوی که یکی از معتبرترین
مجلات فوتبال اروپاست کوین کیگان را بعنوان
مرد فوتبال اروپا برگزید.





بهترین چیزها در زندگی آنها می است که با پول نمیتوان خرید.
عشق، جوانی، سلامتی... و کوکا کولا که یک استثناء است.

لذت دوستی و نشاط را با کوکا کولا جستجو کنید



ضیائے

<http://www.javanan56.com>

که سرنوشت یک مسابقه قهرمانی سنگین وزن در طول ۱۵ دوری که دو سشت‌زن زیر نور خیره کننده نورافکن‌ها و در حضور هزاران شاهد پرچوش و خروش رو در روی هم قرار می‌گیرند، تعیین می‌شود. بدون شک این جزئی از آن است نه تمام آن. ولی یک مسابقه شش‌زنمانند یک جنگ است: جنگ واقعی و پیروزی و شکست درجای دیگری شکل می‌گیرد. خیلی دورتر از جبهه و مدتها پیش از اینکه وارد صحنه شود. در محل‌های تمرین و در جاده‌ها.

یک سبیل باقی مانده بود که می‌بایست دوم. قلب داشت از قفسه سینه‌ام بیرون می‌آمد. قطرات درشت عرق تمام صورت و بدنم را پوشانده بود. می‌خواستم از دویدن دست بردارم، ولی آن روز را برای سنجش نیروی من در نظر گرفته بودم. می‌خواستم بدانم در چه وضعی هستم و چقدر باید تمرین کنم. باین دلیل هروقت حسن می‌کردم که دارم متوقف می‌شوم با طرف نگاه می‌کردم و جورج فورین را «می‌دیدم» که مرا تعقیب می‌کند و در چند قسمی من است!

و بازمه سریع‌تر می‌دویدم. حدود شصت و سه متر دیگر باقی بود و هر قدم پیش از یک مفسر بنظر می‌آمد. با نیروی ذخیره‌ام می‌دویدم ولی بخوبی می‌دانستم که هر قسمی که پس از خستگی مفرط بریدم نیروی مخصوص مرا می‌سازد و از مجموع دویدن‌های دیگر من با ارزش‌تر است. به چیزی احتیاج داشتم که مرا به پیش براند و مانع ایستادنم شود. از نقطه شروع پنج سبیل دور شده بودم. جورج داشت کمک می‌کرد. احساس می‌کردم در کنارم قدم برمی‌دارد. مثل اینکه داشتم از هوش می‌رفتم. واقعاً خسته شده بودم. بنظم رسید که جورج دارد از من جلویی افتد. همین انگیزه و جرقه کافی بود. اقتدر قدم‌هایم را تند کردم تا حس کردم به او رسیدم. او هم عرق کرده بود و صدای ضربان قلبش را می‌شنیدم. قلبم گنگ می‌ماند که گنگی می‌خواست منفر شود ولی همچنان به پیش می‌رفتم. به جورج نگاه کردم، گفتم خود را به دست باد سپرده بودم. من برده بودم. با اینحال حس می‌کردم در شرایط دلخواه نیستم. می‌دانستم که راه درازی در پیش دارم. از نفس افتاده بودم. گلویم می‌سوخت می‌خواستم روی زمین دراز بکنم ولی می‌بایست با ایستادن و بی‌لوم و مقاومت کنم. کرچه و نه من غایب نبود ولی می‌دانستم که با کار جاده‌ای «دار» از او پیش می‌افتد.

اگر رازی در مورد مسابقه‌هایم وجود داشته باشد در نحوه تمرینات و آمادگی من نهفته است. در شش سال نخست کارم حتی از تصور اینکه در جای خاصی که دور از مردم باشد تمرین بکنم بیزار بودم. هیجوقت باور نمی‌کردم روزی مانند شش‌زن بزرگ قدیمی جای خاصی داشته باشم. میل داشتم همیشه در کنار مردم باشم. بهین دلیل همیشه چند هفته پیش از هر مسابقه در شهری که قرار بود مسابقه انجام شود تمرین می‌کردم. با مردم صحنه‌ام می‌خوردم و پس از تمرین به سرسرای هتل محل اقامتم می‌رفتم، با مردم دست می‌دادم، به حرف‌هایشان گوش می‌دادم و به آنها اضااف می‌دادم. این کار حتی تا روز مسابقه هم ادامه می‌یافت. من عاشق مردم بودم. نمی‌توانستم حتی یک هفته دور از آنها در یک اردوی تمرینی زندگی کنم چون زندان را به آن ترجیح می‌دادم. ولی از وقتی که محل خاصی بهمین منظور ساختم حتی پیش از آنچه در خانه‌ام می‌مانم در اردو می‌ماندم. این اردو کوهی یکی از بهترین انواع آن در تاریخ شش‌زنی بوده است و همیشه از زندگی در آن راضی بوده‌ام. چه چیزی توانست مرا تا این حد عوض کند؟ نخستین مسابقه‌ام با فریزر. پس از آن مسابقه برای نخستین بار در زندگی‌ام احساس می‌کردم به استراحت نیاز دارم. «مارک کرام» نویسنده «اسپورتز ایلوستریتد» نخستین مسابقه من و فریزر را «نادود تنه‌تند» مسابقه تاریخ بین مردان گنده» نامید. چه هفت هفته در میاستان خوابید و مدتها طول کشید تا در استخوان‌گرای و آرام‌گرمتم. ورم چانه‌ام از این‌ها رفت.

فکر کردم قدیمی‌ها در چنین مواقعی چه می‌کردند و از هنجای خود که به ایجاد اردوگاه مخصوص خودم در پسیلوانیا پرداختم. پس از ساختن اردوگاه که همه چیز در آن در نظر گرفته شده بود، با تیریه جان‌کننده‌هایم اقدام، درخت‌ها را ریشه کن می‌کردم و از تیریه‌ها بالا و پایین می‌رفتم. درست مانند شش-

زنان قدیمی و این وضع اعتماد بیشتری در من بوجود آورد.

ولی برای مسابقه با فورین سخت‌ترین روش‌های سابق را بکار بستم. غذاهای پرچربی را کنار گذاشتم و برنامۀ غذایی مناسبی ترتیب دادم. روزنامه که می‌کردم و کتاب‌های مناسبتی جسی ساید. به تدریج به من ثابت شده است که اگر یک سشت‌زن سه یا چهار هفته بدون رابطه جنسی کار کند، برایش خیلی بهتر است. آنوقت می‌تواند آسان‌تر به شرایط دلخواه برسد. یک هفته اول سخت است و عصبانی می‌شود ولی اگر مقاومت کند نتایج بی نظیری بدست خواهد آورد. بعد بدین ریج نریوندتر می‌شود. بهتر می‌تواند بدود و از هر لحاظ از نظر جسمی وضعیتش تغییر خواهد کرد. عقیده دارم هر قدر زنان این محرومیت بیشتر باشند بهتر است.

چهارم طول میکشد تا یک سشت‌زن برای شرکت در مسابقه آماده شود؟ اغلب قهرمانان سنگین وزن گذشته چهار تا شش ماه پیش از مسابقه تمرین می‌کردند.

بعضی‌ها هم یکسال وقت صرف آمادگی می‌کردند. جورج چهارم پیش از رفتن به ژنیر تمرینات خود را آغاز کرد ولی برای من دوام تمرین کافی بود. چون من هر دو یا سه ماه یکبار در یک مسابقه تمرین می‌کردم و آماده بودم. من هرگز نمی‌گذارم از فرم خارج شوم. حتی وقتی در خانه هستم و بلا می‌خواهم به بقای سرک‌زیر پرم پیاده یا بدویوم. غذای مناسب می‌خورم. مشروب می‌خورم و سیگار هم نمی‌کشم. غذاهای چرب نمی‌خورم و چون مسلمان هستم غذاهای موافق با موازین اسلام را می‌خورم. عقیده‌ام که برنامه غذایی در سرعت تأثیر بسیاری دارد. حتی بدترین و سریع‌ترین خورده‌گران قبول دارند که من سریع‌ترین سشت‌زن سنگین وزن تاریخ هستم.

پس از کنترل وزن بدنم به فکر انتخاب چند پار تمرینی اقدام که روش کارشان مشابه با روش کار فورین باشد. از مدتها پیش به مطالعه روش کار فورین پرداخته بودم. قیل‌های تمام مسابقه‌های او را دیده بودم. قیل‌های راسیک سنگین کرده و به نحوه شکست آنها دقیق شده بودم. بازمه در جستجوی اطلاعات تازه‌ای بودم که بهنگام روبروشدن ناوا کاملاً آسوده خاطر باشم.

برای مسابقه با فورین سه پار تمرینی خاص در نظر گرفتم: «باسمان جونز»، «لاری هولمز» و «روی ویلیامز» که سشت‌زنانی جوان سریع، دقیق و باهوش بودند. من، آنجلو، بلا دیویدینی با تقاطح‌طراحی ریختم. من معمولاً وقتی برای یک مسابقه بزرگ تمرین می‌کنم، با بدطرحی داشته باشم و می‌گویم که تا حد امکان به آن عمل نسایم. زمان و مدت معینی برای دویدن، استراحت، خوردن و کار در ورزشگاه در نظر می‌گیرم.

برای مسابقه با فورین یک هفته بود که تمرین را آغاز کرده بودم. ساعت پنج صبح شروع به دویدن می‌کردم. در سه روز اول، برای عادت کردن به دویدن هر روز فقط یک مایل می‌دویدم. پس از آن هر روز یک مایل اضافه می‌کردم. این رمز کار من است. دفاع من به مسابقه‌هایم متکی است. هروقت ضعف نشان دادم بخاطر ضعف باهایم بوده که نتوانستم برقصم و خود را از دسترس حریف دور کنم. چنان زانو دویدن افراط می‌کردم که اگر لازم باشد بازنده بودم با فورین بهنگم بتوانم مقاومت کنم. میدانستم که در صحنه در هیچ شرایطی اقتدر خسته نخواهم شد. اگر یک روز سه مایل می‌دویدم و خسته نمی‌شدم یک با دو مایل دیگر می‌دویدم که خود را خسته کنم.

پس از دویدن مدتی پیاده‌روی می‌کردم و به کارهایی که آن روز در پیش داشتم فکر می‌کردم. پس از پیاده‌روی استراحت می‌کردم و مدتی در اتاق می‌ماندم، روزنامه و مجله می‌خواندم یا تلویزیون تماشا می‌کردم. حدود ساعت ۷ صبحانه می‌خوردم. البته خیلی کم پس از آن از ساعت یازده تا ساعت یکتوبی می‌خوابیدم. تساعت دوروی صحنه سرتفت. قبل از تمرین کامل دوره‌تفت به‌روی صحنه فایده‌ای ندارد. باین دلیل قبل از شروع تمرینات روی صحنه دست کم پنج روز فقط تمرین در کردم. وقتی تمرین داخل صحنه را آغاز می‌کنم درست همان مقررات هنگام مسابقه را رعایت می‌کنم: پس از هر سه دقیقه کار یک دقیقه استراحت. چون اگر

قرار باشد بجای یک دقیقه پنج یا ده دقیقه استراحت کنم فایده‌ای نخواهد داشت. زیرا چنانچه سرحال و در شرایط دلخواه باشم همان یک دقیقه کافی است و اگر نباشم باید بیشتر بدوم از این گذشته همیشه پس از انجام همه تمرینات دیگر در حالیکه کاملاً خسته هستم با باران تمرینی‌ام کار می‌کنم و از آنها می‌خواهم با تمام قدرشان حمله کنند.

هر روز برنامه کارم را خودم تنظیم می‌کنم. هرگز برمیانی نداشتم‌ام که من بگویم چه بکنم و چه جور مسابقه بدهم. این که در قیل‌های من ببیند یک مربی سیگار بر لب مرتب فریاد می‌زند: این کاروکن! اون کاروکن! نشان دهندۀ ابتدائی بودن مطلق آنها است. این حرف‌ها نیست که قهرمانان را می‌سازد قهرمانان از چیزی ساخته شده‌اند که عمقاً در خود آنها و در درون آنها وجود دارد: یک آرزو، یک خواست و یک میل شدید. قهرمانان با بد تا آخرین نفس نیرومند باشند و سرعت داشته باشند. آنها باید مهارت و اراده داشته باشند. ولی ارادشان باید قویتر از مهارشان باشد. سشت‌زنان بسیاری به‌ر باری ضعیف‌تر از خود که میل و اراده شدید به پیروزی داشته‌اند، باخته‌اند.

سشت‌زنان مانند کشف‌ها هستند. آنها چیزهایی در باره رقیبان یا خوششان کشف می‌کنند که دیگران چیزی از آنها نمی‌دانند. باین دلیل هیچکس نمی‌تواند به آنها بگوید چگونه و چگونگی و چه بکنند. مربی می‌تواند سر صبح سشت‌زنان را از خواب بیدار کند، با حوله‌های تمیز و وسایل لازم در کنارش باشد. محافظ دندان‌ش را بگذارد و تر و خشکش کند. برایش روزنامه بیاورد و سواظیت کند که غذای مناسب او بیوف حاضر باشد و بارهای تمرینی او را انتخاب و مستخدم کند. اینها وظایف یک مربی است. ولی در پایان همه چیز پیاده سشت‌زن و با خود او است.

پس از پیروزی بر فریزر احساس آرامشی داشتم که معمولاً به یک سشت‌زن از آن تصفیه کردن یک حساب قدیمی دست می‌دهد. لکه شکست از فریزر و نوزتون را پاک کرده بودم و برای نخستین بار به باز نشستی فکر می‌کردم. به یک زندگی متفاوت با همسر و بچه‌هایم، به دور از ورزشگاه‌ها و اردوگاه‌ها، مسعنه‌های شش‌زنی و کنفرانس‌های مطبوعاتی. فورین از اضااف قرارداد با مسابقه با من خودداری می‌کرد و هر کدام از مسابقه سازان که با او گفتگو می‌کردند بنحوی ناامید می‌ساخت. جورج مانند اغلب قهرمانان شش‌زنی که تا وقتی که شیرۀ عنوان خود را نکشیده باشند، او برزوشدن با یک رقیب خطرناک می‌گزیند از من می‌گریخت. او می‌خواست صبر کند تا من بیزتر و کندتر شوم.

روزده فوریه به شیکاگو رفتم. در آنجا هربرت محمد یک مصاحبه مطبوعاتی تشکیل داده بود و می‌خواست تلفنی با جورج فورین تماس بگیرد. نخستین باری بود که از نزدیک نحوه ترتیب دادن یک مسابقه را ببینم. هربرت می‌دیدم که انجام وقتی با جورج تماس گرفت پس از تعارفات اولیه من گنت:

«جورج می‌گوید حاضر است تا مسابقه بدهد.» و آهسته در گوشه گفتم:

«بیا با او دشمن بدار و تحریکش کن!»
گوشی را گرفتم و گفتم:

«جورج، راستی رستی فکر میکنی اونقدر زن و جراب پیدا کردی که بتونی داخل به صحنه با من روبرو بشی؟»
جورج جواب داد:

«هروقت هرجا باشی برای پول حاضریم.»
«حرف بر سر ده میلیون دلار. بیا این مسابقه تاریخی رو ترتیب بدم. دان کینگ داره با قرارداد پیش تو میاد. من اونو برسی کردم، هیچ عیبی نداره. انگه نمیترسی و دلشو داری امضا کن!»

«آزوترس؟ فقط دعا میکنم که باعث برگشت نشم!»
گوشی را گذاشتم و به هربرت گفتم:

«مت‌اینکه تگوش دادیم.»
ولی وقتی کینگ سراغ جورج رفته بود مدتها نمی‌توانست او را بگیرد و وقتی هم سرانجام او را دهنه بود جورج بهانه‌های مختلفی تراشیده و حاضر نمیشد با من روبرو شود. کینگ به جورج گفته بود:

« علی دیگر به روزهای آخر مشت زنی اش رسیده و بهتر است که خودت ضربه اش بکنی و با این کار خودت را تثبیت کنی نه اینکه منتظر بمانی که کس دیگری او را شکست بدهد. علاوه بر این شما هرچا و هر وقت که مسابقه بدهید بیش از یک میلیارد تن تماشاگر دیدار شما خواهند بود. آنها قضاوت خواهند کرد که چه کسی « بزرگترین » است. »

ولی جورج راضی نمیشد. او گفته بود که باید بیشتر از مهم من (محمدعلی) پول بگیرد. « من وقتی با فایزر مسابقه دادم، او قهرمان جهان بود و من یک مدعی، با این دلیل من پول کمتری گرفتم. حالا هم او مدعی است و باید کمتر از من بگیرد. اگر مدعی با قهرمان برابر باشد این باعث سرشکستگی قهرمان است. و دان کینگ در جواب او گفته بود: »

« من میدانم هربرت محمد اجازه نخواهد داد محمدعلی با تو وارد صحنه شود و کمتر از تو پول بگیرد او وری برنده این مسابقه است و تماشاگر را جلب می کند هربرت می داند که تو از مسابقه با بیک شتازن دیگر حتر حسی یک میلیارد دلار همس پستت نخواهی آورد چه برسد به پنج میلیون دلار. »

کنینگ میگفت بنظر میرسد این حرف در او تاثیر کرد با اینحال باز هم از امضاء قرارداد خودداری میکرد. باین دلیل آخرین حرفم را زدم: « جورج، تو میگوئی نسخه دوم لیستون هستی و از کار او بیرویی می کنی، مگر نه؟ »

« بله، همینطور. من از لحاظ قدرت و ظاهر هم شبیه او هستم، البته بزرگتر و نیرومندتر. »

« خوب، محمدعلی دوباره لیستون را متوقف کرد..... « او وقتی پول بدی لیستون پیر شده بود. شکست دادن لیستون نباید افتخاری برای محمدعلی باشد. اگر لیستون هم من و سال من بود..... »

« جورج، تو لیستون جوان هستی. تو میتوانی به مردم دنیا نشان بدهی که لیستون در اوج قدرتش چه بلایی میتوانست بر سر علی بیارد؟ تو میتوانی تاریخ را دوباره بنویسی. جورج که عاشق لیستون بود تحت تاثیر قرار گرفته بود. »

دان کنینگ با دیدن تاثیر حرفهایش اضافه کرده بود: « علاوه، تا وقتی که محمدعلی را شکست نداده باشی، دنیا ترا بعنوان قهرمان قبول نخواهد کرد. تا وقتی که او زنده است و مشت زنی میکند و تو بدینا نشان نداده باشی که چه کسی بهترین است، مردم او را برتر خواهند دانست. دیگر مقاومت قبول در هم شکسته و گفته بود: « باشه، پول بگیرم قرارداد چیست؟ حقیقتش را بگو. »

اگر کوچکترین خلایق بینم همه چیز را بهم میزنم، پس امضای محمدعلی لاجاست؟ »

« قهرمان تو هستی، مدعی پس از قهرمان امضاء میکند. » جورج به تصویر اینکه دارند با او شوخی میکند باز هم مدتی طولانی از امضای قرارداد خودداری کرده بود ولی سرانجام آن امضاء کرد. »

هربرت محمد هفته های پیش از روز مسابقه به ژنیر رفته بود تا با اتفاق مقامات محلی این کشور آفریقائی اقدامات لازم را بعمل آورد. ژنیر اولین کشور خارج از اروپا و آمریکا بود که یک مسابقه بر سر قهرمانی جهان در آن انجام میشد و پس از آن کشورهای سائری و فیلیپین نیز دست به کار شدند. قرار بود روز دسپتامبر به ژنیر بروم. مسابقه روز ۵ سپتامبر انجام میشد هر روز با دیدن فیلمهای مسابقه های جورج حتی فیلمهای روزهای آماتور و مسابقه های المپیک او بیشتر باروش کارش آشنا میشدم. درباره او هرچه میخوانستم بلست آورده بودم. فیلمهای پیروزیهایی او را در برابر جو کینگ رومان، جوفریز، کن نورتون و خووز پرالتا دیده بودم. علاوه بر این ها اطلاعات با ارزش دیگری از « پوسمان جونز » یار تمرینی او بدست آوردم. »

جونز هفته ها با او کار کرده و به همه جزئیات کارش آشنا بود و من چند روز قبل از بروز به ژنیر هر لحظه انتظار

ورود او را میکشیدم. وقتی سرانجام جونز آمد اطرافیان من او را سوالیچ کردند: « آیا فورسین شدت تمرین میکند؟ » جواب داد: « او هر روز تمرین میکند. و دوست ندارد سر و صدا راه بیاندازد ولی روزی نیکگذرد که او بدون تمرین آن را پشت سر بگذارد. »

« چقدر تمرین دو میکند؟ آیا با اندازه محمدعلی میدود؟ »

« تمرین او با تمرین علی خیلی فرق دارد. او از کوهها و سر بالائی ها با دو بالا می رود. »

« از کوه؟! چطور میشود روی کوه، با آن شیب های تند دوید؟ »

« از آن هم شیب دارتر. او تا حالا هرگز مجبور نشده پانزده دور در صحنه تلاش کند ولی میداند که این بار مجبور است این کار را بکند. باین دلیل دارد خودش را آماده میکند. »

جونز بقدری از قدرت و تمرینات سخت جورج فورسین تعریف میکرد که سرانجام همه کسان اطراف مرا عصبانی کرد باندینی فریاد زد: « نگاه کن، ما بتو پول ندادمیم که به اینجا بیایی و همه اش از جورج تعریف کنی، جورج عیب هائی هم دارد. تو وظیفه داشتی وقتی با او کار میکردی سوچه عیب هایش بشوی. از رابطه اش با زنها بگو. یک اسب گنده و تو میوند مانند او با زنها چه رابطه ای دارد؟ »

« ولی هرگز آدمی مثل او ندیده ام..... »

باندینی که دیوانه شده بود، فریاد زد: « آ..... ها! ما به ندیده هایت کاری نداریم. گفتیم هرچی دیدی بگو! » او میتواند ماها بدون نزدیک شدن به زنها زندگی کند. چیزی که در هیچ شست زنی ندیده ام. ولی جورج به زنها دست نمیزند. من مطمئنم که عیبی در کارش هست. او وقتی تمرین میکند حتی بایک زن طرف صحبت هم نمیشود. » راجع به چی حرف میزند؟ »

« ققط پول. او در فکر درآمدهای شراری است که پس از شکست دادن محمدعلی بدست خواهد آورد. »

بلادسرانجام به جونز گفت: « بین باسمان، ما میخواهیم بدانیم که تو طرف کسی هستی؟ ما نمیتویم اینجا یک جاسوس در جانیه داشته باشیم. همه حرفهایت سود در باره قدرت و عظمت جورج است. »

« شماها از من خواستید حقیقت را بگویم. »

« پس حقیقت را بگو. اگر قرار باشد محمدعلی و فورسین همین فردا مسابقه بدهند چه کسی پیروز خواهد شد؟ »

آرام شدند و چشمها به دهان جونز دوخته شد ولی او ساکت بود و فکر میکرد. باندینی اخطار کرد: « بیست از اینکه از اینجا بیرون بیاد از دست حرف بزنی! »

« شما میدانید که من با هر دوی آنها کار کرده ام محمدعلی ضربه های محکمی دارد ولی ضربه های جورج محکمتر است. ضربه های کوتاه چپ محمدعلی پس از تیغ تیزتر از هر چیزی دیگری بود، سعی ترا زنیش مار بود ولی حالا ضربه های چپ او دیگر شباهتی به آن ضربه ها ندارد. خوب هست، ولی..... »

کیلروی که صحبت زدم شده بود، گفت: « تو این حرفها را پیش روی محمد میگویی؟ »

همه اطرافیان من بلند شده بودند ولی جونز سر حرفش بود: « ضربه های کوتاه محمدعلی با گلشنه نرق کرده. او دارد نر میشود. بیاند با واقعیت روبرو شویم - و من به شما میگویم چرا..... »

برای اینکه مانع بیرون انداختن جونز از آنجا بشوم دخالت کردم و گفتم: « بگذارید حرفش را بزنند. »

جونز ادامه داد: « محمدعلی بهترین شست زنی زنده جهان است. من باین موضوع اعتقاد دارم. ولی برای شکست دادن جورج باید دوباره قدرت ضربه های چپش را بدست آورد و برای این کار باید دور زنها را قلم بکشد. او نمیتواند با داشتن فکر زنها در

کله اش خوب تمرین کند. جورج جوان است و با این وجود به خوشگذرانی و عیاشی علاقه ای ندارد. او هیچ فکری جز شکست دادن محمدعلی ندارد. »

یکی پرسید: « آیا ضربه پنهانی خاصی دارد؟ آیا روی ضربه مخصوص کار میکند؟ »

« جورج یک ضربه دارد که بر هیچکس پوشیده نیست. واسم آن راهم « ضربه هرجا » گذاشته، چون به هرجا که بزند آنجا را خرد میکند. جای بخصوصی راهم در نظر نمیگیرد چون بهر جا بخورد اثر میکند. »

همه آرام شده بودند. حالا دیگر نوبت من بود. در کنارش نشستیم و گفتم: « همه حرفهائی که زدی برای آدمهائی که هرگز با به صحنه نگذاشته اند، جالب است ولی حالا میخواهم بعنوان دوست تان با هم حرف بزنیم. شست زنها میدانند چطور باید با هم حرف بزنند. »

جونز سرش را تکان داد و من گفتم: « دستهایت را کاملاً بالا بیاور. آیا هرگز توانستی با دستهای کاملاً کشیده به او تسلط داشته باشی و ضربه های کاری به او بزنی؟ »

جونز ناراحت شد و آهسته بطوری که قط من بشنوم، گفت: « باران تمرینی عاقلتر از آن هستند که به او ضربه بزنند. اگر یکی به او ضربه ای بزند سرش را خواهد شکست. او برای شست خوردن خوب پول نمیدهد. نه من هرگز او را زدم. »

« ولی اگر میخواستی، میتوانستی؟ دستت به او میرسید؟ »

جونز سستیماً جواب نداد. « جورج دوست دارد که تو را روی طنابهای کبر بیاندازد و روی تو کار کند. علی، تو نمیتوانی روی طنابها تکیه کنی و انتظار داشته باشی این مرد را شکست بدهی. »

تو نمیتوانی روی طنابها قمار بکنی. تو باید با زدن ضربه او را حثتی کنی، تو باید با حرکت ورقت، مانند بهترین روزهایت، او را بی اثر کنی. مزیت تو در این سن و سال این است که میدانی چطور سرعت را تنظیم کنی. جورج شاید این را نداند ولی خیلی خوب میداند چگونه یک مرد را در گوشه صحنه و روی طنابها کبر بیاندازد. او میتواند بایک ضربه ترا از جا بکند. اگر بخوای روی طنابها استراحت کنی او زنده هایت را می شکند. در هر حال و وضعی که باشی بکن شست. بزند و تا وقتی که داور بر او اند خودش را برساند. بکن است نیمه جات کرده باشد. کشنده ترین ضربه او، شستی است که به کلیه ها میزند. این تنها نقطه بدن تو است که نمیتوانی آنرا بیوشانی و کاری هم نمیتوانی بکنی. جورج

..... کین زنها بیش از شست زنان هرگز زندگی در کار شست زنان هم وزن خود وقت میکنند. شنیده ام که بعضی از شست زنان میگویند نمیملند نارند بجزی در باره رقیب آینده شان بدانند، خبرهای مربوط به او را در روزنامه ها نمیخوانند و فیلمهایش را نمی بینند.

شنیده ام که راکی ماریانو، جک شارکی و جونسی ماکسیم اینطور بودند. ولی من دوست دارم در باره یک رقیب قضاوت کنم و کار زندگی او را تجزیه و تحلیل نمایم. هرچه بیشتر در باره اش بدانم کارم راحت تر خواهد بود. نه فقط عمده ای حقایق و اطلاعات ساده در باره شست هاوز زندگی ورزشی اش، بلکه همه جزئیات زندگی اش را. حتی زندگی سیاسی و خانوادگی او را و اینکه کنفرانس با همسرش چگونه است. همه اینها را روی هم میگذارم. من به دانستن چگونه « احساس » او نیاز دارم. »

هرگز سردی را که بزودی با تو مبارزه خواهد کرد ندانید، نگیر، سردی که وضع اجتماعی تو، کارتو، آینده تو، گذشته تو، و حتی تصویر تو را در ذهن مردم تهدید میکند. با بد چنگید، نه در یک کویچه خلوت و تاریک، بلکه در برابر نور خیره کننده تلویزیون، رادیو، روزنامه نویس ها، در برابر چشمان همه مردم جهان، سردی که با آنها آشنا هستی یاد آورنده آشنا خواهی شد، در برابر کسانی که حتی هنوز بدینا نیامده اند



سادلرو آجپی سور هم جاسوان او بودند که هر روز آنها را در وسط تماشاگران تمرین میدیدم. یک روز که آجپی خود را در گوشه ای پشت چند تن از تماشاگران مخفی کرده بود که با اصلاح من او را بنیم فریاد زد و خطاب به او گفتم: برو به جورج عزیزت بگو که بعضی از خسته هائی را که تو (آجپی سور) قبلا بمن (محمعلی) یاد داده ای روی خودش پیاده خواهم کرد. بریدگی چشم سبب شد که فورن دقت بیشتری برای تمرین داشته باشد ولی با اینحال با و بگو این موضوع چیزی را عوض نخواهد کرد. او تاسا کنون با یک استاد رقص رویرو نشده. با و بگو وقتی ما با هم رویرو شدیم بزرگترین معجزه تاریخ روی خواهد داد. بزرگترین شگفتی تمام دورانها بوجود خواهد آمد. بسرو همین حالا بیارش اینجا! همین حالا حسابش را بریسر ما!

من به همه گفته بودم جورج سشت های نیرومندی ندارد و ضربه های محکمی نمیزند. ولی همواره نگران این بودم که آیا میتوانم یک ضربه نیرومند او را تحمل کنم؟

روز بعد از هم آجپی و سادلر بدیدن تمرین من آمدند. آجپی از نگاه کردن به چشمهایم اجتناب میکرد ولی ناگهان چشمهای ما با هم تلاقی کرد. از تمرین دست کشیدم و خطاب به جمعیت گفتم: «آجپی سور یکی از بزرگترین قهرمانان تاریخ است.» و آنوقت خطاب به خود آجپی گفتم: «تو وقتی که ۳ ساله بودی عنوان قهرمانی را بدست آوردی. تو مجبور شدی آنهمه صبر کنی چون آنوقت ها به ندرت به سایه بوستان اجازت میدادند بر سر عنوان جهانی با سفید ها بجنگند. تو وقتی که ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ ساله بودی قهرمانان چهار کشور را ضربه زنی دردی. تو تا ۹ سالگی هم مسابقه میدادی و تا آخر کارت بهترین سشت زنان را شکست میدادی.»

آجپی بمن نگاه میکرد و لبخندی محبت آمیز بر لب داشت.

«آجپی! من درسی وسه سالگی خیلی بیرم؟ بگو ببینم آیا خیلی بیرم؟»

ولی او جواب سراندا و با تفاق سادلر دور شد. مسابقه ساعت چهار صبح انجام میشد ساعت سه و چهل و پنج دقیقه بود که یکی از خبرنگاران از من پرسید چه احساسی داری؟

گفتم: «به فکر مسابقه هستم. چند دقیقه دیگر من دوباره قهرمان جهان خواهم شد. به کارها و تمریناتم فکر میکنم. تمرین دو و کارهای یابانی ام درست بود. برنامه غذایی ام درست بود. روش تمرین درست بود. خوابیدن بموقع و کافی بود. تنظیم برنامه و وقت گیری ام درست بود. درسی روز گذشته درست سر ساعت چهار صبح شروع به تمرین دو کردم. بطوری که حالا وقتی وارد صحنه میشدم مثل این است که دارم تمرینم را شروع میکنم و خسته نخواهم شد.»

آنوقت خطاب به پارانم گفتم: «نگران نباشید. اینهم درست مانند تمرین روزهای دیگر است.»

ولی این حرف چیزی را عوض نکرد. بلاد و باندینی آشکارا امیلباز شدند. قبل از آن در بیشتر مسابقه هایم همراهانم رقیبانم را زیاد جدی نمیکردند و این من بودم که آنها را وادار میکردم به حرفانم اهمیت بدهند. ولی آن روز صبح آنها طوری دنبالم وارد رختکن شده بودند که گوئی دارند یک تایتوت را دنبال میکنند: تا تایتوت مرا. هر چه بود داشتیم با جسواتترین و نیرومندی ترین رقیبم رویرو میشدیم. معدل پیروزیهای با ضربه زنی فورن از هر سشت زن دیگری بیشتر بود. در آمریکا شرط بندی چهار سربیک به ضررم بود در اروپا سه بر یک، در توکیو که محبوبیت زیادی دارم، چهار بر یک. و در انگلستان نیز دو بر یک روی باخت من شرط بندی میشد. روزنامه شیکاگو تیون نوشته بود: «علی برای بقای خود به یک معجزه نیاز دارد.»

از طرف دیگر از سراسر آفریقا، کاتینها، تلگرافها و نامه های زیادی بمن میرسید که حتی پیش از شروع مسابقه پیروزی مرا تبریک میگفتند. ممکن بود این آخرین مسابقه زندگی ام باشد. پس درد

آجپی: با تانگ بلود، ملی، با چکو و بوندنی
محمعلی هر جا برود یک گروه آدم دنبالش هستند و این سه تن با ضافه آن جلو دوندی.
که در عکس نیست— کسانی هستند که حق دارند روی صحنه بروند. یکی از افراد بسیار سنگین هزینه های محمعلی مربوط به این همراهانست که گاه عدشانه به یکصد نفر میرسید و حتی خاطره نویسی هم جزء آنها هست.
عکس او را در میا روزه با چاک و پرنشان میداد.



پرزیدنت سوبوتو (رئیس جمهور زئیر) بفرستم. چون شنیده ام جورج و بری اش میخواهند برای من لجه «خرشیدگی» بالای چشمش به بارس بروند. من از پرزیدنت میخواهم به آنها اجازه خروج ندهد.»
همه خندیدند.

یک خبرنگار آمریکائی پرسید: «فکر میکنی جورج اگر از اینجا برود چکار میکند؟»
«او از اینجا بیرون رود و پیش خودش خواهد گفت: لعنت به اون پنج بلیون دلار شکر خدا که چونم نجات دادم و همیظور عنوانم.»

ولی اگر لازم بشود یک سال هم اینجا منتظر میمانم قطب باین دلیل که او نرود. آقای رئیس جمهور او میخواهد فرار کند! دستور بدهید همه بسته های بار را که باندازه قامت یک انسان است بگردند همه کامیونها و قطارها و هواپیماها را بگردند. آقای رئیس جمهور هر کاری می-خواهید بکنید ولی نگذارید او از مسلکت خارج شود!»

چند روز بیشتر نگذشت بود که زخم فورن خوب شد چنانکه گوئی هرگز زخمی در کار نبوده است. اینبار پس از دو هفته جورج دوباره به تمرین پرداخت. اینبار هم جاسوانم کوچکترین خبرها را بمن میسراندند. سانسی

و در آینده و با بدین فیلمها در باره تو قضاوت خواهند کرد و کسانی که فیلم مسابقه را نخواهند دید و حتی چیزی هم درباره آن نمی خوانند بلکه از دیگران می شنوند.

در روز سوم اقلتم در زئیر تقریباً یک سیستم نظارت بر کار جورج درست کرده بودم و میدانستم که او هم تریبی برای دیدن کارهای من داده است.

هشت روز به شروع مسابقه مانده بود و من کاملاً به شرایط دنخواه رسیده بودم که «هاوارد بینگهام» بسراغم آمد.

بینگهام علیرغم لکت زبانی که دارد به محض وارد شدن به اتاقم شروع به بلبل زبانی کرد و گفت:

«مسابقه انجام نمیشه! مسابقه انجام نمیشه! همه چی بهم خورد!»

من قطع نگاهش میکردم و او ادامه داد: «سگه خبرنداری؟ بالای چشم جورج شکافته شده»

در همین ضمن «لاویل ریلی» عکاس هربرت محمد وارد شد و در حالیکه به بالای چشم راستش اشاره میکرد، گفت:

«آره! من خودم دیدم که خون از بالای چشمش فواره میزد.»

گفتم:

«گوش کنید، من خیال دارم یک پیام سرگشاده برای

شدید دستهایم احمیی نداشت. تمام داروندار زندگیام و همه آنچه را که میخواستم، به آن مسابقه بستگی داشت پس میبایست از تمام قدرت سلحهم - دستهایم - به بهترین شکل منکن استفاده میکردم. میخواستم با بهترین شرایط مبارزه کنم. هر چه پیش میآمد جورج نیبایست با عنوان قهرمان از افریقا خارج شود.

از بلندگو فرمان شروع مسابقه اعلام گردید و همه چیز سرعت بیشتری یافت. احساس سرمائی شدید مرا می‌بزراند. عصبی بودم.

وارد صحنه شدم. فریاد تشویق تماشاگران صحنه را میبزراند. دستهایم را بلند کردم و از این سوی صحنه به آن سوی دویدم. فورس هنوز نیامده بود. میدانستم که با همین کارش نیامدن بموقع - نکته مهمی را باخته است.

ده دقیقه از زمان قراردادش شروع مسابقه گذشته بود و هنوز خبری از فورس نبود. بنظرم او میخواست با منتظر گذاشتن من، مرا خشنوع و عصبانی کند. ولی او اشتباه میکرد چون اولاً که از قصدش آگاه بودم و از طرف دیگر یک فرصت عالی بمن داد تا در غیاب او همه جای کف صحنه را بدقت با پاهایم بررسی کنم و جاهای نرم و سفت آن را مشخص سازم. از طرف دیگر توانستم یکبار دیگر تماشاگران را تجزیه کنم، فورس هر چه در پرت میباید من را ضعیف تر بودم. چون او قدم به محلی می‌گذاشت که کاملاً در آن غریبه بود در حالیکه من لطفه - به لطفه با آدمهای پیش آشناتر میشدم.

سرانجام فورس و همراهانش: دیکسادر، ساندی، سادلر و آرجی، سورا وارد شدند. فورس مستقیم بطرف چهار پایه اش رفت. نه طنائها را دست زدونه کف صحنه را معاینه کرد و نه نظری به تماشاگران انداخت. او خود را از همه چیز بی‌نیاز حس میکرد. همانجا نشست تا وقتی که داور به وسط صحنه آمد. اما من با رقص پا و جست و خیز خود را گرم میکردم.

«زاک کلیتون» داور مسابقه، در وسط صحنه قرار گرفت و با لثا او کرد. یک لحظه من و جورج یکدیگر چشم دوخیم. در چشمهایش سانی لیستون جوان را می‌دیدم جوان، سر حال، نرم و بندتر و بلندتر از لیستون. زمان حواب دادن به خرده - گزالی بود که همواره میگفتند من از لیستون پیر برده‌ام. زمان آن فرا رسیده بود که به همه نشان بدهم که آیا از پس یک لیستون جوان هم میتوانم برآیم یا نه؟ با این تفاوت که من دیگران «کلیوس کلی» جوان نبودم.

کلیتون شروع به دادن دستورالعملی پیش از مسابقه کرد. ولی من اول سلحهم را با درون آوردم، کاملاً در گوش جورج و با لحن تحقیرآمیزی که تحقیرآمیزتر از آن دیگر نمیتوانستم، گفتم: «قهرمان کله پوک! اسب جلوی اینهمه افریقائی بدجوری تنبیه خواهی شد!»

داور که متوجه تغییر حالت جورج شده بود بلافاصله سرش را بطرف من برگرداند و گفت: علی! حرف نزن! به دستورالعمل گوش کن. و ادامه داد: پشت زدن به پهلوی وزیر کمربند خطاست....

ولی من بدون توجه به حرفهای داور آهسته ادامه دادم: «بچه جون! من به این حرفها اهمیت نمیدم. من خیال دارم به هر جای بدنت که دستم برسه پشت بزمن غیر از اون کفل جاق بف کدوهای! اگر نتوانی با من بجوشم به چه!»

داور فریاد زد: «علی بهت اخطار میکنم! ساکت باش!» گفتم:

«داور! این بچه بدجوری به زحمت افتاده. آخه اونوجی به قهرمانی؟!»

جورج به داور چشم دوخته بود تا او را نجات دهد. ولی

داور بدون توجه به نگاه او بطور خود کار حرفهایش را ادامه میداد. منم به حرفهایم ادامه دادم:

«بچه جون! از وقتی که به دنیا اومدی در بازه من نشستی. در بازه محمدعلی. حالا مجبوری با من روبروشی! از وقتی که یک بچه قنداقی بودی و شلوار لاستیکی سی - پوشیدی خبر پیروزیهای مرا شنیده‌ای. و حالا اسب بخوام چنان اذیت بکنم که درست مثل یک بچه گریه کنی.»

کلیتون که دگر بکلی خشمگین شده بود فریاد زد:

«اگر بس نکنی. ترا از اینجا بیرون میکنم. من میخواهم یک مسابقه پاک، خوب، و ورزشکارانه داشته باشم اگر غیر از این بلدش جلوی آن را میگیرم.»

جواب دادم: «این تنها راه نجات این بچه‌امس! او محکوم به مرگ شده!»

عرق فورس در آمده بود. داور ادامه داد:

«اگر وسط مسابقه حرف بزنی. مسابقه را قطع میکنم! میفهمی؟ قطع میکنم!»

قبلاً هم داوران دیگری این حرف را بمن زده بودند ولی در کجای مقررات پشت زنی نوشته شده که یک پشت زنی نمیتواند و نباید در هنگام مسابقه با حریفش حرف بزند؟

من هیچ وجه نگران تهدید داور نبودم. این مسابقه که پیش از یک میلیارد تماشاگر داشت و آنهمه خرج برگذاری آن شده بود، مسابقه‌ای نبود که به آن سهولت متوقف شود. علاوه بر این او میدانست که حرفهای من سبب نمیشود در نحوه مسابقه دادتم تغییری بوجود آید. بلکه برعکس با روحیه‌ای بهتر، مبارزه‌خواهم کرد. با این دلیل بار دیگر روزه جورج کردم و گفتم:

«بچه، در مقابل یک جسد موسومانی شده گنده و کند مثل تو، من خیلی سریع هستم. عنوان تو از دست رفته. حق این بود که هرگز به افریقائی آسیدی.»

کلیتون تسلیم شد و فریاد زد:

«تمام کن، تمام کن! به گوشه‌های خودتان بروید و وقتی زنگ شروع بعداً در آمدن نشان بدهید چند مرده حلاج هستید.»

میدانستم که جورج تا آنوقت هرگز در مسابقه‌ای آسیب ندیده بود. او حتی یک دور هم به یکی از حرفانش ناخته و از آنها عقب نمانده بود. آیا میتوانستم دست به قمار بزنم و تمام نیرویم را در همان دور اول بکار بگیرم و حسابش را برسم؟

زنگ داور اول بعداً درآمد. با سرعت و رقص کتان بطرف جورج رفتم و یک ضربه چپ سریع به او زدم. او بطرف می‌آمد. به عقب آسدم و چند ضربه کوتاه دیگری به او زدم. در یک دقیقه



کارنامه محمدعلی

چهل و هفتین مبارزه محمدعلی با جورج فورس قهرمان جهان بود که در دور هفتم او را از پای درآورد. این مسابقه سیده دم ۳۰ اکتبر ۱۹۷۴ در کینشازا (زئیر) برگزار شد.

پس از آن چاک وینتر در برابر محمدعلی قرار گرفت و این چهل و هشتین مبارزه محمدعلی محسوب میشود. مبارزه این دو بتاريخ ۲۴ مارس ۱۹۷۵ در کیولند (آمریکا) برگزار شد و وینتر در دور پانزدهم با ضربه فنی از پای درآمد.

چهل و نهمین مبارزه باران لایل در لاس وگاس بود. این مسابقه در ۱۹۷۵ برگزار شد و لایل در دور پانزدهم با ضربه فنی از پای درآمد.

شروع بازی اصلاح حرف نزدم ولی اگر او خیال میکرد که تمام مدت کار میکنم و باز نام چیزی به او یاد نخواهم داد استباه میکرد. آنگاه گفتم:

«پا جلسو، کسوجولو! بیا بخت را از سایش کن! نشونم بده که چی بدتی! قبلاً دیدم»

چه راحت و خوب بچه‌های نود لسانی را ضربه فنی کردی! «یکضربه کونا موسریم به صورتش زدم و گفتم «حساب این یکی از همه جداسه بچه کوچولو! بتو نگفته بودم که من سریعترین مشت زن سنگین وزن جهان هستم؟ او بتو نگفته بود؟ این دور داره نموم میشه و تو هنوز یک ضربه خوب هم نزدی.»

ولی در نیمه دوم دور اول جورج آنچه را که در طول ماهها تمرین کرده بود به درستی و با دقت یاده کرد. داشت صحنه را برای من کوچک میکرد. کاری میکرد که در برابر دو قدم او شش قدم بردارم. این کار را بهتر از هر مشت زن دیگری که تا کنون دیده‌ام انجام میداد. قبلاً مشت زنان زیادی مرا تعقیب کرده بودند ولی کاری میکردم که در برابر هر قدم من دست کم یک قدم بک بردارند. جورج غیر از همه بود. چند ثانیه مرا در گوشه‌ای بدام انداخت و متوجه شدم که روی طنائها افتاده‌ام. قهرمان زن نزدیک میشد و با ضربه‌های بلند راست و چپ و کف مرا می‌تاخت. در اوج قدرت بود. یکی از آن ضربه‌های کشنده‌اش مرا بشدت لرزاند.

آجلا و بانده‌نی بمام فریاد می‌زدند و مرا به رقص و تخرک تشویق میکردند. در تمام روزهای تمرین هفت من این بود که از طنائها فاصله بگیرم ولی قبل از پایان دور اول متوجه شدم که باید روش ناگرم را عوض کنم. سادتر و آرجی جورج را خوب ساخته بودند. او ناشر را مانند یک آدم ماشینی ولی بخوبی انجام میداد. در پایان دور اول به نیروی سرگبار جورج ای برده بودم و بخوبی میدانستم که اگر بخوام با رقص یا خود را خسته کنم هرگز موفق نخواهم شد بازنده دور در برابرش ایستادگی کنم تا زان این شرطی بود که میتوانستم با رقص یا از او فاصله بگیرم.

دوره‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم بهر کیفیتی بود گلشت ضرباتی که در این دوره‌ها بمن وارد شد هرگز سابقه نداشت جورج واقعاً نیرومند بود. البته منم میکار نبودم. بمام با نیش زبان او را می‌آزردم و گاهی که هم ضربه‌ای کاری به او می‌زدم. جورج دور هشتم را هم بقصد ضربه فنی کردن من آغاز کرد. ولی ضربه‌های او آهسته‌تر زده میشد و مدتی طول میکشید تا بمن بخورد. میدانستم که آتش دارد شکم و ریه‌های او را آزار میدهد و هر نفسی که میکشید برایش شکنجه‌ای بحساب می‌آمد. همچنان که برای من برای زدن یک ضربه راحت حساسی خودش را عقیدت میداد و با تمام قدرت آن را رها کرد من خود را کنار کشیدم و ضربه‌اش روی طنائها خورد. گفتم: «بچه! فقط یک کیلومتر عوضی نشانه گرفتی! او! او! او! حالت هم خیلی بد میشه عور!»

یک لحظه چشم از چشمش برنمیدانستم. میخواستم همه چیز را از چشمهایش بخوانم. میدانستم زمان آزمایش او فرا رسیده است. با تمام نیرویم یک ضربه راست به چانه‌اش زدم ولی با زخم سر پا بود. برای ضربه‌های دیگری آماده میشدم که دیدم دارد کم کم سرنگون میشود. چشمهایش خیره شده بود. جورج روی زمین افتاد. برای آخرین بار یک دور برای جورج فورس شروع به شمارش کرد که دو..... هفت، هشت، جورج سعی کرد بلند شود، نه، ده، جورج روی باهایش ایستاد ولی دیگر کار تمام شده بود. داور دست مرا بعلامت پیروزی بالا برد. و ورزشگاه از صدای فریاد مردم بلرزه درآمد. اگر نخستین بار بقم بعضی‌ها با شکست دادن لیستون پیر قهرمان جهان شده بودم، این بار لیستون جوانو نیرومند - فورس بدون شکست - از پای در آوردم و دوباره پس از آنها انتظار عنوان را پس گرفتم.

دلیل در پیش بودن بازبهای المپیک شرح حال «محمدعلی» را برای مدتی قطع میکنم و پس از پایان بازبها، دنباله آنرا - که بسیار جالب و خوانندگی است - از نظر خوانندگان گرامی خواهیم گذرانند.